خمس
و
زکات

محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحیم

خمس و زکات

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خمس و زکات

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور:خمس و زکات/ محسن قرائتی.

مشخصات نشر:تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری:۱۷۶ ص.

شابک:۶۰۰۰ ریال ؛ ۷۰۰۰ ریال: چاپ چهارم ۹۶۴-۵۶۵۲-۴۰-۵ : ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ پنجم) ؛ ۸۵۰۰ریال (چاپ ششم) ؛ ۸۵۰۰ ریال: چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۵۲-۴۰-۹ :

یادداشت:چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۶.

یادداشت:چاپ پنجم: بهار ۱۳۸۷.

یادداشت:چاپ ششم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت:چاپ هفتم: بهار ۱۳۸۸.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:خمس

موضوع:زکات

رده بندی کنگره:BP۱۸۸/۶/ق۴خ۸ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۵۶

شماره کتابشناسی ملی:م ۸۲-۲۵۸۹۳

ص: ۱

۱- مقدّمه

خمس » مقدّمه

با لطف خداونـد متعال، تا کنون یک دوره اصول عقایـد از توحید تا معاد و یک دور تفسـیر قرآن کریم به نام تفسـیر نور، و از فروع دین، کتاب های متعددی درباره نماز، حج و امر به معروف و نهی از منکر نوشـته ام. آنچه پیش رو دارید یادداشت هایی درباره خمس و زکات است که تنظیم و ارائه می گردد.

تقریباً آنچه را نوشته ام ابتدا در صدا و سیما گفته و سپس اقدام به چاپ آن کرده ام.

با لطف خداوند، برای نماز و زکات و تفسیر و امر به معروف، ستادهایی تشکیل و اقداماتی انجام گرفت. آنچه انجام گرفته و آنچه نوشـته شده، توفیق الهی بوده و آنچه مورد دغدغه است، آن است که به آنچه گفته و نوشـته ایم، چقدر عمل کرده ایم و آنچه عمل کرده ایم، چقـدر مورد قبول خداونـد واقع شـده است؛ زیرا مقدس ترین کارها که به دست مقدس ترین مردان خدا انجام گرفته است اگر قبول نشود، هیچ ارزشی ندارد. قرآن

می فرماید: حضرت ابراهیم علیه السلام پایه های کعبه را بالا می بُرد و اسماعیل هم او را کمک می کرد، امّا آنچه برای او مهّم بود قبول شـدن این عمـل به درگـاه الهی بود و لـذا فرمود: «ربّنـا تقبّل منّا»(۱)، بـا اینکه شخصـی بالاتر از ابراهیم علیه السـلام و یاوری بهتر از اسماعیل و کاری بالاتر از ساختن کعبه نیست، امّا اگر قبول نشود چه سود!

هـدف مـا در این کتـاب، نه تحقیق عمیق است که بضـاعت و فراغت آن را نـدارم و نه نقل تمام اقوال، بلکه چون دیـدم آنچه دربـاره زکـات و خمس در دسترس مردم قرار دارد، یـا فتـاوای مراجع و احکـام است که به صورت مسأله بیان شـده است و یا کتب فنّی و فقهی و اسـتدلالی است، و در این بین جای کتابی که دورنمائی از خمس یا زکات را برای عموم مردم ترسیم کند کم یاب است، لذا دست به این نوشتار زدم.

در این نوشـته، محور مطـالعه، قرآن و نهـج البلاـغه و روایات بوده است. از کتاب جامع الاحادیث آیهاللّه العظمی بروجردی و کتاب شریف بحارالانوار و نکاتی که در تفاسیر، ذیل آیه خمس (آیه ۴۱ سوره انفال) و آیه زکات (آیه ۶۰ سوره توبه) و سایر آیات مربوطه آمده، بهره برده ام.

از سه کتابی که در این زمینه نگاشـته شـده، کتاب الخمس آیه اللّه نوری، کتاب خمس آیه اللّه حاج حسن امامی اصـفهانی و کتاب خمس حجهالاسلام و المسلمین سیدمحمد ضیاءآبادی نیز بهره گرفتم.

با این حال همان گونه که خودم کمبودهایی دارم، نوشـته هایم نیز کمبودهایی دارد. از خداونـد متعال می خواهم کمبودها را جبران و سیئات را تبدیل به حسنه فرماید و از خوانند گان عزیز تقاضای تکمیل، تذکر و دعا دارم.

۱- ۱) سوره بقره، آیه ۱۲۷.

یاوران

از دو فاضل ارجمند حجهالاسلام آیتی و حجهالاسلام جعفری، از دوستان مرکز تخصصی مهدویّت قم، که این یادداشت ها را تنظیم و تکمیل نمودند، تشکر می کنم.

از حجهالاسلام متوسل که در بازنگری و اصلاح نوشته ها و آقای متوسلی که در به ثمر رساندن کتاب های بنده رنج ها کشیده اند، متشکرم.

از حجهالاسلام واعظی نژاد نیز که یادداشت های اینجانب در موضوع انفاق را، با تتبع و تکمیل خودشان، به صورت کتابی مستقل به نام «آینده ای بهتر در پرتو انفاق» به علاقه مندان عرضه کردند، نیز تشکر می کنم.

محسن قرائتی

تابستان ۸۲

۲- جایگاه خمس در اسلام- دورنمائی از فلسفه خمس و زکات

خمس » جایگاه خمس در اسلام- دورنمائی از فلسفه خمس و زکات

گرچه اسلام درآمدهایی را که از طرق نامشروع، همچون اختلاس، احتکار، کم فروشی، ربا، سرقت، رشوه و امثال آن بدست می آید، به شدّت حرام کرده و حکومت اسلامی را مسئول بازگشت این اموال به صاحبان اصلی آنها دانسته است، چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: تمام اموالی را که در زمان خلیفه سوّم میان نورچشمی ها به ناحق تقسیم شده است، برخواهم گرداند، گرچه آن اموال در مهر زنان هزینه شده

باشد.(۱) امّا با این حال به دلایل حکیمانه ای که خداوند میان انسان ها قرار داده است و به خاطر تلاش و تخصّص و ابتکار، برخی افراد درآمد بیشتری دارند که از طریق مشروع نیز کسب کرده اند، و برخی افراد با درآمد کم، توانِ اداره زندگی خود را ندارند.

تمام نظام های بشری برای کم درآمدها به فکر چاره بوده اند، زیرا اگر این خلاء به نحوی پر نشود، کینه و حسادتِ کم درآمدها نسبت به پردرآمدها شعله ور می شود و شعله اش ممکن است همه چیز را بسوزاند. اگر گرسنگان سیر نشوند، خطر بالارفتن آمار جنایات جدّی می شود و هر نظامی که به فکر گرسنگان نباشد، ماندنی نیست.

۱- ۲) واللّه لو وجدته قد تزوّج به النساء وملك به الاماء لرددتُه». نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

گرسنگیِ جمعی از مردم و پرخوری جمع دیگر را هیچ عقل و وجدان سالمی نمی پذیرد. به همین دلیل، برای حلّ این مسأله افراد و حکومت ها، طرحهای زیادی ارائه داده اند که رایج ترین آنها گرفتن مالیات و برقراری تأمین اجتماعی و ایجاد مؤسسات خیریّه و صندوق های قرض الحسنه و امثال آن است.

اسلام نیز که مکتبی جامع و اجتماعی است، برای فقرزدایی و حل مشکل محرومان جامعه، طرحهایی را ارائه داده که یکی از آنها، مسئله خمس است.

رسیدگی به فقرا به قدری مهم است که حضرت علی علیه السلام در حال نماز انگشتر خود را به فقیری که در مسجد از مردم تقاضای کمک می کرد و کسی به او پاسخ مثبتی نداد، عطا کرد و اشاره نکرد که صبر کند و بعد از نماز به او کمک کند بلکه در حال رکوع انگشتر خود را به او بخشید و آیه نازل شد: «انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزّکاه و هم راکعون»(۱)

البتّه در بحث خمس، تفاوت های خمس و زکات با مالیات مرسوم دولتی بیان شده است که ان شاءاللّه مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

خمس، نوعی تعدیل ثروت است که انسان با اراده خود و با قصد قربت، براساس ایمانی که دارد و اعتمادی که به او می شود، درآمدهای خود را بررسی و هزینه متعارف زندگی خود را از آن کاسته و بیست درصد از سودی که مازاد بر هزینه زندگی سالانه او است، به عالم ترین، متّقی ترین و بی هوس ترین افراد می پردازد تا او همچون وکیلی مورد اعتماد، در آنچه به صلاح جامعه می بیند، هزینه کند.

این تعدیل ثروت از طریق خمس و زکات، امری واجب است، ولی اسلام برای تعدیل ثروت راههای غیر الزامی دیگری نیز از قبیل وقف، هبه، صدقه، انفاق، وصیّت، کفّاره، نذر، عهد، ایثار و قرض الحسنه، قرار داده است.

تعدیل ثروت در بعضی از مکاتب اقتصادی همچون کمونیسم، از طریق نفی مالکیّت خصوصی و به انحصار دولت درآوردن همه چیز، آن هم به صورت اجبار صورت می گیرد که در این نوع تعدیل هیچ گونه آزادی و انتخاب و رشد وجود ندارد.

۳- جامعیّت اسلام

خمس » جامعیّت اسلام

آری، از امتیازات اسلام آن است که اقتصاد آن با اخلاق و عاطفه آمیخته است، همان گونه که سیاست و دیانت آن به هم آمیخته است. نمازجمعه با این که یک عمل عبادی است، یک مانور

۱- ۳) سوره مائده، آیه ۵۵ .

سیاسی هم هست. اسلام حتّی در جهاد، به مسائل عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی نیز توجّه دقیق دارد.

این علی بن ابیطالب علیه السلام است که در بحبوحه جنگ به خورشید نگاه می کند تا مبادا نماز اوّل وقتش از دست برود! و فرزندش امام حسین علیه السلام ظهر عاشورا در برابر سیل تیر دشمن، نه تنها نماز واجب می خواند، بلکه به مستحبات نماز نیز از قبیل اذان، اقامه، جماعت، اوّل وقت و... توجّه کامل دارد. و باز می بینیم همین علیّ بن ابیطالب علیهما السلام در وسط جنگ، وقتی یارانش آب را در ظرفی

تَرک دار برای او می آورند، می فرماید: آشامیدن آب از ظرف ترک دار مکروه است. (چه بسا ذرّات آلوده ای که لابه لای آن ترک باشد و آب را غیربهداشتی کند.)

باز می بینیم در وسط جنگ بعضی از حضرتش می پرسند: نظر شما درباره فلانی و فلانی چیست؟ حضرت می بیند پاسخ این سئوال سبب فتنه و تفرقه می شود، سؤال کننده را توبیخ می کند و اجازه نمی دهد امّتی که به وحدت کلمه نیاز دارند دستخوش تفرقه شوند، و باز می بینیم به هنگام جنگ، شخصی از علی علیه السلام معنای توحید را می پرسد و رزمندگان از سؤال او ناراحت می شوند، حضرت می فرماید: جنگ ما برای توحید

است و سپس توحید را برای او معنا می کند.

به رزمندگان دستور می دهد آب آشامیدنی دشمن را مسموم نکنید، درختانشان را قطع و به فراریان تیراندازی نکنید، به زنان و کودکان و سالمندان کاری نداشته باشید. در کجای دنیا سراغ دارید که جنگ، سیاست، عبادت و اقتصاد اینگونه با مسائل اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، بهداشتی و عاطفی آمیخته باشد.

در نظام اسلامی رابطه میان مردم و رهبر الهی رابطه صلوات و درود است. به مردم فرمان می دهد که به پیامبرشان درود فرستند: «یا ایّها الّذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً»(۱) و به پیامبر نیز دستور می دهد به پرداخت کنندگان زکات صلوات و درود فرستد: «خُذ من اموالهم صدقه و صَلِّ علیهم»(۲)

در اسلام، روزهایی عید نامیده شده است که ضمن شادی و تبریک، رسیدگی به محرومان از طریق تقسیم گوشت قربانی در عید قربان و سیر کردن شکم گرسنگان در عید فطر از طریق زکات فطره مورد توجّه است. جامعیّت اسلام تا آنجاست که حتّی خوردن و آشامیدن، هدفمند طرّاحی شده است؛ در کنار جمله «کلوا» که فرمانِ خوردن است، یکجا می فرماید: «کلوا...و لاتسرفوا»(۳) در خوردن زیاده روی نکنید.

یکجا می فرماید: «کلوا... و اشکروا»(۴)

۱- ۴) سوره احزاب، آیه ۵۶.

۲- ۵) سوره توبه، آیه ۱۰۳.
۳- ۶) سوره اعراف، آیه ۳۱.
۴- ۷) سوره بقره، آیه ۱۷۲.

به خاطر خوردن از خداوند تشکّر کنید.

یکجا می فرماید: «کلوا... و اعملوا صالحاً»(۱) با قدرتی که از غذاخوردن بدست می آورید کار نیک انجام دهید.

یکجا می گوید: «کلوا.... و لاتطغوا فیه»(۲) از قدرتی که به وسیله غذا بدست آورده اید طغیان نکنید.

یکجا می فرماید: «کلوا... و آتوا حقّه»(۳) بخورید و حقّ آن را اداء کنید.

و یکجا می فرماید: «فکلوا... اطعموا»(۴) بخورید و به دیگران نیز اطعام کنید.

حتّی آنجا که به زنبور عسل الهام می کند شیره گل را بمک، دستور می دهد که عسل بساز، بنابراین اسلام، دین خوردن و خوابیدن نیست، بلکه خوردن و خوراندن و کار نیک انجام دادن و طغیان و زیاده روی نکردن است، همه با هم در نظر گرفته شده است. در کدام مکتب به این جامعیّت توجّه شده است.

به هر حال دنیا مالیات می گیرد و اسلام نیز خمس و زکات می گیرد، امّا شما در این کتاب به نکات و لطائفی برخورد خواهید کرد که نشان می دهد حساب مالیات های اسلامی از حساب انواع مالیات هایی که در دنیا گرفته می شود و قوانین آن بافته و ساخته فکر بشری است جداست. در قوانین اسلامی به تمام ابعاد توجّه شده است؛

از چه چیزی خمس و زکات گرفته شود؟

چه مقدار از سرمایه مشمول خمس و زکات شود؟

چگونه گرفته و چگونه پرداخت و چگونه مصرف شود؟

محاسبه اموال با چه کسی باشد، گیرنده یا پرداخت کننده؟

پرداخت کننده با چه انگیزه و هدفی بپردازد و گیرنده چه ویژگیهائی داشته باشد؟

چگونه مردم را به پرداخت خمس و زکات علاقمند کنیم؟

مسؤلین جمع آوری چه افرادی باشند و چگونه به سراغ مردم بروند. در کجا گردآوری شود و شرائط خزانه دار بیت المال چه باشد، با افرادی که سوءاستفاده می کنند، چگونه برخورد شود و دَه ها مورد دیگر که اگر میان مالیات هائی که در دنیا گرفته می شود با خمس و زکات مقایسه شود، معجزه بودن مقرّرات اسلامی روشن می شود، همان گونه که اگر مقایسه ای میان اذان و ناقوس کلیسا شود، مشخّص می گردد که جملات

اذان موزون، پرمحتوی، هدفمند و انگیزه آور، ولی در صدای ناقوس، چیزی مفهوم نیست. اگر مقایسه ای میان نماز اسلام با عبادات سایر ادیان شود، اگر مقایسه ای میان جهاد اسلامی و جنگهای دنیا شود، اگر مقایسه ای میان کنگره بین المللی حج

۱ – ۸) سوره مؤمنون، آیه ۵۱.

۲– ۹) سوره طه، آیه ۸۱ .

۳– ۱۰) سوره انعام، آیه ۱۴۱.

۴– ۱۱) سوره حج، آیه ۲۸.

بـا سـایر اجتماعـات شود و اگر مقـایسه ای میان نظام خانواده در اسـلام با نظام خانواده در دنیا شود، جلوه اسـلام بیشتر روشـن خواهد شد.

۴- خمس در قرآن

خمس » خمس در قرآن

«وَ اعلَمـوا أنّمـا غَنِمتُـم مِـّن شَـی ءٍ فَـاِنّ لِلّهِ خُمُسَـه و لِلرَّسـولِ ولِـذِی القُربی وَ الیَتـامی والمَسـاکینِ وابـنِ السَّبیـلِ اِن کُنتُـم آمَنتُم بِاللّه...»(۱)

«اگر به خـدا ایمان داریـد، بدانیـد هر چه را به عنوان غنیمت بـدست می آوریـد، بی تردید یک پنجم آن برای خدا و رسول و خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان است.»

تاریخ نزول آیه

بعضـی زمان نزول آیه را جنگ بنی قینقاع (۱۵ شوال سال دوم هجری) می دانند،(۲) برخی زمان نزول را جنگ اُحد (۷ شوّال سال سوم هجری)(۳) و بعضـی جنگ بـدر (رمضان سال دوم هجری) می دانند.(۴) که خداوند از مجاهدان اسـلام می خواهد خمس آنچه را در جنگ به غنیمت برده اند، پرداخت نمایند.

نگاهی دقیق تر به آیه خمس

نگاهی به آیه خمس اهمیّت آن را نشان می دهد زیرا:

۱- در کمتر آیه ای مربوط به احکـام، این همه تأکیـد پی در پی آمـده است. کلمـات «واعلموا، انّما، من شـی، فانّ، للّه خُمُسـه (بجای «خمسه للّه») و ان کنتم آمنتم» نشان تأکید است.

۲- برای تهییج مردم می فرماید: اگر ایمان دارید، خمس بدهید. بنابراین پرداخت آن از لوازم ایمان شناخته شده است.

۱- ۱۲) سوره انفال، آیه ۴۱.
۲- ۱۳) تفسیر طبری، ج ۲، ص ۱۷۳.
۳- ۱۴) تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۸ .
۴- ۱۵) کتاب خمس آیه اللّه حسن فقیه امامی، ص ۳۶.

۳- جمله «فانّ للّه خُمُسه» (که به اصطلاح جمله اسمیّه است) بیانگر این است که این حکم دائمی است، نه موقّت و موسمی. به علاوه چیزی که نشانه ایمان است نمی تواند موقّت باشد.

۴- کلمه «واعلموا» در اول آیه به معنای آن است که بایـد خمس دادن باورتان بیایـد و مسئله را جـدی بگیرید. راستی عجیب است که شرکت در جبهه، کنار پیامبر بودن، اهل نماز و روزه بودن، عقایـد سالم داشتن، از مهاجرین، انصار و سابقین بودن، مجروح شـدن و بالاخره بر سپاه کفر پیروز شـدن به تنهایی کافی نیست، زیرا با آن همه کمالات باز هم قرآن می فرمایـد: ای رزمندگان پیروز! اگر ایمان دارید خمس غنائم را بپردازید.

اگر به بعضی از دستورات مثل جهاد و نماز عمل کردید، ولی به دستور خمس عمل نکردید، ایمان واقعی ندارید.

یک نکته مهم

رسول خداصلی الله علیه وآله در شب جنگ بدر نخوابید و دائماً دعا می کرد و می فرمود: خدایا! این گروه اندک از مسلمین روی زمین مشابهی ندارنـد، اگر اینها شکست بخورنـد روی زمین بنـده مؤمنی نخواهی داشت.(۱) امّا قرآن خطاب به همین رزمنـدگان می فرمایـد: اگر ایمان داریـد، خمس بدهید. یعنی چه بسا تعداد مؤمنان در جهان بسیار کم باشد، ولی حتّی همین تعداد کم که مشمول دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز

هستند، اگر به تکلیف الهی و پرداخت خمس عمل نکنند، ایمان ندارند.

۵- اهمیّت خمس

خمس » اهمیّت خمس

نه تنها در آیه ۴۱ سوره انفال، پرداخت خمس شرط و لازمه ایمان شمرده شده، بلکه چهارمین آیه این سوره نیز نشانه مؤمنان واقعی را کمک به محرومان می داند و می فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که هرگاه خداوند یاد شود دلهایشان می طپد و... از آنچه به آنها روزی کرده ایم انفاق می کننـد. اینـان همـان مؤمنـان حقیقی هسـتند.» آری، پرداخت خمس از جهات متعـددی دارای اهمیّت است که ما به بعضی از آن جهات فهرست وار

اشاره می کنیم.

از نظر اعتقادی

همان گونه که در آیه خمس خواندیم: پرداخت خمس نشانه ایمان و اعتقاد واقعی است. «اِن کنتم آمنتم...»

۱- ۱۶) اللهم انّک ان تهلک هذه العصابه لا تعبد بعد الیوم». بحار، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

از نظر عبادی

خمس از عبادات است و باید با قصد قربت پرداخت گردد و هرگونه ریاکاری و ناخالصی در انجام این فریضه اختلال به وجود می آورد.

از نظر سیاسی

پرداخت خمس به حاکم و فقیه جامع الشرائط سبب ارتباط مردم با جانشینان پیامبر می شود که این ارتباط در طول تاریخ لرزه بر اندام طاغوت ها انداخته است. پرداخت خمس کمک کردن به خط اهل بیت و تقویت بنیه مالی فقها و حوزه های علمیّه ای است که روشنگر مردم در طول تاریخ بوده اند. پرداخت خمس سبب تبلیغ و نشر تفکّر علوی به وسیله علما و فضلا و طلّاب و مرزبانی از حدود و ثغور دینی و مبارزه با انواع

انحرافات فکری و اخلاقی و سم پاشی ها و ایجاد تردیدها و وسوسه های بدخواهان مغرض و یا طرفداران ساده دل است.

به علاوه این پرداخت، رابطه عاطفی میان فقها و مردم را برقرار می کند و فقها را از وضعیّت اقتصادی جامعه آگاه می کند.

از نظر اقتصادی

پرداخت خمس راهی برای تعدیل ثروت، مبارزه با تکاثر و رسیدگی به محرومان و تهی دستان جامعه است.

از نظر اجتماعی

پرداخت خمس راهی برای ایجاد الفت و محبت میان طبقات مختلف و جلوگیری از ایجاد شکاف های عمیقِ اجتماعی است.

از نظر روانی

پرداخت خمس سبب می شود که انسان در خود احساس کند حامی اهل بیت و مراجع تقلید و حوزه های علمیّه و تبلیغات صحیح دینی است و این احساس همواره او را هوادار جبهه حق و مخالف جبهه های باطل و وسوسه های آنان قرار می دهد.

از نظر تربیتی

پرداخت خمس انسان را حسابگر، دقیق، وظیفه شناس، نسبت به محرومان جامعه مسئول و نسبت به حمایت از خط خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام، متعهّد تربیت می کند.

پرداخت خمس روح سخاوت و نوع دوستی را در انسان شکوفا می کند.

پرداخت خمس روحیه بی تفاوتی و دنیاپرستی را از انسان برطرف می کند.

کوتاه سخن آنکه پرداخت خمس؛

رابطه انسان را با خدا از طریق قصد قربت در پرداخت،

رابطه انسان را با محرومان از طریق کمک به ایتام،

ص: ۸

رابطه انسان را با حاکم معصوم یا عادل از طریق کمک به فقهای عادل،

رابطه انسان را با جامعه از طریق تقویت حوزه های علمیه و اعزام اسلام شناسان به اطراف،

رابطه انسان را با خودش از طریق مهار کردن خوی حرص و بخل و بی تفاوتی،

رابطه انسان را با نسل آینده از طریق حلال کردن لقمه ها و مهریه ها،

و رابطه انسان را با پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش علیهم السلام از طریق رسیدگی به سادات محروم تنظیم و تصحیح و تقویت می کند.

۶- آثار خمس

خمس » آثار خمس

اگر به تعبیراتی که در آیات و روایات آمده است توجّه کنیم، به آثار پرداخت خمس بیشتر پی خواهیم برد. بعضی جملات و کلماتی را که برای فلسفه خمس آمده فهرست وار مطرح می کنیم.

۱- نسل پاک

در روایات می خوانیم: «لتطیب ولادتهم»(۱) پرداخت خمس، مال را پاک و مال پاک مقدمه نسل پاک است.

۲- تقویت دین

امام رضاعلیه السلام فرمودند: «الخمس عوننا علی دیننا»(۲) خمس، حق ما اهل بیت و پشتوانه مکتب و راه ما است.

۳- نشانه وفا

در تعبیر دیگر می خوانیم: «المسلم من یفی اللّه بما عهد الیه و لیس المسلم من اجاب باللسان و خالف بالقلب»، مسلمان واقعی کسی است که به پیمان الهی وفادار باشد و کسی که با زبان جواب مثبت ولی در دل جواب منفی می دهد، در حقیقت مسلمان نیست.(۳)

۴- کمک به یاران

امام رضاعلیه السلام فرمود: خمس وسیله ای برای کمک ما بر بستگان و یاوران ماست. «ان الخمس عوننا علی عیالاتنا»(۴)، «عوننا علی موالینا»(۵)

۱- ۱۷) وسائل، ج ۹، ص ۵۴۷ .

۲- ۱۸) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸ .

۳- ۱۹) وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

۴- ۲۰) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸ .

۵- ۲۱) وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

۵ – پاکی مال

امام صادق علیه السلام فرمود: من از گرفتن درهم شما هدفی جز پاک کردن شما ندارم، زیرا وضع مالی من امروز خوب است. «ما ارید بذلک الا ان تطهروا»(۱)

۶– گوارا بودن درآمد

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم: هر کس خمس ما را بدهد باقی درآمدش برای او گواراست. «یودّی خمسنا و یطیب له»(۲)

۷– حفظ آبرو در برابر مخالفان

امام رضا علیه السلام فرمود: به وسیله خمس، ما آبروی خود و طرفدارانمان را در برابر تهدیدات مخالفان حفظ می کنیم. «و ما نبذله و نشتری من اعراضنا ممن نخاف سطوته»(۳)

۸ – فقر زدائی از خاندان رسالت

امام کاظم علیه السلام فرمود: خداوند نیمی از خمس را برای فقر زدائی از بستگان پیامبر که از زکات و صدقات محرومند قرار داد. «و جعل للفقراء قرابه الرسول نصف الخمس فاغناهم به عن صدقات الناس...»(۴)

۹– کفّاره گناهان و ذخیره قیامت

امام رضا علیه السلام فرمود: خارج کردن خمس مال، وسیله آمرزش گناهان و ذخیره قیامت و روز نیاز شماست. «فان اخراجه... تمحیص ذنوبکم و ما تمهدون لانفسکم لیوم فاقتکم»(۵)

۱۰– ضمانت بهشت

شخصی نزد امام باقر علیه السلام آمد و خمس مال خود را پرداخت، امام فرمود: بر من و پدرم لازم است که بهشت را برای شما ضمانت کنیم. «ضمنت لک علیّ و علی ابی الجنّه»(۶)

۱۱– شمول دعای امام

۱– ۲۲) وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴.

۲– ۲۳) وسائل، ج ۹، ص ۴۸۸.

۳– ۲۴) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸.

۴- ۲۵) وسائل، ج ۹، ص ۵۱۴.

۵- ۲۶) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸.

۶- ۲۷) وسائل، ج ۹، ص ۵۲۸.

امام رضا علیه السلام فرمود: خمس، کمک ما بر حفظ مکتب است، سپس فرمود: تا می توانید خودتان را از دعای ما محروم نکنید. «ولا تحرموا انفسکم دعاءنا ما قدرتم علیه»(۱)

۱۲- کلید رزق

امام رضا علیه السلام فرمود: پرداخت خمس کلید رزق شماست. «فان اخراجه مفتاح رزقکم»(۲)

۱۳- نظم و حساب در سرمایه

کسی که حساب سال دارد و خمس می دهد، در واقع شخصی حسابگر، منظم و دقیق است و میزان درآمد و مصرفش مشخّص است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «الکمال کلّ الکمال: التّفقه فی الدّین والصبر علی النائبه و تقدیر المَعیشه»(۳) بالاترین کمال در سه چیز است: شناخت عمیق دین، پایداری در برابر ناملایمات و نظم و برنامه در زندگی.

۱۴- عنایات ویژه

کسانی که اهل خمس هستند، یعنی در هر درآمد خود، سهم خدا، رسول، اهل بیت و سهم دیگران را در نظر دارند، قهراً خدا و اولیای او نیز به او عنایات ویژه دارند.

مگر در قرآن نمی خوانیم: «فاذکرونی اذکرکم»(۴) مرا یاد کنید، شما را یاد می کنم.

مگر در قرآن نمی خوانیم: «ان احسنتم احسنتم لانفسکم»(۵) اگر خوبی کنید به خودتان خوبی کرده اید.

مگر در قرآن نمی خوانیم: «اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها»(۶) اگر شخصی نسبت به شما کریمانه برخورد کرد، شما بهتر از او برخورد کنید.

مگر قرآن وعده نداده که «ان تنصروا اللّه ینصرکم»(۷) اگر شما خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می کند.

مگر قرآن خبر از دوست داشتن نیکوکاران نداده است: «انّ اللّه یحبّ المحسنین»(۸)

۱- ۲۸) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸ .
۲- ۲۹) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸ .
۳- ۳۰) تحف العقول، ص ۳۰۱.
۴- ۳۱) سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۵- ۳۲) سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۶- ۳۳) سوره نساء، آیه ۸۶.

۷- ۳۴) سوره محمّد، آیه ۸ .

۸- ۳۵) سوره بقره، آیه ۱۹۵.

آری، کسی که با پرداخت خمس، حق خدا و رسول و امام را می دهد، در حقیقت مشمول تمام آیاتی است که گفته شد. زیرا او هم خدا را یاد کرده، هم احسان کرده، هم اولیای خدا و محرومان را گرامی داشته و هم مکتب الهی را یاری نموده است و دریافت این همه عنایات در برابر ۲۰٪ مازاد درآمد سال، سود بزرگی است.

یک نمونه از عنایات ویژه

زنی به نام شطیطه یک درهم پول و یک کلاف نخ را از نیشابور برای امام کاظم علیه السلام فرستاد و از کمی مال خود عذرخواهی کرد و گفت: «انّ اللّه لا یستحیی من الحق»

امام درهم و کلاف را پذیرفت و فرمود: سلام مرا به این خانم برسانید و این چهل درهم و این پارچه ای که جزو کفن خودم هست به او بدهید، او چند روزی بیشتر زنده نیست ولی همین که از دنیا رفت من برای نماز بر جنازه او به نیشابور خواهم آمد. (۳۶) در این ماجرا امام چند درهم را از یک مسلمان مخلص می پذیرد و این همه او را مورد تفقد قرار می دهد ولی مبالغ سنگینی را از افراد نااهل نمی پذیرد.

۷- خمس در روایات

خمس » خمس در روایات

امام کاظم علیه السلام فرمود: «لقد یسر اللّه علی المؤمنین ارزاقهم بخمسه دراهم جعلوا لربّهم واحداً واکلوا اربعه حلالا ثم قال هذا من حدیثنا صعب مستصعب لایعمل به ولا یصبر علیها الا ممتحن قلبه للایمان»(۱) خمس مالتان را بدهید تا رزق شما حلال شود، سپس فرمود: این کلام سختی است که جز افراد با ایمانِ امتحان شده، تحمّل آن را ندارند.

نپرداختن خمس، در کنار شرک و قتل نفس، از بزرگ ترین گناهان کبیره شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «اکبر الکبائر سبع: الشرک والقتل واکل اموال الیتامی و عقوق الوالدین و قذف المحصنات و الفرار من الزحف وانکار ما انزل اللّه»، سپس فرمود: امّا خوردن مال یتیمان همان حقّ ما است که از ما ربوده و خوردند.(۲)

امام زمان علیه السلام فرمود: «لعنه اللّه والملائکه والناس اجمعین علی مَن استحلّ من مالنا درهماً»(۳)، لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر کسی که یک درهم مال ما را حلال بشمارد و در روایت دیگر فرمود: ما دشمن این گونه افراد هستیم. «و نحن خصمائه»(۴)

۱- ۳۷) وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴.

۲- ۳۸) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۶ .

۳- ۳۹) وسائل، ج ۹، ص ۵۴۱ .

۴- ۴۰) وسائل، ج ۹، ص ۵۴۰ .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هلك الناس فی بطونهم و فروجهم لانهم لم یؤدوا الینا حقّنا»(۱)، مردم بخاطر اینکه حقّ ما را نمی دهند غذا و آمیزش آنان ناپاك شده و سبب هلاكت آنان می شود.

در بعضی احادیث می خوانیم: «من استحل منها شیئاً فامسکه فانما یاکل النیران»(۲)، کسی که بخشی از خمس را حلال پندارد و آن را نپردازد، گویا آتش می خورد.

یاران واقعی اهل بیت علیهم السلام آنگونه ایمان داشتند که نپرداختن خمس را مساوی با حرام خوردن و قبول نشدن نماز و روزه می دانستند و در سؤال کتبی خود از آن بزرگواران می پرسیدند که خمس را چگونه بپردازیم تا جزو حرام خواران و کسانی که نماز و روزه شان قبول نیست نباشیم.(۳)

امام باقرعلیه السلام فرمود: آسان ترین وسیله ای که انسان را به دوزخ می برد خوردن مال یتیم است، سپس حضرت فرمود: ما یتیم هستیم(۴) (و نپرداختن خمس، به منزله خوردن مال یتیم است).

در حدیث دیگر می خوانیم: از سخت ترین شرائطی که مردم در قیامت دارند وضعیّت تارکان خمس است.(۵)

در حدیثی می خوانیم: «الدنیا و ما فیها للّه و رسوله و لنا فمن غلب علی شیی ء منها فلیتّق اللّه و لیؤدّ حقّ اللّه و لیتبرّ اخوانه فان لم یفعل ذلک فاللّه و رسوله و نحن براء منه»(۶)، هر کس بر مال دنیا دست یافت باید تقوی پیشه کند و حق خدا را بپردازد و به برادران ایمانی خود احسان کند و اگر این چنین نکرد خدا و رسول و ما اهل بیت از او بیزاریم.

امام رضا علیه السلام فرمود: «ان الخمس عوننا... فلا تزووه عنّا ولا تحرموا انفسکم دعاءنا ما قدرتم علیه»(۷) خمس کمک به ماست آن را از ما دور نکنید تا از دعای ما محروم نشوید.

امام زمان علیه السلام فرمودند: «فلا یحلّ لاحد ان یتصرف فی مال غیره بغیر اذنه فکیف یحل ذلک فی مالنا من فعل شیئاً من ذلک لغیر امرنا فقد استحل منا ما حرم علیه و من اکل من مالنا شیئا فانما یأکل فی بطنه نارا و سیصلی سعیرا»(۸)

ص: ۱۳

۱- ۴۱) وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۷.

۲- ۴۲) وسائل، ج ۹، ص ۵۵۰ .

۳- ۴۳) وسائل، ج ۹، ص ۵۰۳ .

۴- ۴۴) وسائل، ج ۹، ص ص ۴۸۳ و ص ۵۳۶ .

۵- ۴۵) وسائل، ج ۹، ص ۵۴۵ .

۶- ۴۶) وافی، ج ۱۰، ص ۲۸۹ .

۷- ۴۷) وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

۸- ۴۸) وسائل، ج ۹، ص ۵۴۱ .

، با اینکه هیچ کس حق ندارد در مال غیر تصرّف کند، پس چگونه مردم در مال ما تصرف می کنند؟ هر کس بدون دستور ما در مال ما تصرف کند مرتکب گناه شده و هر کس ذره ای از مال ما را

بخورد پس گویا آتش در شکم اوست.

در روایات می خوانیم: «لا یعـذر عبد اشتری من الخمس شـیئاً ان یقول ربّ اشتریته بمالی حتّی یأذن له اهل الخمس»(۱)، عذر کسی که از خمس چیزی خریداری کند پذیرفته نیست، مگر آنکه صاحبان خمس اجازه دهند.

امـام بـاقر علیه السـلام فرمود: برای هیـچ کس حلاـل نیست مـال خمس نـداده ای را خریـداری کنـد مگر آنکه حق ما را به ما برساند.(۲)

اگر وارثانِ کسی که از دنیا رفته بدانند او خمس مال خود را نداده، باید مثل سایر بدهی ها خمس او را بدهند.(۳)

امام خمینی در تحریرالوسیله می فرماید: هر کس درهمی از خمس را نپردازد جزء ستمگران بر اهل بیت و کسانی که حق آن بزرگواران را غصب کرده اند می شود.(۴)

در کتب فقهی و رساله های مراجع بزرگوار مسائلی است که بر همه مقلـدین دانسـتن آنها لازم است و ما چنـد جمله از کتاب شریف عروهالوثقی بیان می کنیم:

اگر انسان قبل از پرداخت خمس کنیزی بخرد حق تصرّف ندارد.(۵)

تا مقدار خمس را با فقیه جامع الشـرائط مصالحه نکرده، تصرّف در مال خمس نداده جایز نیست، حتّی اگر در نیّت خود قصد پرداخت مبلغ را داشته باشد.(۶)

اسـتفاده از لباس و مکانی که خمس آن داده نشـده نماز را با مشـکل مواجه می کنـد، چنانکه در حج، طواف با لباس احرامی که خمس آن داده نشده، باطل است.

۸- خمس در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله

خمس » خمس در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله

۱- در آیات و روایات نام زکات بیشتر از خمس آمـده است، شایـد بـدلیل این که جز افراد نادر در مکّه و بعضـی از قبایل که بازرگانی می کردند بیشتر مردم کشاورز و دامدار بودند، ولی با این حال پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله افرادی را برای گرفتن خمس به مناطق می فرسـتاد، چنانکه در تاریخ آمده است: مثلاً علیّ بن ابیطالب علیهما السلام و عمروبن حزم و معاذبن جبل را به یمن و مُحمیّه

۱- ۴۹) وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۷ و تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۳۴ با اندکی تفاوت.

۲- ۵۰) وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴.

۳- ۵۱) عروهالوثقی، کتاب الخمس، مسئله ۵۰ .

۴- ۵۲) تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۳۴.

۵- ۵۳) عروهالوثقی، مسئله ۸۰ .

۶- ۵۴) عروهالوثقی، مسئله ۷۸.

را در بنی زبید برای گرفتن

خمس فرستاد. «بعثه رسول اللّه لاخذ الاخماس».(۱)

۲- پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله برای هیأت هایی که به حضورش می رسیدند بعـد از امر به ایمان در کنار نماز و زکات، خمس را نیز مطرح می فرمودند: «آمرکم بالایمان... و اقام الصلوه و ایتاء الزکاه و تعطوا الخمس من المغنم»(۲)

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در نامه هایی که برای قبایل می فرستادند به موضوع خمس اشاره می کردند.(۳)

۴- مسـلمانان همـان گونه که زکـات را نزد پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله می فرسـتادند، خمس را نیز خـدمت حضـرت می فرستادند.(۴)

۹- خمس پس از پیامبر

خمس » خمس پس از پیامبر

گرچه مسیری که پیامبر معین فرموده بود دچار انحراف گردیـد و خلفا غنیمت را منحصـر در غنائم جنگی نمودنـد و اهل بیت پیامبر تا زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام از خمس منع گردیدند، لیکن هنگامی که فضای تبلیغ برای این دو امام عزیز باز شد، به مسئله خمس پرداختند.(۵)

بعد از امام صادق علیه السـلام تا زمان غیبت حضـرت ولی عصـر علیه السـلام امامان معصوم در مناطق مختلف مثل بلخ، بخارا، ری، قم، نیشابور، شیراز، همدان، خراسان، قزوین، اهواز، عراق، یمن، موصل و بغداد برای گرفتن خمس نماینده داشتند.

دلیل پیـدا شدن فرقه واقفیه این بود که خمسِ مردم نزد یکی از نمایندگان امام کاظم علیه السـلام جمع شده بود و هنگامی که امام به شـهادت رسید آن نماینده اعلام کرد بعد از امام هفتم امامی نداریم تا بتواند اموالی را که از خمس نزد او مانده تصرف کند.(۶)

آری، نماینـده امـام معصوم نیز در معرض خطر انحراف است. در نهـج البلاـغه نمونه هایی از عزل شـدگان حضـرت علی علیه السلام به چشم می خورد که بعضی از آنها کینه حضرت رابه دل گرفتند

۱- ۵۵) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص ۱۱۰.

۲- ۵۶) صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۲، ۳۳ و ۱۳۱.

۳- ۵۷) طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۳۷۴.

۴- ۵۸) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص ۸۸، ۱۱۰ و ۷۴۵.

۵- ۵۹) کتاب خمس آیهالّله نوری همدانی، ص ۷۴۶.

۶- ۶۰) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص ۶۰۷.

و برای خود دار و دسته ای تشکیل دادند و همین که فهمیدند حسین بن علی علیهما السلام به کربلا رسیده نیروهای خود را برای قتل امام به کربلا اعزام کردند و با صراحت به امام می گفتند: ما با شما مسئله ای نداریم ولی کینه و بغض

پدرت را در دل داریم که ما را عزل کرد.(۱)

۱۰- وسوسه های شیطانی

خمس » وسوسه های شیطانی

وسوسه از راه وعده فقر

هنگامی که فردی تصمیم بر دادن حقّ اللّه می گیرد، شیطان به او وعده فقر می دهد(۲) که اگر خمس بدهی مال تو کم می شود و فردا فقیر و محتاج می شوی، هنوز فرزندانت به سر و سامان نرسیده اند. ولی قرآن نیز در برابر وعده فقر شیطان وعده هایی دارد از جمله:

* آنچه در راه خدا بدهید، خداوند جایگزین می کند: «فهو یخلفه»(۳) انفاق مثل مکیدن شیر مادر است که هرچه فرزند می خورد، خداوند دوباره سینه مادر را پر می کند.

* هر چه بدهید گم نمی شود و آن را نزد خداوند می یابید. «تجدوه عنداللّه»(۴)

* کارهای خیر شما باقی می ماند و پاداش بهتر دارد. «والباقیات الصالحات خیر عند ربّک ثواباً»(۵)

* هر چه نزد شماست فانی می شود، ولی اگر رنگ الهی پیدا کند و در راه او مصرف شود ابدی می گردد. «ماعندکم ینفد و ما عنداللّه باق»(۶)

* در راه خدا از خرج کردن نترسید که او به شما وسعت می دهد. «و اللّه واسع علیم»(۷)

۱- ۶۱) علاّمه میرزا خلیل کمره ای در یک تحقیق عمیقِ علمی، نام نمایندگان برکنار شده ای که علیه امام حسین علیه السلام نیرو به کربلا اعزام کردند (با تعداد آن نیروها) آورده است.

۲- ۶۲) سوره بقره، آیه ۲۶۸.

۳- ۶۳) سوره سبأ، آیه ۳۹.

۴- ۶۴) سوره بقره، آیه ۱۱۰.

۵- ۶۵) سوره کهف، آیه ۴۶.

۶- ۶۶) سوره نحل، آیه ۹۶.

۷- ۶۷) سوره بقره، آیه ۲۶۱.

* مثال آنچه در راه خدا می دهید مثال دانه گندمی است که در خاک پنهان می شود، ولی چیزی نمی گذرد که از آن دانه، هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه ظاهر می شود.(۱)

نوع دیگری از وسوسه

اگر شیطان در مرحله اول حریف انسان نشد کمی تخفیف داده و می گوید: خمس واجب است ولی حالا صبر کن. عجله درست نیست هنوز آخر کار نشده و معلوم نیست سود و زیان چقدر است، ممکن است بعضی از سرمایه های تو نقد نشود، ممکن است بعضی از جنس های فروخته شده بر گردد، امسال سود بردی، شاید سال آینده زیان کنی و... .

قرآن در برابر این تأخیر، سفارشاتی دارد و تذکراتی می دهد از جمله:

۱- در قرآن بارها کلمه «بغته» بکار رفته است، یعنی ممکن است مرگ ناگهانی فرا رسد و توفیق عمل خیر نداشته باشی.

۲- تاریخ افراد و اقوام و گروه هایی در قرآن مطرح شده که ناگهان گرفتار قهر الهی شدند.

۳- قرآن صحنه هائی از آرزوی برگشتن به دنیا و انجام کار خیر را نقل می کند که البتّه هرگز به این آرزو پاسخ مثبتی داده نمی شود.

۴- قرآن در آیه ۱۴ سوره حدید گفتگوی دوزخیان را با بهشتیان در قیامت اینگونه بیان می فرماید: منافقان التماس می کنند که نگاهی به ما کنید تا از نور شما استفاده کنیم. وقتی جواب رد می شنوند می گویند: آیا ما در دنیا با شما نبودیم؟ بهشتیان می گویند: چرا ولی شما خودتان را فریب دادید و در کار خیر، امروز و فردا کردید.

وسوسه دیگر

گاهی شیطان انسان را وسوسه می کند که چرا نتیجه دسترنج و علم و ابتکار و خلاقیّت تو نصیب دیگران شود. همان گونه که قارون می گفت: سرمایه من بخاطر علم و تخصّص و مدیریّتی است که دارم، «انّما اوتیتُه علی علمٍ عندی»(۲)

۱ – ۶۸) سوره بقره، آیه ۲۶۱.
۲– ۶۹) سوره قصص، آیه ۷۸.

خداوند در پاسخ می فرماید: آیا قارون نمی داند که ما قوی تر از او را نابود کردیم. چه بسیار افرادی از صاحبان سرمایه که با سواد، زرنگ، قوی و زحمت کش بودند، ولی به جایی نرسیدند.

آری، هرگز داده های الهی را به حساب تخصّص و علم و تلاش و مدیریّت و هنر خود نگذاریم.

وسوسه دیگر

گاهی شیطان وسوسه می کند که خدا خواسته گروهی فقیر و گروهی در رفاه باشند، اگر خدا بخواهد به فقرا نیز ثروت می دهد. «انطعم من لو یشاء اللّه اطعمه»(۷۰) گویا این افراد غافلند که دادن ها و گرفتن های الهی برای آزمایش مردم است تا کسی که ثروت دارد از خود سخاوت و کسی که ندارد از خود صبر و قناعت نشان دهد. اگر همه مردم یکسان باشند روحیه ایثار، سخاوت، صبر و قناعت، در انسان محو می شود.

وسوسه دیگر

گاهی انسان بر اثر وسوسه شیطان می گوید: من کارهای خیر زیادی کرده ام به فقراء کمک می کنم، به بستگان سر می زنم اموالی را وقف یا وصیّت می کنم، بنابراین خمس دادن لازم نیست.

در حالی که اگر انسان هزار مستحب انجام دهد جبران یک واجب نمی شود. ما بنده خدا هستیم و باید هرچه را او گفت و هر گونه که او خواست عمل کنیم، نه آنچه را سلیقه خودمان تشخیص می دهد و بدتر آنکه سلیقه خودمان را به جای حکم خدا حساب کنیم.

وسوسه دیگر

افرادی می گویند: برخی از کسانی که خمس را به آنها می پردازیم، خود در رفاه هستند چرا ما به آنان خمس بدهیم؟ در پاسخ باید گفت: اسلام می فرماید: خمس را به فقیه عادلی بپردازید که اهل دنیا نباشد، اگر شما گیرنده خمس را اهل دنیا

دیدید می توانید گیرنده را عوض کنید نه آنکه از پرداخت خمس سرباز زنید. شرط مرجعیّت در اسلام دوری از هوای نفس است و در روایات سفارش شده است که اگر عالمی را دیدید که دنیا

گراست از او دوری نمائید و به سراغ عالم زاهد و پارسا بروید.

علاوه بر آنکه ممکن است رفاهِ گیرنده خمس، بخاطر ارث و یا درآمدهای شخصی باشد و زندگی او از خمس نباشد.

وسوسه دیگر

بعضی می گویند: خمس ما مبلغ قابلی نیست، خودمان به فقرا می دهیم.

پاسخ آن است که ما باید به وظیفه عمل کنیم و کاری به کم و زیاد آن نداشته باشیم. همان گونه که گاهی یک برگ زرد در حوض آب، کشتی چندین مورچه می شود، ممکن است مبلغ ناچیز شما چند گره را از کار مسلمانان باز کند. خداوند به مبلغ نظر ندارد، بلکه او به اخلاص می نگرد چنانچه سوره «هل اتی...» به خاطر چند قطعه نان که در راه خدا خالصانه انفاق شد نازل گردید.

وسوسه دیگر

گاهی می گویند ما هنوز مشکل مسکن و همسر و مرکب و اشتغال خود یا فرزندانمان را حل نکرده ایم که خمس بپردازیم.

پاسخ: اسلام، خمس را پس از تأمین هزینه های متعارف و متعادل زندگی قرار داده است. تأمین نیازهایی مانند ازدواج خود یا فرزندان، تهیه مسکن و مرکب و سفرهای تفریحی و زیارتی و هدایا و مهمانی ها و انواع هزینه هایی که در آن ریخت و پاش نیست و در نظر عموم مردم بجاست، مقدم

بر خمس است ولی متأسفانه بعضی از مردم اسراف کاری و بلند پروازی و تجمّل گرایی و چشم هم چشمی را بهانه نپرداختن خمس قرار می دهند.

به هر حال خمس پس از تأمین زندگی عادی است. مثلاً اگر پنج میلیون تومان درآمد سال شما و چهار میلیون تومان خرج زندگی سالانه شما باشد، تنها خمس یک میلیون تومان یعنی دویست هزار تومان بر شما واجب است و از پنج میلیون تومان سود، نپرداختن دویست هزار تومان، بی انصافی است. راستی اگر باغ انگوری را به انسان ببخشند و بگویند در هر سال چند کیلو از انگور این باغ را به صاحبش بدهید، بی اعتنایی به این

خواسته خلاف هر وجدان بیدار نیست؟

وسوسه دیگر

بعضی می گویند: ما خمس را خودمان به فقرا می دهیم و نیازی نیست که به فقیه جامع الشرایط بپردازیم، این افراد نمی دانند که خمس عبادت است و در عبادت تعبّد و مراعات دستور ضروری است. قرآن با صراحت، گیرنده خمس را «ذی القربی» یعنی امام معصوم دانسته و امام معصوم فقیه عادل را جانشین خود قرار داده که باید مجاری امور به دست او باشد و در حوادث واقعه به او مراجعه کرد و او حرف آخر را بزند.

وسوسه دیگر

گاهی می گوید: بسیاری از مردم خمس نمی دهند، ما نیز مثل همه.

پاسخ آن است که در قیامت هر کس باید پاسخگوی رفتار خود باشد و حساب افراد، جداگانه بررسی می شود. قرآن صحنه های تلخی از گفتگوی مجرمان در قیامت را بیان می فرماید که یکی از آنها این است که بعضی به دیگران می گویند: اگر شما نبودید ما ایمان می آوردیم. (شما ما را منحرف کردید) آنان می گویند: هرگز چنین نیست بلکه شما خود ایمان آور نبودید. «لولا انتم لکنا مؤمنین قالوا بل لم تکونوا...»(۱) بنابراین

ملاک عمل باید عقل و دستور خداوند باشد نه جامعه. جمله معروف: «خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو» بسیار نابجاست. اگر یک کشتی در حال غرق شدن بود و اکثر مسافرانش بخاطر ندانستن شنا غرق شدند، آیا صحیح است که چند

نفری که شنا می دانند خودشان را غرق کنند و بگویند: خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو!!

حضرت علی علیه السلام می فرمود: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهله»(۲) از رفتن در راه حق بخاطر کمی افراد نترسید. مگر حضرت ابراهیم یک موحّد در برابر انبوه مشرکان نبود. مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در آغاز بعثت تنها نبود. به هرحال غفلت اکثریّت از خمس و زکات، دلیل سرباز زدن دیگران نمی شود.

۱- ۷۱) سوره سبأ، آیه ۲۱.

۲- ۷۲) نهج البلاغه، حکمت ۲۰۱.

به علاوه در برابر افرادی که اهل خمس و زکات نیستند، افرادی جان و مال و آبروی خود را در راه اسلام دادند که قرآن از آنان تجلیل می نماید و می فرماید: «و یطعمون الطعام علی حبّه...»(۱) و «و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه»(۲)

۱۱- تفاوت خمس و زکات با مالیات

خمس » تفاوت خمس و زکات با مالیات

گاهی می گویند: ما که به دولت اسلامی مالیات می دهیم، دیگر خمس و زکات برای چه؟

در پاسخ به این سؤال، به تفاوت هایی که میان خمس و زکات با مالیات است اشاره می کنیم:

تفاوت اول

مالیات، هزینه ای است که شما می پردازید تا دولت، رفاه شما را بیرون منزل تأمین کند. مثلاً بیرون منزل شما بوستانی احداث کند همان گونه که خود نیز در منزل باغچه احداث می کنید.

هر کسی حیاط منزل خود را موزائیک یا سنگ می کند، به دولت نیز مالیات می دهد تا بیرون منزلش را اسفالت کند.

درب منزل خود را قفل می زند، به دولت نیز مالیات می دهد بیرون منزل پلیس بگمارد.

در منزل لامپ روشن می کند، به دولت نیز مالیات می دهد تا بیرون منزل، کوچه و خیابان را روشن کند.

در منزل کپسول آتش نشانی دارد، به دولت نیز مالیات می دهد تا بیرون منزل ماشین آتش نشانی را آماده داشته باشد.

بنابراین مالیات، خرج خود شما می شود و نظیر پولی است که شما در منزل برای زندگی شخصی هزینه می کنید. با این تفاوت که آنچه در منزل خرج می کنید مستقیم است و آنچه در بیرون خرج می شود به واسطه مالیاتی است که به دولت می دهید.

تفاوت دوم

پرداخت خمس و زکات، به عنوان یک عبادت است و در آن قصد قربت لازم است که اگر نباشد عمل قبول نمی شود. بر

خلاف مالیات که قصد قربت نمی خواهد و نوعاً با اکراه پرداخت می گردد.

تفاوت سوّم

ص: ۲۰

۱- ۷۳) سوره انسان، آیه ۸.

۲- ۷۴) سوره حشر، آیه ۹.

خمس، زیر نظر عالم ترین، محبوب ترین، با تقوی ترین فردی که با تحقیق انتخاب شـده، یعنی فقیه عادل مصـرف می شود، بر خلاف مالیات که چنین شرطی در آن نیست و لذا گاهی غیر عادلانه هزینه می شود. به علاوه اتصال طبقه محروم با عالم ربانی زمینه پندپـذیری و اطاعت از خـدا و رسـول است و فقرا و سـایر گیرنـدگان، چون خمس را از دست جانشـین امـام زمـان علیه السلام می گیرند احساس حقارت نمی کنند.

تفاوت چهارم

در خمس و زکات به پرداخت کننده اعتماد می شود، یعنی اولاً خودش حساب مال خود را می کند نه

بـازرس و مأمور دولت. ثانیاً کسـی را که می خواهـد مال خود را به او بدهـد انتخاب می کنـد که کـدام مرجع و عالم متّقی تر باشد. ثالثاً از مصرف آن زیر نظر مجتهد عادل آگاه است و می داند در کجا هزینه می شود.

تفاوت پنجم

در خمس و زکات هدفِ گیرنده، رشد و پاک کردن مردم و هدفِ پرداخت کننده قرب به خداست.

خمس را از مازاد مخارج سالانه می گیرند، ولی مالیات از اصل درآمد مردم گرفته می شود.

۱۲- راه مقاومت در برابر وسوسه ها

خمس » راه مقاومت در برابر وسوسه ها

ما باید در برابر وسوسه ها و القائاتی که می شود، جمله امام رضا علیه السلام را فراموش نکنیم که فرمود: خمس وسیله حفظ و تبلیغ مکتب ما و کمک برای بستگان و دوستداران ماست.(۱)

و فرمود: «فعلی کـلّ من غنم... فعلیه الخمس فان اخرجه فقـد ادّی حقّ اللّه ما علیه و تعرض للمزیـد و حل له باقی ماله و طاب و کان اللّه اقـدر علی انجاز ما وعده العباد من المزید و التطهیر من البخل علی ان یغنی نفسه مما فی یدیه من الحرام الّذی بخل فیه بل قد خسـر الدنیا والاخره... فاتّقوا اللّه واخرجوا حقّ اللّه مما فی ایدیکم یبارک اللّه لکم فی باقیه و یزکو فانّ اللّه عزّوجلّ الغنی

و نحن الفقراء و قال

اللّه: «لن ينال اللّه لحومها ولا دمائها و لكن يناله التّقوى منكم»(۲) فلا تدعوا التقرّب الی اللّه بالقلیل والکثیر علی حسب الامکان و بادروا بـذلک الحوادث واحـذروا عواقب التسویف فیها فانما هلک من هلک من الامم السابقه بذلک»(۳)، اگر خمس بدهید حق خـدا را داده و بـاقی مـال برای شـما حلال می شود و در معرض اضافه شـدن قرار می گیریـد و خداونـد بر انجام وعـده ی لطفی که به پرداخت کننده داده از هر کس تواناتر

است، ایمان و توکل بر وعده های الهی از تکیه بر مال حرامی که در دست دارد و بخل می کند بهتر است

۱- ۷۵) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۸ .

۲- ۷۶) سوره حج، آیه ۳۷.

۳- ۷۷) مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۷۹ .

زیرا او بـا نـپرداختن خمس، خسـارت دنیـا و آخرت را برای خـود کسب کرده است. پس، از خداونـد پروا کنیـد و از آنچه در دست دارید، حق خدا را بپردازید تا خداوند در باقی مال شـما برکت دهد و شما تزکیه شوید. (و بدانید که) خداوند بی نیاز و ما فقیر هستیم. قرآن (به کسانی که قربانی می کنند،) می فرماید: خداوند از گوشت و خون

حیوانات قربانی سـهمی نمی برد، ولی شما با این عمل روحیه تقوی و قرب خودتان را به او نشان می دهید پس خود را از قرب به خـدا محروم نکنیـد خواه کم باشـد یا زیاد و بدینوسـیله حوادث تلـخ را از خود دور کنیـد و از عواقب سوء تأخیر بترسـید (و بدانید) دلیل هلاکت امت های سابق همین تأخیرها بوده است.

۱۳- موارد ومصارف خمس- خمس برای کیست؟

خمس » موارد ومصارف خمس- خمس برای کیست؟

در آیـه ۴۱ سـوره انفـال مـوارد خمس چنین بیـان شـده است: «واعلموا انّمـا غنمتم من شـی ء فـانّ لِلّه خُمُسَه و للرسول و لـذی القربی» بدانید هر چه را که بدست آوردید پس قطعاً یک پنجم آن برای خدا و رسول و ذی القربی است.

از امام رضا علیه السـلام درباره این آیه سؤال شـد که سـهم خـدا را به چه کسـی بدهیم؟ فرمود: سـهم خدا، به رسول خدا می رسد و هر چه برای رسول خداست برای امام است.(۱)

ناگفته پیداست که سـهم خدا و رسول و امام، امروزه باید در راه معرّفی مکتب و احکام آن و عزّت و نجات پیروان آن صرف شود.

۱۴- سهم پیامبر و امام برای شخصیّت حقوقی آنان

خمس » سهم پیامبر و امام برای شخصیّت حقوقی آنان

اموالی که به عنوان خمس در اختیـار پیامبر اکرم و اهل بیت معصومش علیهم السـلام قرار می گیرد، جزو اموال شخصـی آنان نیست که بعد از شـهادت یا رحلت به وارثانشان منتقل شود، بلکه در اختیار مقام رسالت و امامت و جایگاه حقوقی آنان است، البتّه این منافـاتی نـدارد که آنان برای اداره زنـدگی خودشان به مقـدار متعارف از آن اسـتفاده کننـد. دلیل ما مواردی است از جمله:

۱- از امام هادی علیه السـلام پرسـیدند: گاهی چیزی می آورنـد و می گویند: این برای امام جواد علیه السـلام است که نزد ما مانده، آن را چه کنیم؟ حضـرت فرمود: «ما کان لابی بسبب الامامه فهو لی و ما کان غیر ذلک فهو میراث علی کتاب اللّه و سنّه نبیّه»(۲)،

۱– ۷۸) وسائل، ج ۹، ص ۵۱۲ .
۲– ۷۹) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۷.

هر چه را که به عنوان امامت برای پـدرم آورده انـد باید به امام بعدی (یعنی من) تحویل دهید ولی اگر به عنوان امامت نباشد، طبق قانون قرآن و سنّت پیامبر میان

وارثان (همسر و سایر فرزندان) تقسیم کنید.

۲- رسول خـدا صـلی الله علیه وآله که الگوی سادگی و زهد بود، چگونه ممکن است یک پنجم تمام سودها صـرف زندگی شخصی او شود. آری، سهم رسول برای صرف کردن در راه و اهداف رسالت است.

۳- چگونه پیـامبری که می فرمایـد: من اجر و مزدی از شـما نمی خواهم، بخش قابـل توجّهی از درآمـد مردم را برای خودش اختصاص می دهد؟

۴- همـان گونه که سـهم خداونـد برای آن است که در راه حـاکمیّت قانون الهی هزینه شود، سـهم رسول خـدا و امام نیز باید صرف پاسداری از مکتب رسالت و امامت شود.

۵ - با اینکه در روایات اسـلامی به ما سـفارش کرده اند از عالمی که تمایلات مادّی بر او چیره شده دوری کنید، پس چگونه سهم عظیمی از درآمدها برای زندگی شخصی رسول و امام در نظر گرفته شده باشد.

۶- پیش شـرط مقاماتی که خداونـد به اولیای خود می دهـد، زهـد در دنیاست وگرنه خداوند آن مقامات را به آنان عطا نمی کنـد. در دعای ندبه می خوانیم: «و شـرطتَ علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیّه و زخرفها و زبرجها فشـرطوا لک ذلک و علمتَ منهم الوفاء به فقبلتهم و قرّبتهم و قدّمتَ لهم الذّکر العلیّ والثناء الجلیّ»، خدایا! تو با اولیای خود شـرط کردی که در دنیا زاهد باشند و آنان آن شرط را پذیرفتند و تو

به وفاداری آنان علم داشتی و به همین دلیل به آنان توجّه و عنایت مخصوص نمودی.

۱۵- ذی القربی کیست؟

خمس » ذی القربی کیست؟

بر اسـاس آیه خمس، بخشـی از خمس برای خـدا و رسول و بخشـی برای ذی القربی است، که مراد از آن، امام معصوم است، زیرا:

۱- در روایات بسیاری از شیعه و بعضی از اهل سنّت می خوانیم که مراد از ذی القربی در آیه خمس، امام معصوم از اهل بیت پیامبر است که مقام رهبری جامعه را دارد و خمس برای مقام رهبری اوست.(۱)

۲- کسـی که نامش در کنار نام خـدا و رسول آمده است باید مقام و فکر و راه و هدفش در کنار خدا و رسول باشد. «فانّ للّه خُمُسه و للرسول ولـذی القربی» چنانکه در آیه «اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»(۲) نیز ما این عقیده را داریم که آنکه نامش در

۱- ۸۰) تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۲۷.

۲- ۸۱) سوره نساء، آیه ۵۹ .

کنار خدا و رسول مطرح و اطاعت بی قید و شرطش در کنار اطاعت خدا و رسول واجب شده جز معصوم نمی تواند باشد.

۳- کلمه «ذی القربی» مفرد است و در هر زمـان تنها به یک نفر از خانـدان رسالت این سـهم می رسـد. آری، اگر به جای ذی القربی، ذوی القربی بود معنای جمعی داشت که باید خمس به همه بستگان پیامبراکرم برسد.

۴- کلمه «قربی» صـیغه مبالغه و در موردی بکار می رود که نزدیک ترین نزدیکی را داشـته باشـد و نزدیک ترین فرد به پیامبر از نظر وراثت و نسبت و تربیت، حضـرت فاطمه وعلی وفرزنـدان معصومشان علیهم السـلام است. امّا خلفای بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خمس را از بنی هاشم منع و آن را به بیت المال اضافه کردند و زکات هم که برای بنی هاشم حرام بود، در نتیجه برای خاندان رسالت نه خمس ماند و نه زکات و

امروزه در کتب فقهای اهل سنّت عنوانی به نام خمس مطرح نیست.(۱)

کوتاه سخن آنکه در آیه ۴۱ سوره انفال برای خمس شـش مصـرف نام برده شده که برای سه مصرف اول، حرفِ لامِ ملکیت آمـده است، «للّه خمسه وللرسول ولـذی القربی» امّا برای سه مصـرف دوم، یعنی یتیمان، مساکین و در راه مانـدگان، حرف لام نیامـده است، «والیتـامی والمسـاکین وابن السبیـل» و شایـد این رمز آن باشـد که این سه گروه از شـاخه ها و فروعات همان ذی القربی (اهل بیت) باشند نه آنکه مستقل و دسته ای جدا باشند.(۲) و

در روایـاتی این معنـا تأییـد می شود، چنـانکه امـام سـجاد علیه السـلام فرمود: مراد، یتیمـان و مسـاکین وابن السبیـل از خانـدان ماست.(۳)

سؤال:

آیا پرداخت نیمی از خمس به یتیمان و مساکین و در راه ماندگان سادات، تبعیض خویشاوندی و امتیاز نژادی نیست؟

پاسخ:

۱- اولاً خمس برای سادات فقیر است و هر کـدام بالفعل یا بالقوه توان کار کردن دارند باید کار کنند و حق گرفتن خمس را ندارند.

ثانیاً: تنها به مقدار رفع نیاز، داده می شود، آن هم نیاز یکسال نه بیشتر. «ما یستغنون به فی سنّتهم»(۴)

۱- ۸۲) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص ۴.

۲- ۸۳) کتاب خمس آیه اللّه فقیه امامی، از زبدهالمقال.

۳- ۸۴) وسائل، ج ۹، ص ۵۱۸ .

۴– ۸۵) وسائل، ج ۹، ص ۵۲۰.

ثالثاً: استفاده از صندوق خمس به خاطر آن است که سادات فقیر از صندوق زکات محرومند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «لما حرم علینا الصدقه انزل لنا الخمس»(۱)

بنابراین تمام خمس برای سادات نیست، بلکه نیمی از خمس، آنه هم برای سادات فقیر است، آن هم به اندازه یک سال، و مازاد خمس در اختیار حاکم اسلامی است. البتّه اگر نصف خمس، سادات فقیر را بی نیاز نکرد حاکم اسلامی می تواند از سایر اموال و اختیاراتی که دارد آنان را سیر کند.(۲) همان گونه که اگر مقدار زکات بیش از نیاز فقرا بود، در اختیار والی قرار می گیرد و به خزانه بر می گردد، امّا اگر زکات کم آمد

والی باید از منابع دیگری که در اختیار دارد فقراء را سیر کند.(۳) آنچه مهم است این است که در حکومت اسلامی گرسنه نباید وجود داشته باشد، لکن گرسنگان خاندان رسالت از صندوق خمس و سایر گرسنگان از صندوق زکات تأمین می شوند و هر صندوقی زیاد آورد باید به خزانه بر گردد و هر صندوقی کم آورد از سایر منابع جبران شود.

۲- زکات از اموال عمومی و خمس از بودجه های حکومتی است و این خود یک سیاست بسیار عالی است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله خواسته تا دست بستگانش را از اموال عمومی (زکات) دور نگه دارد تا نگویند پیامبر اسلام خویشان خود را بر اموال عمومی حاکم کرد و اگر فقیری از بستگان حضرت بود حاکم معصوم یا عادل به قدر رفع نیاز، مشکل او را حل کند.

۳- نتیجه جدا شدن صندوق زکات از صندوق خمس، جدا شدن سادات و بستگان پیامبر از دیگران است تا نسب پیامبر در جامعه محو نشود.

۴- شناخته شدن سادات رمز احترام بیشتر مردم به آنان و این سبب قرب مردم به رسول اللّه صلی الله علیه وآله است زیرا که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «المکرم لذریّتی من بعدی والقاضی لهم حوائجهم والساعی لهم فی امورهم والمحبّ لهم بقلبه و لسانه»(۴)، من کسانی را که بعد از من ذریه مرا تکریم کنند یا حوائج آنان را بر آورند یا در رفع مشکلات آنان تلاش نمایند یا آنان را با قلب و زبان دوست دارند،

شفاعت می کنم.

۵ - راستی اگر ما به ذریّه ی فقیر پیامبری که ما را از شرک به توحید و از توحّش به تمّدن فرا خواند، از صندوقی خصوصی، غیر از صندوق فقرا عادّی کمکی کنیم تبعیض است؟ تبعیض آن است که ما میان دو فرد یا دو گروه یکسان، دو گونه عمل کنیم. امّا آیا احترام استاد با غیر استاد یکسان است، این تفاوت است و هر تفاوتی بی عدالتی نیست.

۱- ۸۶) وسائل، ج ۹، ص ۴۸۳.

۲- ۸۷) وسائل، ج ۹، ص ۵۲۰ .

۳- ۸۸) وسائل، ج ۹، ص ۲۲۶.

۴- ۸۹) بحار، ج ۸، ص ۴۹.

انگشـتان دست با هم تفاوت دارنـد ولی این تفاوت حکیمانه است. در حدیث می خوانیم: دلیل آنکه فقرای خاندان رسالت از صندوق خمس استفاده می کنند برای وابستگی آنان به پیامبر است و تکریم نسل او تکریم او به حساب می آید.(۱)

گروهی از امام رضا علیه السلام حلال کردن خمس را درخواست کردند، امام فرمود: «ما امحل هذا تمحضّونا المودّه بالسنتکم و تزوون عنّا حقّنـا جعله اللّه لنا و جعلنا له و هوالخمس»(۲)، چه مردمی که بـا زبان اظهار علاقه می کننـد، ولی خمس که حق ماست نمی پردازند.

بنابراین اگر شـنیده ایـد که امامی در زمانی خمس را بخشـیده دلیل خاصـی داشـته است. زیرا کنیزانی که از جنگ ها نصـیب مسـلمانان می شد، جزو غنائم بود و اگر خمس آنان پرداخت نمی شد آمیزش با آنان نامشـروع و نسلِ مؤمن، نااهل می شد، یا رساندن خمس به اهل بیت پیامبرعلیهم السـلام سبب گرفتار شدن شیعه به دست حکام بنی عباس می شد، لذا برخی امامان می فرمودند: ما خمس را بخشیدیم تا جان شما سالم و نسل شما پاک

بماند.

امّـا این امر در یک دوره کوتاه بود و به طور طبیعی امامان معصوم وکلائی در مناطق مختلف داشـتند که یکی از وظائف آنان گرفتن خمس از مردم و فرستادن برای آن بزرگواران بود.

۱۶- خمس مربوط به چه چیزهایی است؟

خمس » خمس مربوط به چه چیزهایی است؟

در آیه ۴۱ سوره انفال خواندیم: «واعلموا انّما غنمتم من شی ء...»، هرگونه غنیمتی که بدست آورید خمس آن را بپردازید.

در اینکـه مراد از غنیمت چیست، دو نظریه مطرح است: یکی نظر فقهـای شـیعه که می گوینـد غنیمت شامـل هرگـونه کسب و درآمـد می شود و خمس بر هرگونه درآمـدی است و دیگری نظر مفسـرین و فقهای اهل سـنّت که می گوینـد: خمس تنها در غنائم جنگی است و به همین دلیل مسئله خمس را در کتاب جهاد مطرح کرده اند.

دلیل اهل سنّت چند مطلب است:

۱- آیه در جنگ بدر نازل شده و مراد از غنیمت، غنائم جنگی است.

پاسخ: اگر منظور از «غنمتم» تنها غنائم جنگی بود، می بایست بگوید: «غنمتم من الحرب» نه آنکه بگوید: «غنمتم من شی ء»

به علاـوه اگر بخـواهیم به مـورد نزول آیه که جنـگ است تـوجّه کنیم و بگوییم مراد از غنیمت، غنـائم جنگی است، پس بـاید خمس، تنها در غنائم جنگ بدر باشد، نه دیگر جنگ ها، در حالی که هیچ کس حکم خمس را مخصوص جنگ بدر ندانسته است.

۱- ۹۰) وسائل، ج ۹، ص ۵۱۳ .

۲- ۹۱) کافی، ج ۱، ص ۵۴۸.

در قرآن نمونه های زیادی داریم که به مناسبت خاصی قانونی صادر شده، امّا آن قانون در همه جا جاری می گردد. مثلاً قرآن در مورد شیر دادن دایه می فرماید: «لا تکلّف نفس الا وسعها»(۱) یعنی جز به مقدار توان به کسی تکلیف نمی شود. لکن این موضوع به صورت یک اصل و قانون کلی در همه جا ملاک و معیار قرار می گیرد، به گونه ای که شرط هر تکلیفی قدرت بر انجام آن است. راستی اگر بنا باشد آیات قرآن تنها در موارد

نزولش مصداق داشته باشد هرگز کتابی جاودان و جهانی برای همه نسل ها و عصرها نخواهد بود، بلکه کتاب تاریخی خواهد شد که زمان مصرفش گذشته است.

۱۷- سنّت پیامبر در کنار کتاب خدا

خمس » سنّت پیامبر در کنار کتاب خدا

بر فرض که این آیه مربوط به خمس غنائم جنگی باشد، ما از روایات، خمس سایر موارد را به دست می آوریم. زیرا قرآن می فرماید: «ما اتاکم الرّسول فخذوه»(۲) هر چه را پیامبر برای شما آورد بگیرید و عمل کنید. بنابراین سند ما تنها قرآن نیست، بلکه سنّت رسول خدا نیز هست. مثلاً در قرآن آمده که طواف واجب است، امّا تعداد طواف در قرآن نیامده و ما آن را از حدیث فرا می گیریم. در قرآن فرمان به اقامه نماز صادر

شده، امّا تعداد رکعات در قرآن نیامده که ما آن را از سخنان پیامبر به دست آورده ایم.هیچ مانعی ندارد که خمس غنائم جنگی در قرآن و خمس سایر درآمدها در روایات مطرح شده باشد.

همان گونه که اهل سنّت بخاطر روایات، در سود گنج و معدن، خمس را واجب می دانند. در حدیث می خوانیم که امام صادق علیه السلام در ذیل آیه خمس فرمودند: «هی واللّه الافاده یوماً بیوم»(۳) سوگند به خدا که مراد آیه، خمس درآمدهای روزمرّه مردم است.

۲- گاهی می گویند: غنیمت در لغت، تنها غنائم جنگی است.

در حالی که در لغت غنیمت در برابر غرامت است و همان گونه که غرامت به هر نوع ضرر گفته می شود، غنیمت نیز به هر نوع درآمد گفته می شود. چنانکه در بعضی آیات قرآن، مراد از غنائم هر نوع درآمدی است.(۴) به علاوه ما در تفسیر قرآن باید به همتای قرآن که اهل بیت پیامبرند مراجعه کنیم که می فرمایند هر نوع درآمدی غنیمت است. چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: «الهَمّ نصف الهرم والسّلام نصف الغنیمه»(۵) غم و

اندوه نیمی از پیری و سلامتی نیمی از درآمد است.

۳- گاهی می گویند: اگر خمس بر هر درآمدی واجب است پس چرا خلفا و سلاطین آن را نمی گرفتند؟

ص: ۲۷

۱- ۹۲) سوره بقره، آیه ۲۳۳.

۲- ۹۳) سوره حشر، آیه ۷.

۳- ۹۴) تهذیب، ج ۱، ص ۳۹۰.

۴- ۹۵) نظیر آیات ۱۵، ۱۸ و ۱۹ سوره فتح.

۵- ۹۶) بحار، ج ۷۸، ص ۹۳.

در پاسخ باید گفت: حجّت ما کلام خدا و سنّت رسول اوست و ما هیچ دلیلی نداریم که رفتار دیگران برای ما ملاک باشد.

اگر در تاریخ خلفا نشانی از گرفتن خمس نیست، امّا در تاریخ رسول خدا و ائمه اهل بیت نشانه های فراوانی از خمس هست. در نـامه هایی که پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله به قبائل و سـران می نوشـتند سـخن از خمس است در حالی که در آن مناطق جنگی نبود که بگوئیم مراد خمس غنائم جنگی است.(۱)

۴- گـاهی می گوینـد: اگر هر درآمـدی خمس دارد، چرا کلمـه «غنمتـم» بکـار رفـت کـه افکـار به سـوی درآمـدهای جنگی معطوف شود؟

پاسخ آن است که چون جایگاه نزول آیه جنگ بود باید تعبیری بکار رود که مورد نزول را به طور شفاف روشن کند.

۱۸- دیدگاه شیعه

خمس » دیدگاه شیعه

امّـا از دیـدگاه شـیعه، به جز فعـالیّت کشاورزی و دامـداری که مشـمول زکات می باشـد، هرگونه فعالیّتِ درآمـدزا، چه روی زمین، همچون اسـتخراج معـدن و کشف گنـج و چه در دریـا، همچون صـید و غواصّـِی و چه فعـالیّت هـای تجاری، خـدماتی، صنعتی، آموزشـی، درمانی، در سـطوح کلان یا خرد، مشـمول خمس می باشـد و روایات بسـیاری در این موارد وارد شـده که فقهای بزرگوار بر اساس آنها، مسائل مربوطه را به تفصیل در رساله های

عملیّه بیان کرده اند.

به نمونه ای از روایات در این باره توجّه کنید:

از امام رضاعلیه السلام درباره خمس سؤال شد، حضرت فرمودند: «فی کلّ ما افاد الناس من قلیل او کثیر»(۲)، در هر چیزی که مردم سود ببرند کم باشد یا زیاد، خمس واجب است.

امام جواد نیز می فرماینـد: «الخمس بعد المؤنه»(۳)، هزینه یک سال را به حساب آوریـد و اگر زیاد آمـد، خمسِ همان مقدار زائد را بپردازید.

در خاتمه این بحث، حدیثی را نقل می کنیم که شخصی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: من اموالی دارم که حلال و حرام آن به هم مخلوط شده است، امام فرمود: اگر صاحب اموال را می شناسی به خود آنان رد کن وگرنه یک پنجم آن را بپرداز تا باقی برای تو حلال می شود.(۴)

ص: ۲۸

۱- ۹۷) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص ۱۰۰ و ۱۰۵.

۲- ۹۸) وافی، ج ۱۰، ص ۳۰۹.

۳- ۹۹) وسائل، ج ۹، ص ۵۰۰.

۴- ۱۰۰) وسائل، ج ۹، ص ۵۰۶ .

۱۹- گیرنده خمس در زمان غیبت کیست؟

خمس » گیرنده خمس در زمان غیبت کیست؟

آیه ۴۱ سوره انفال برای مصرف خمس شش مورد تعیین کرده است که سه مورد آن خدا و رسول و اهل بیت پیامبرند. ما در بحث های گذشته گفتیم حق خداوند به رسول داده می شود، آن هم نه برای زندگی شخصی، بلکه برای مقام رسالت و امامت و برای تبلیغ دین و عزّت اسلام.

ناگفته پیداست که اهداف الهی و نبوی برای زمان خاصی نیست و چون اهداف ابدی است نیاز به بودجه ابدی دارد. در این زمان که دست ما به پیامبر و امام نمی رسد سهم آنان را باید به کسانی بدهیم که نزدیک ترین افراد به پیامبر و امام باشند، علم و فکر، اعتقاد، زهد، شجاعت، بصیرت و تقوای آنان شبیه پیامبر و امام باشد، از علوم آنان بهره وافر داشته و اگر معصوم نیستند از حد اعلای عدالت برخوردار باشند.

در روایات برای فقهای متّقی تعبیراتی به چشم می خورد از جمله:

دژهای اسلام، اُمنای اسلام، وارثان انبیا، اُمنای پیامبران، کفیلان ایتام اهل بیت علیهم السلام(۱) و کسانی که مجاری امور و احکام را در دست دارند و امین بر حلال و حرام هستند این تعبیرات ما را راهنمائی می کند که در این زمان حق خدا و رسول و امام را به این افراد که جانشینان پیامبرند بدهیم و آنان در راه تقویت عقائد و توسعه فرهنگ دینی و تبلیغ و ارشاد و عزّت اسلام و مسلمین و مصالح آنان صرف

نمایند.

امام هادی علیه السلام می فرماید: «لولا من یبقی بعد غیبه قائمناعلیه السلام من العلماء الداعین الیه و الدّالین علیه والذابّین عن دینه بحجج اللّه و المنقذین لضعفاء عباد اللّه من شباک ابلیس و مردته و من فخاخ النواصب لما بقی احد الا ارتد عن دین اللّه و لکنّهم الّذین یمسّکون ازمّه قلوب ضعفاء الشیعه کما یمسک صاحب السفینه سکّانها اولئک هم الافضلون عنداللّه عزّوجلّ»(۲)

اگر فقهای با تقوی، مرزبان افکار و عقاید دینی مردم نبودند، شبکه های ابلیسی مردم را از دین خدا دور می کردند. این علما در عصر غیبت قائم ماعلیه السلام همچون ناخدای کشتی محافظ مسلمانان آسیب پذیرند. در پایان امام هادی علیه السلام فرمود: این افراد نزد خدا با فضیلت ترینند.

۱- ۱۰۱) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص ۷۴۰ به نقل از عوائد نراقی، وسائل و مستدرک الوسائل، ابواب صفات قاضی.

۲- ۱۰۲) بحار، ج ۲، ص ۶۰.

۲۰- امتیازات پرداخت خمس به فقیه جامع الشرائط

خمس » امتیازات پرداخت خمس به فقیه جامع الشرائط

۱- خمس، حقّ حاکم شرع است، قهراً باید به حاکم اسلامی، فقیه عادلی داده شود که امور دین و دنیا بدست اوست.

۲- فقیه در دین، به حکم خدا و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت معصومش در مورد مصرف خمس آگاه تر است.

۳- از آنجا که عدالت و دوری از هوس شرط مرجع تقلید است، از ولخرجی و اسراف مصونیّت دارد.

۴- فقیه، ضرورت ها و نیازهای دینی جامعه را بهتر می داند.

۵ - تمرکز وجوهات نزد فقیه جامع الشرائط قدرت و عزّت و نفوذ کلام و استقلال او را در برابر طاغوت ها بیشتر می کند.

۶- وحدت رویّه و امکان برنامه ریزی و جلوگیری از تشتّت ،از دیگر برکات جمع شدن خمس در یک جاست. آری مدیریّت واحد، برنامه ریزی واحد و تصمیم واحد، مانع کارهای تکراری و سوء استفاده افراد نااهل می شود.

۷- در دنیایی که ما زندگی می کنیم، کشورهایی که اختلاف نژادی، زبانی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، صنعتی و جمعیّتی دارند، هم پیمان می شوند تا در منافع و خطرات حامی یکدیگر باشند و امروزه از دهکده جهانی سخن می گویند.

آیا در این شرائط هر برنامه و سیاستی که مسلمین و توان رزمی و اقتصادی آنان را متحد کند بهتر نیست؟ مگر امام رضاعلیه السلام نفرمود: «عوننا علی دیننا»(۱)، خمس پشتوانه مکتب ماست. آیا لازمه چنین امری تمرکز بودجه نزد فقیه جامع الشرائط نیست؟

۸ - در اسلام حل مسئله فقر به عهده حاکم اسلامی است. در روایات می خوانیم: حاکم باید فقرا را بی نیاز کند به گونه ای که اگر زکات کافی نبود، والی باید از بودجه های دیگری که در اختیار دارد مسئله فقر را حل کند. «و ان نقص او عجز عن استغنائهم کان علی الوالی ان ینفق من عنده بقدر ما یستعفون»(۲)

بنابراین باید حقّ اللّه (خمس و زکات و...) بدست او باشد تا بتواند به وظیفه خود عمل کند.

۹- در سیره پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش، خمس به صورت متمرکز جمع آوری شده است.

در موارد متعددی می بینیم که آنان افرادی را در مناطق منصوب و مسئول جمع آوری خمس و متمرکز کردن آن نزد خود می کردند تا طبق کتاب خدا و سنّت نبوی در جای خود مصرف نمایند.

مثلاً ـ در فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به عمربن حزم می خوانیم که او مأمور گرفتن خمس مردم بود. «امره ان یأخذ

من الغنائم خمس اللّه»(۳)

ص: ۳۰

۱- ۱۰۳) وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴.

۲- ۱۰۴) وسائل، ج ۹، ص ۵۳۰ .

۳- ۱۰۵) کتاب خمس آیهاللّه نوری همدانی، ص ۱۰۷.

از توصیه هائی که به سلمان و ابوذر و مقداد شد این بود که خمس مردم باید نزد حاکم اسلامی فرستاده شود. «و اخراج الخمس من کل ما یملکه احد من الناس حتّی یرفعه الی ولی المؤمنین و امیرهم»(۱)

در ماجرای فدك نیز به مسئله گرفتن خمس اشاره شده است. «واخذ منهم اخماسهم»(۲)

در تاریخ می خوانیم که رسول خدا گاهی افرادی را که برای گرفتن خمس منصوب کرده بود احضار می فرمود.(۳)

در مسند احمد بن حنبل آمده که حضرت علی علیه السلام به عنوان مأمور گرفتن خمس از غنائم جنگی فرستاده شد.(۴)

۱۰- از برکات دیگر تمرکز آن است که اگر اشخاص ابتکار و طرحی دارند که برای تبلیغ و ارشاد و یا هر امری که برای عزّت اسلام و مسلمین مفید است به همان مرکز رجوع می کنند، چون می دانند قدرت مالی در کجاست، با نشاط و امید طرح خود را مطرح می کنند و اگر برنامه ریزی و مدیریّت صحیحی در کار باشد طرح را بررسی و اجرا می کند، ولی اگر حق اللّه در میان صدها و هزاران نفر پخش شد طرح ها در ذهن ها کور و

مبتکران متحیر و ناامید می شوند.

۱۱- از برکات دیگر تمرکز آن است که گیرندگان حقّ اللّه می دانند به کجا مراجعه کنند و نزد هر کس گردن خم نمی کنند و آبروی خود را نمی ریزند.

۱۲- از برکات دیگر تمرکز آن است که اگر حقّ اللّه نزد مجتهد جامع الشرائط و حاکم عادل اسلامی جمع شد، تمام محرومانی که از آن بهره مند می شوند به آن مرجع وابسته و در راه اهداف والای آن مجتهد عادل جان فشانی می کنند و ناگفته پیداست که او بخاطر عدالت مردم را فدای هوسهای خود نمی کند زیرا که اگر مجتهد و حاکم عادل به سراغ گناه و هوسهای نامشروع خود رود بدون آنکه کسی او را عزل کند خود به خود عزل

می شود.

البتّه تمرکز خمس به معنای محروم کردن و خالی گذاشتن دست دیگران نیست، بلکه افراد زیادی که مورد اعتماد و متّقی هستند، می توانند به نمایندگی از مقام مرجعیّت و ولایت، حقّ گرفتن و هزینه کردن خمس را در مواردی که قرآن فرموده داشته باشند. همان گونه که در سیره ائمه

۱- ۱۰۶) وسائل، ج ۹، ص ۵۵۳ .

۲- ۱۰۷) بحار، ج ۲۹، ص ۱۱۷.

۳- ۱۰۸) کتاب خمس آیهاللّه نوری همدانی، ص ۱۱۰.

۴- ۱۰۹) ما این بخش را از کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص ۸۸ تا ۱۱۰ و آیه اللّه حسن فقیه ایمانی ص ۸۲ تا ۹۰

استفاده کرده ایم.

اهل بیت علیهم السلام مشاهده می کنیم نمایندگانی که در بلاد اسلامی منصوب می شدند چنین می کردند.

۲۱- چگونگی تقسیم خمس

خمس » چگونگی تقسیم خمس

از امام رضا علیه السلام درباره نحوه ی تقسیم خمس سؤال شد که اگر عدد یکی از اصناف شش گانه، بیشتر بود، چه باید کرد؟ حضرت فرمود: تقسیم آن مربوط به نظر امام است، همان گونه که رسول اللّه صلی الله علیه وآله آن گونه که صلاح می دانست خمس را عطا می فرمود.(۱)

در حدیث دیگری می خوانیم که اگر مشاهده کردید امام معصوم تمام بیت المال را به یک نفر داد، نباید در قلب شما چیزی خطور کند، زیرا کار معصوم به امر پروردگار است، (نه سلیقه شخصی.)(۲)

نکته: هر دستوری سه حالت می تواند داشته باشد:

۱- ضد عقل.

۲- طبق عقل.

۳- فوق عقل.

در اسلام هرگز دستوری ضد عقل نیست (البتّه عقل سلیم، نه آنچه زاییده خیال ها، پندارها، اطلاعات محدود، عادات و رسوم و حدسیّات است). امّا لازم هم نیست تمام دستورات دین طبق عقل ما باشد، بلکه ممکن است بعضی از فرمان ها فوق عقل باشد.

اکنون که این مطلب را می نویسم، در هواپیما نشسته ام. این هواپیما گاهی برفراز ابرها و گاهی لابه لای ابرها حرکت می کند. اگر یک قرن قبل می گفتند: انسان می تواند بر ورق های آهن سوار

۱- ۱۱۰) وسائل، ج ۹، ص ۵۱۹.

۲- ۱۱۱) وسائل، ج ۹، ص ۵۲۰.

شده و در آسمانها پرواز کند، برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود و آن را ضد عقل می پنداشتند، ولی آیا این دستور ضد عقل است؟

علمای قدیم وقتی به این آیه می رسیدند: «و کایّن من آیه فی السموات و الارض یمرّون علیها و هم عنها معرضون»(۱) چه بسیار نشانه های الهی در آسمان ها که مردم بر آن مرور می کنند در حالی که از آن غافل و اعراض کننده هستند؛ چون هواپیما و امثال آن نبود، در فهم (مرور بر آسمان ها) «یمرّون علیها» می ماندند و می گفتند: مراد از مرور، نگاه کردن به آیات آسمانی است، همان گونه که وقتی می گوئیم کتاب را

مرور کردم یعنی نگاه کردم، ولی امروزه ما به راحتی شاهد مرور بر آیات آسمانی هستیم.

بنابراین ما نباید هر چه را که نمی فهمیم ضد عقل بدانیم، بلکه بسیاری از مسایل که در دید ساده ما ناشدنی است، از نظر عقل، مانعی برای شدنش نیست.

قرآن در ماجرای حضرت موسی و خضر چند صحنه نقل می کند که تمام آنها در دید حضرت موسی غیر منطقی بود ولی خضر برای کار خود دلیل و استدلال داشت. اولیای خدا به خصوص آنان که معصومند، کاری را بدون اذن الهی انجام نمی دهند، گرچه ما برای کار آنها توجیهی نداشته باشیم.

۲۲- مقدار پرداخت

خمس » مقدار پرداخت

در روایات می خوانیم: نیمی از خمس که برای یتیمان و مساکین و در راه ماندگان است، طبق کتاب خدا و سنّت پیامبر تقسیم می شود و مقدار آن باید در حدّی باشد که تا یکسال این افراد بی نیاز باشند. «ما یستغنون به فی سنّتهم»

در روایت دیگری می خوانیم: تقسیم خمس می تواند در حدّی باشد که گیرندگان را علاوه بر کفاف، توسعه هم بدهد.(۲)

۲۳- آداب پرداخت

خمس » آداب پرداخت

آداب پرداخت خمس شبیه آداب پرداخت زکات است، ولی چون خمس حقّ رسول خدا و امام است، و به تعبیر روایات پولی است که برای کمک به راه خدا، دین خدا و عزّت اولیای خدا قرار داده شده، باید در پرداخت آن کرامت بیشتری از خود نشان داد و به نکات ذیل توجّه نمود:

۱- بدانیم که مال از خداوند است، «مال اللّه»(۳)، و به ما روزی کرده است، «رزقکم اللّه»(۴)، پس بخشی از آن را به راحتی برای خدا بدهیم. آری، اگر کسی مال و ثروت را نتیجه تدبیر و قدرت و تخصّص خود بداند، تفکّر قارونی دارد. او بود که می گفت: سرمایه من محصول علم و تخصّص من است.«انّما اوتیتُه علی علم عندی»(۵)

۱- ۱۱۲) سوره یوسف، آیه ۱۰۵.

۲- ۱۱۳) وسائل، ج ۹، ص ۵۲۱ .

۳- ۱۱۴) سوره نور، آیه ۳۳.

۴- ۱۱۵) سوره یس، آیه ۴۷.

۵- ۱۱۶) سوره قصص، آیه ۷۸.

۲- گمان نکنیم که خدا و رسول محتاج ما هستند. امام صادق علیه السلام می فرمود: من از گرفتن خمس شما هدفی جز پاک کردن شما و مالتان ندارم. «ما ارید بذلک الا ان تطهروا»(۱)

و در حدیثی دیگر فرمود: «مَن زَعم ان الامام یحتاج الی ما فی ایدی الناس فهو کافر و انما الناس یحتاجون ان یقبل منهم الامام»(۲) هر کس گمان کند که امام محتاج اوست، کافر است. این مردمند که به قبول کردن امام نیازمندند.

هنگامی که این آیه نازل شد: «مَن ذا الّذی یقرض اللّه قرضاً حسناً»(۳) کیست به خدا قرض بدهد؛ بعضی از یهودیان گفتند، خدا فقیر است و ما اغنیاء و به همین دلیل او از ما قرض خواسته است.(۴)

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: خدایی از شما قرض خواسته که خزائن آسمانها و زمین به دست اوست. بنابراین درخواست قرض الهی یک نوع دعوت به حمایت از مستضعفین و آزمایش مردم است.

۳- با اشتیاق و رغبت بپردازیم. قرآن از کسانی که مال خود را با اکراه می پردازند، به شدّت انتقاد کرده و می فرماید: «و لاینفقون الا و هم کارهون»(۵)

۴- گرفتار غرور نشویم. قرآن از کسانی ستایش می کند که هم با میل و رغبت مال خود را می دهند و در عین حال نگران نپذیرفتن آن نیز هستند. «و الّذین یؤتون ما آتوا و قلوبهم وجله أنّهم الی ربّهم راجعون»(۶)

۵ - بر گیرنده منّت نگذاریم زیرا که منّت، پاداش پرداخت را از بین می برد.

۶- در پرداخت عجله کنیم زیرا عجله در کار خیر یک ارزش است و چه خیری بهتر از حمایت مکتب اهل بیت و کمک به فقرا از ذریّه پیامبر.

۷- کار خود را بزرگ نپنداریم، انسان اگر توجّهی به جهان هستی و عظمت قدرت الهی و ضعف های خود کند، هرگز دچار بزرگ بینی خود و کار خود نمی شود. امام سجاد علیه السلام در پاسخ کسانی که به کثرت عبادت او انتقاد داشتند، می فرمود: عبادت من کجا و عبادت جدّم علیّ بن ابیطالب علیهما السلام کجا؟ و پیامبرصلی الله علیه وآله می فرمود: «ما عبدناک حقّ عبادتک و ما عرفناک حقّ معرفتک»(۷)

۱- ۱۱۷) وسائل، ج ۹، ص ۴۸۴.

۲- ۱۱۸) کافی، ج ۱، ص ۵۳۷ .

۳- ۱۱۹) سوره بقره، آیه ۲۴۵.

۴- ۱۲۰) سوره آل عمران، آیه ۱۸۱.

۵- ۱۲۱) سوره توبه، آیه ۵۴.

۶- ۱۲۲) سوره مؤمنون، آیه ۶۰.

۷- ۱۲۳) بحار، ج ۶۸، ص ۲۳.

۸ - هنگـام حساب سال، مال خود را با دقّت حساب کنیم. در حـدیثی از امام صادق چنین نقل شـده است: وای بر کم فروشان که هنگام خمس دادن، از آل محمّد کم می گذارند.(۱)

«والحمدللّه ربّ العالمین»

۲۴- مقدّمه

زکات » مقدّمه

«الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین»

«الّذین اِن مَکّنّاهم فی الأرض أقاموا الصّلوه و آتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و للّه عاقبه الأمور»(۲)

«(مؤمنان) کسانی (هسـتند) که اگر در زمین به آنان قدرت بخشیم، نماز را برپا دارند و زکات دهند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و پایان همه کارها از آن خداست.»

به دنبـال سـرنگونی حکومت شاهنشـاهی، بـا اراده الهی و به رهبری امام خمینی و پیروی مردم ایران و برقراری نظام جمهوری اسـلامی، حرکت های فرهنگی زیادی صورت گرفت. در بدنه نظام، دانشـگاه ها، کتابخانه ها، مدرسه ها، مؤسسات تحقیقاتی، انتشـارات، روزنـامه هـا و شـبکه هـای صـدا و سـیما توسـعه یـافت و در کنار نظام، رشـد حوزه های علمیه، نماز جمعه ها، نماز عیدها، توجّه به قرآن و احکام و مسائل دینی و تشکیل

تشکّل های مذهبی در مدارس و دانشگاه ها و وزارت خانه ها و کارخانه ها و پادگان ها مشهود شد.

امّا با گذشت ده سال از انقلاب اسـلامی، مشاهده شد هنوز کارهای واجبِ فرهنگی متعددی انجام نشده است که طیّ نامه ای به رهبر معظم انقلاب فهرست آن کارها را نوشتم. ایشان مرقوم

ص: ۳۵

۱- ۱۲۴) بحار، ج ۹۳، ص ۱۸۹

۲- ۱۲۵) سوره حج، آیه ۴۱.

فرمودند که بنده افراد دلسوزی را پیدا کرده و آن کارها را دنبال نمایم. (دست خط ایشان موجود است.)

یکی از این کارها توجّه ویژه به نماز بود. گرچه مردم نماز را در مساجد برپا می داشتند، ولی اقامه نماز در مدارس، دانشگاه ها، مراکز عمومی، جادّه ها، ظهر تاسوعا و عاشورا، زمین های ورزشی، ادارات و... جلوه ای نداشت.

با لطف خداوند ستاد اقامه نماز تشکلیل شد و هر سال اجلاس باشکوهی در یکی از استان ها با پیام رهبر عزیز انقلاب و حضور رئیس جمهور و برخی وزرا و نمایندگان مجلس و شخصیّت های سیاسی فرهنگی برگزار گردید و مسائل نماز دنبال شد. بیش از صد عنوان کتاب توسط ستاد اقامه نماز درباره نماز منتشر شد، بیش از صد مسجد در جادّه ها ساخته شد، بیش از هزار قطعه شعر سروده شد و بیش از پنجاه هزار نماز جماعت در مدارس

برگزار شد. هزاران جوان، آثار قلمی و هنری خود را درباره نماز ارائه دادند و بیش از ده هزار طلبه جوان در مدارس به اقامه نماز پرداختند.

بعد از نماز به سراغ مسأله امر به معروف و نهی از منکر رفته و در این باره نیز افرادی را به همکاری دعوت کردم و کتاب هایی نوشته شد و کارهای مثبتی انجام گرفت.

پس از آن به سراغ مسأله زکات رفته و کارهایی انجام شد، از جمله: حدود سی سفر به استان ها رفتم و نامه ها و ناله هایی را به ائمه محترم جمعه نوشتم. متأسفانه تا آن موقع کتابی فارسی برای ترویج و تبیین موضوع زکات در جامعه نداشتیم. بعد از آنکه اولین گردهمایی زکات را در استان خوزستان برقرار کردیم، کم کم مسأله زکات مطرح شد و آیه اللّه محسنی گرکانی امام جمعه محترم اراک و دانشمند عزیز آقای دهقان

دو کتاب درباره زکات (این واجب فراموش شده) نوشتند. برادر دانشمند دیگر، جناب آقای مجتبی کلباسی نیز مقالاتی را که در زمینه زکات نوشته شده بود بررسی و جمع آوری کردند و به نام «زکات در اندیشه ها» چاپ و منتشر شد.

امّا با کمال تأسف بعد از بیست و دو سال که از انقلاب اسلامی می گذرد، تنها سه یا چهار جلد کتاب زکات نوشته شده، و زکات از فراموشی بیرون نیامده است. اینجانب با لطف و توفیق الهی چند شب جمعه در برنامه تلویزیونی درسهایی از قرآن مسأله زکات را دنبال کردم و یاداشت هایی در این باره آماده شد. دو نفر از فضلا هم چند روزی از قم به تهران آمده، این یادداشت ها را تکمیل و بازنویسی کردند و این کتاب پیش روی

شما قرار گرفت.

محور کتاب، آیات و روایات و پاسخ به بعضی شبهات درباره زکات است. امیدوارم که مفید واقع شود و ذخیره قبر و قیامت همه ما باشد.

در ده ها سفری که برای زکات داشتم، طرح این بود که ستادهای زکات با ترکیبی از: عالم منطقه، استاندار یا فرماندار یا بخشدار، کمیته امداد، جهاد کشاورزی، تعاونی روستا، شورای استان و افرادی که در میان مردم محبوبیّت دارند تشکیل شود و

شیوه کار این گونه باشد که مسأله زکات

ص: ۳۶

طرح و تبلیغ شود و مردم زکات خود را نزد افراد مورد اطمینان جمع آوری کنند و زیر نظر عالم منطقه در همان منطقه و در راه هایی که

قرآن فرموده، هزینه شود.

در بعضی مقرّرات جمهوری اسلامی نیز چنین آمده که اگر مردم منطقه ای، به خصوص روستاها، پولی جمع آوری کردند، دولت نیز به همان اندازه به آن بودجه اضافه کند و در نیازهای مشروع همان منطقه مصرف شود. این حمایت دولت خود می تواند تشویقی برای انجام کار باشد. گرچه مردم مسلمان خود می دانند که انجام تکلیف شرعی و بهره گیری از برکات دنیوی و اخروی زکات نباید مشروط بر حمایت های این و آن باشد. یعنی

حتّی اگر دولت کمک نکرد ما باید به وظیفه خود عمل کنیم.

به هر حال هنوز در آغاز کاریم و از کوتاهی هایی که شده است عذرخواهی می کنیم.

از خداوند عذر می خواهم که چرا مسأله زکات را آن گونه که باید تبلیغ نکردم. اگر ما همان گونه که برای دفاع مقدس تبلیغ کردیم و بر اثر آن مردم جوانان خود را به جبهه ها فرستادند، مسأله زکات را جدّی می گرفتیم، بسیاری از مسلمانان به راحتی زکات مال خود را می پرداختند.

از فقرا و مساکین و همه گرفتارانی که می توانستند مشکلات خود را از طریق زکات حل کنند، عذرخواهی می کنم.

از قرآن که با آن همه عنایت مسأله زکات را تذکر داد و من بی اعتنا بودم، عذرخواهی می کنم.

خداوندا! من غافل شدم و فکرم را در بسیاری از مسائل غیرواجب صرف کردم، ولی واجبات که جزو ارکان اسلام بود، مورد غفلتم واقع شد.

خدایا! می توانستم با دعوت از هنرمندان، فیلم ها و سرودهایی درباره چگونگی حل مشکلات مناطق محروم از طریق زکات بسازم ولی غافل شدم. می توانستم به محضر علما بروم و با اصرار از آنان بخواهم که مسأله زکات را از نظر علمی و فقهی مورد بحث و دقت قرار دهند و مسأله زکات را در حوزه های علمی رونق ببخشم ولی غافل شدم.

خدایا! تو می دانی که اگر مردم به مسأله زکات و خمس عمل می کردند، ما از برکات آسمان و زمین محروم نمی شدیم. به هر حال رسماً استغفار و عذرخواهی می کنم و از خداوند آرزوی جبران غفلت های گذشته و از همه عاشقان برای انجام این امر مهم استمداد می کنم.

محسن قرائتی

ص: ۳۷

۲۵- زکات در ادیان پیشین آسمانی

زکات » زکات در ادیان پیشین آسمانی

زکات مخصوص اسلام نیست بلکه در ادیان پیشین نیز بوده است.

زکات و نماز از مشترکات همه ادیان آسمانی است.

حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به سخن آمد و گفت: «اَوصانی بالصّلوه و الزّکاه»(۱) خداوند مرا به نماز و زکات سفارش نموده است.

حضرت موسی علیه السلام خطاب به بنی اسرائیل فرمود: «اقیموا الصّلوه و آتوا الزّکاه»(۲) نماز به پا دارید و زکات دهید.

قرآن درباره حضرت اسماعیل علیه السلام می فرماید: «کان یأمر أهله بالصّلوه و الزّکاه»(۳) او خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

درباره عموم پیامبران نیز آمده است:

«و جعلناهم ائمّه یَهدون بأمرنا و أوحینا الیهم فعل الخَیرات و اقام الصّلوه و اِیتاء الزّکاه»(۴) آنان به فرمان ما مردم را هدایت می کردند و ما انجام کارهای نیک و به پا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم.

بر اساسِ آیه «و ما اُمروا الّا لیعبدوا اللّه... و یقیموا الصّلوه و یؤتوا الزّکاه و ذلک دین القیّمه»(۵) نیز، در تمام ادیان آسمانی، قرین و همتای نماز، زکات بوده است.

مرحوم علّامه طباطبایی در مبحثی پیرامون زکات می فرماید: هر چند قوانین اجتماعی به صورت کاملی که اسلام آورده، سابقه نداشته، لکن اصل آن ابتکار اسلام نبوده است. زیرا فطرت بشر به طور اجمال آن را درمی یافت. لذا در آیین های آسمانی قبل از اسلام و قوانین روم قدیم، جسته و گریخته چیزهایی درباره اداره اجتماع دیده می شود و می توان گفت که هیچ قومی در هیچ عصری نبوده، مگر آن که در آن حقوقی مالی برای

اداره جامعه رعایت می شده است. زیرا جامعه هر جور که بود در قیام و رشدش نیازمند هزینه مالی بوده است.(۶)

۲۶- زکات در اسلام

زکات » زکات در اسلام

واژه زکات سی و دو مرتبه در قرآن کریم آمده است؛ که بر اساس آن.

۱- ۱۲۶) سوره مریم، آیه ۳۱.

۲- ۱۲۷) سوره بقره، آیه ۴۳.

۳- ۱۲۸) سوره مریم، آیه ۵۵ .

۴- ۱۲۹) سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۵- ۱۳۰) سوره بیّنه، آیه ۵ .

۶- ۱۳۱) تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۴۰۸.

پرداخت زکات، نشانه ایمان به خدا و روز قیامت است. «مَن آمن باللّه و الیوم الاخر و اقام الصّلوه و آتی الزّکاه...»(۱)

راه پذیرش توبه و آمرزش گناهان، اقامه نماز و ادای زکات است. «فان تابوا و اقاموا الصّیلوه و آتوا الزّکاه فاخوانکم فی الدّین»(۲)

برپایی نماز و زکات، نشانه حکومت صالحان است. «الّذین ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصّلوه و آتوا الزّکاه»(۳)

نشانه مردان الهی، تجارت و داد و ستد، همراه با انجام نماز و ادای زکات است. «رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر اللّه و اقام الصلوه و ایتاء الزّکاه»(۴)

انکار زکات، برابر با کفر است. «الّذین لا یؤتون الزّکاه و هم بالآخره هم کافرون»(۵)

در سوره های مکّی فراوانی به مسأله زکات اشاره شده است، از جمله سوره های اعراف آیه ۱۵۶، نمل آیه ۳، لقمان آیه ۴، فصّلت آیه ۷. برخی مفسّران این آیات را مخصوص زکات مستحب می دانند(۶) و برخی دیگر می گویند: حکم زکات در مکه نازل شد، امّا به علت کمی مسلمانان، پول زکات جمع نمی شد و مردم خودشان زکات را می پرداختند.(۷) امّا پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، مسأله گرفتن زکات و واریز کردن آن به

بیت المال و تمرکز آن توسط حاکم اسلامی با نزول آیه «خُذ من أموالهم صَدقه»(۸) مطرح شد.

این آیه در ماه رمضان سال دوم هجری در مدینه نازل شده و پیامبر دستور داد تا ندا دهند که خداوند زکات را همچون نماز واجب ساخت. پس از یک سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاتشان را بپردازند.(۹)

در واقع پس از تشکیل حکومت اسلامی و تأسیس بیت المال، زکات تحت برنامه مشخصی قرار گرفت و نصابها و مقدارهای معیّنی برای آن قرار داده شد.(۱۰)

برخی بر این باورند که پس از مأموریّت پیامبر صلی الله علیه وآله به اخذ زکات، مصارف زکات به طور دقیق در آیه ۶۰ سوره توبه بیان گردید و جای تعجب نیست که تشریع اصل زکات در آیه ۱۰۳ سوره توبه باشد و ذکر مصارف آن در آیه ۶۰، زیرا می دانیم آیات قرآن به فرمان پیامبر صلی الله علیه وآله هر کدام در محل مناسبی قرار داده شده است.(۱۱)

۱- ۱۳۲) سوره توبه، آیه ۱۸.

۲- ۱۳۳) سوره توبه، آیه ۱۱.

۳- ۱۳۴) سوره حج، آیه ۴۱.

۴- ۱۳۵) سوره نور، آیه ۳۷.

۵- ۱۳۶) سوره فصّلت، آیه ۷.

۶- ۱۳۷) تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۹.

۷- ۱۳۸) تفسیر نور، ذیل آیه ۶۰ سوره توبه.

۸- ۱۳۹) تفسیر نور، ج ۵، ص ۸۷.

۹- ۱۴۰) تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۳۷.

۱۰- ۱۴۱) تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

۱۱- ۱۴۲) تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۹.

۲۷- تفاوت زکات در اسلام با ادیان دیگر

زکات » تفاوت زکات در اسلام با ادیان دیگر

با بررسی آیات و روایات درمی یابیم که زکات در اسلام مانند زکات در دیگر ادیان الهی نیست که صرفاً یک وصیّت و سفارش اخلاقی و موعظه باشد تا مردم به برّ و نیکی رغبت پیدا کنند و از بخل و امساک بپرهیزند، بلکه فریضه ای الهی است و بی اعتنایی به آن فسق است و منکر آن، کافر محسوب می شود.

در اسلام، موارد و شرایط زکات و کیفیّت ادای آن به طور دقیق مشخص شده و مسئولیّت اخذ آن بر عهده دولت اسلامی است وکسانی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، بازخواست می شوند و می توان با متمرّدین آن در صورتی که منجر به انکار ضروری دین گردد، مقابله کرد.(۱)

۲۸- اهمیّت زکات

زکات » اهمیّت زکات

علمای اسلام زکات را از ضروریات دین و منکر آن را کافر دانسته اند.

روزی امام صادق علیه السلام آداب و نحوه گرفتن زکات را که در نامه ۲۵ نهج البلاغه نیز آمده است، از قول حضرت علی علیه السلام نقل فرمود. سپس گریه کرد و فرمود: به خدا سوگند حرمت ها را شکستند و به کتاب خدا و سنّت پیامبرش عمل نکردند.(۲)

زکات، درمان دردهای اقتصادی جامعه است و همان گونه که اگر برای عضوی از بدن کسی ناراحتی پیش بیاید او را از حرکت می اندازد، در جامعه نیز اگر گروهی با مشکلات روبرو شوند، حرکت آن جامعه فلج می شود و زکات برای حلّ مشکلات جامعه است.

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند به من نعمت هایی داده است که دائماً نگران آن هستم تا حقوقی را که خداوند نسبت به آنها بر من واجب کرده است، پرداخت کنم. سؤال شد: شما نیز با آن مقام بزرگی که دارید به خاطر تأخیر زکات از خدا می ترسید؟ فرمود: بله.(۳)

۱- ۱۴۳) فقه الزکاه، دکتر یوسف القرضاوی، ج ۱، ص ۸۵ - ۸۶.

۲- ۱۴۴) وافی، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

۳- ۱۴۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۲.

رسول خدا صلی الله علیه وآله سوگند یاد کرد که جز مشرک کسی در مورد پرداخت زکات خیانت نمی کند.(۱)

و نیز فرمود: یا علی! ده گروه از امت من کافر می شوند که یکی از گروه ها کسانی هستند که زکات نمی پردازند.

در آخرین خطبه خود نیز فرمود:

ای مردم! زکات اموال خود را بپردازید. پس هر کس زکات نپردازد، برای او نه نمازی است و نه حجّی و نه جهادی.(۲)

در روایات متعددی زکات به عنوان یکی از پایه های دین اسلام شمرده شده است و فرموده اند: بنای اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، حج، زکات، روزه و ولایت.(۳)

در روایات می خوانیم: زکات، نشانه بی نقص بودن و کمال اسلام و ایمان است. «تمام اسلامکم اداء الزّکاه»(۴)، «... سبعه من کنّ فیه فقد استکمل حقیقه الایمان... و ادّی الزّکاه ماله»(۵)

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود: علامت و نشانه مؤمنان و شیعیان ما سه چیز است: نماز، روزه و زکات.(۶)

۲۹- معنای زکات

زکات » معنای زکات

زکات در لغت به معنای رشد و پاکیزگی است. آری دلسوزی برای محرومین و کمک به آنها سبب رشد معنوی انسان و پاک شدن روح از بخل و حرص و تکاثر است.

زکات در اصطلاح فقهی، به معنای پرداخت مقدار معیّنی از مال به محرومان و نیازمندان است.

زکات در قرآن، هم به معناب لغوی آمده است، چنانکه خداوند می فرماید: ما به حضرت یحیی از ناحیه خود رحمت و پاکی بخشیدیم و او فردی پرهیزکار بود. «و حَناناً من لدُنّا و زکاهً و کان تَقیّاً»(۷)

۱- ۱۴۶) بحار، ج ۹۶، ص ۲۹.

۲- ۱۴۷) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۰۷ .

۳- ۱۴۸) کافی، ج ۲، ص ۱۸ و وسائل، ج ۱، ص ۱۳.

۴- ۱۴۹) کنزالعمّال، ج ۶، ص ۹۶.

۵- ۱۵۰) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۵.

۶- ۱۵۱) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۵.

۷- ۱۵۲) سوره مریم، آیه ۱۳.

و هم به معنای اصطلاحی آمده که البتّه معنای عامی دارد و به کمک های واجب و مستحب هر دو گفته می شود.

۳۰- چه کنیم که مردم خمس و زکات مال خود را بپردازند؟

زکات » چه کنیم که مردم خمس و زکات مال خود را بپردازند؟

ابتدا باید به سراغ ریشه های اعتقادی و فکری و فرهنگی رفت:

اگر کسی باور کند مالی که در اختیار اوست، امانت و هدیه خدایی است،

اگر باور کند امتیازی بر دیگران ندارد و همه با هم برادرند،

اگر باور کند ارزش جذب دل محرومان، بیش از ارزش جمع مال است،

اگر باور کند دعای محرومان، مشکل های زندگی او را حل می کند،

اگر باور کند ممکن است فردا خودش یکی از محرومان جامعه باشد،

اگر باور کند که خدا جای آنچه را انفاق می شود، پر می کند،

اگر باور کند انفاق او همچون دانه ای است که تبدیل به خوشه های متعدد و صدها دانه می شود،

اگر باور کند فقیر، کمک مالی او را برای قیامتش حمل می کند،

اگر باور کند سیر شدن فقرا، یک لذّت معنوی و آرامش درونی به همراه دارد،

اگر باور کند کمک امروز او به صورت چهره زیبایی در برزخ مونس او خواهد بود،

اگر باور کند حل مشکل مسلمین، حل مشکل رسول خدا صلی الله علیه وآله است،

اگر باور کند بی تفاوتی نسبت به محرومان جامعه ممکن است سبب انفجار و انقلاب و از دست دادن کل اموال او شود،

اگر به آثار و برکات و پاداش های کمک به دیگران ایمان داشته باشد،

و اگر خطرات بی تفاوتی، کنزاندوزی، بخل و حرص را بداند و با تاریخ ثروتمندان بی تفاوت آشنا شود، خود را برای پرداخت خمس و زکات و انفاق و... آماده می کند.

اگر بدانیم خدایی از ما قرض خواسته و فرموده است: «مَن ذا الّذی یُقرِض اللّه قَرضاً حَسناً»(۱) که خزینه های آسمان ها و زمین به دست اوست، خواهیم فهمید که هدف از این قرض در حقیقت شکوفایی روحیه سخاوت و انسان دوستی در انسان

است.(۲) اگر ما همچون حضرت سلیمان دارایی های خود را از فضل خداوند بدانیم و بگوییم: «هذا من فضل ربّی»(۳)، هرگز در پرداخت خمس و زکات مال خود بخل نمی کنیم.

اگر ما نعمت های خداوند را وسیله رفاه و غفلت و سرمستی ندانیم، بلکه همان گونه که قرآن می فرماید: «لیبلونی ءاشکر ام اکفر»(۴)

۱- ۱۵۳) سوره بقره، آیه ۲۴۵.

۲- ۱۵۴) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳.

۳- ۱۵۵) سوره نحل، آیه ۴۰.

۴- ۱۵۶) سوره نحل، آیه ۴۰.

، آنها را وسیله آزمایش خود بدانیم که آیا با بکارگیری صحیح آنها شکر عملی نعمت های خدادادی را به جا می آوریم و یا کفران نعمت می کنیم،

اگر همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود، بدانیم که خداوند مسئولیّت افراد زمین گیر را به عهده متمکنین قرار داده است،

اگر بدانیم هستی ما و فکر و علم و قدرت و ابتکار و توفیقی که داریم، از خداوند است و حتّی در کشاورزی نقش ما تنها بذرافشانی و آبیاری است، امّا جذب آب توسط زمین و شکوفایی بذر در درون آن، جذب نور و هوا، شکفتگی زمین و خروج خوشه ها از خداست و به تعبیر قرآن: «ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون»(۱)، هرگز بخل نخواهیم ورزید.

اگر بدانیم دریافت کنندگان کمک های ما در ظاهر فقرا هستند، ولی در واقع خداوند است که صدقات را تحویل می گیرد، «یأخذ الصّدقات»(۲)، به راحتی کمک می کنیم و همان گونه که در روایات آمده دست خود را نیز می بوسیم.

اگر بدانیم بی اعتنایی به فقرا ما را به سرنوشت قارون ها گرفتار می کند که خود و خانه و سرمایه اش یک جا به زمین فرو رفتند، «فخسفنا به و بداره»(۳) این همه بخل در کار نخواهد بود. قارون می گفت: اموال من از خدا نیست، بلکه به وسیله علم و تخصص و ابتکار و نبوغ خودم، آن را به دست آورده ام. «انّما اُوتیتُه علی علم عندی»(۴)

اگر به داستان باغی که سوخت توجّه کنیم، خواهیم دید که چگونه باغ کسانی که تصمیم گرفتند فقرا را از نعمت های الهی محروم کنند، یک جا سوخت. «فاصبَحَت کالصَّریم»(۵)

اگر بدانیم بی توجّهی به یتیمان ممکن است سبب یتیم شدن فرزندان خود ما شود.

اگر بدانیم کمک های امروز ما در مواردی دو برابر و در مواردی چند برابر و در مواردی ده برابر و در مواردی هفتصد برابر می شود و به ما برمی گردد، هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر به سخن امام صادق علیه السلام ایمان داشته باشیم که فرمود: خداوند مهم تر از زکات چیزی را بر مردم سخت نگرفته است و بسیاری از مردم به خاطر نپرداختن آن هلاک شده اند، «ما فرض اللّه علی هذه الامّه شیئاً اشدّ علیهم من الزکاه و فیها تهلک عامتهم»(۶) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم آن که ما را از فقر آینده می ترساند، شیطان است: «الشیطان یعدکم الفقر»(۷)،

۱- ۱۵۷) سوره واقعه، آیه ۶۴.

۲- ۱۵۸) سوره توبه، آیه ۱۰۴.

۳- ۱۵۹) سوره قصص، آیه ۸۱.

۴- ۱۶۰) سوره قصص، آیه ۷۸.

۵- ۱۶۱) سوره قلم، آیه ۲۰.

۶- ۱۶۲) وافی، ج ۱۰، ص ۳۳.

۷- ۱۶۳) سوره بقره، آیه ۲۶۸.

هرگز از وسوسه های تهدیدآمیز شیطان نمی ترسیم.

اگر بـدانیم ما جانشـین خـدا هستیم و حیف است تنها به مادیّات راضـی باشـیم، هرگز به مادیّات دلخوش نمی شویم «أرضـیتم بالحیاه الدّنیا»(۱)

اگر بـدانیم ریشه جمع مال، پنـدار باطل ابـدی بودن آن است، «الّـذی جمع مالاً و عـدّده یحسب أنّ ماله أخلـده»(۲)، هرگز از پرداخت خمس و زکات طفره نمی رویم.

اگر بدانیم هر چه بیشتر داشته باشیم، مسئولیّت ما بیشتر است. خداوندی که به پیامبرش کوثر و خیر کثیر می دهد، برای او ذبح گوسـفند را کافی نمی دانـد، بلکه بایـد شتر نحر نماید.(۳) آری کسـی که بیشترین دریـافت را دارد، بایـد کمـک او نیز بیشتر باشد.

اگر بدانیم با پرداخت زکات، سلام و صلوات پیامبر را دریافت می کنیم، به راحتی زکات خواهیم داد. خداوند به پیامبرش می فرماید: زکات مردم را بگیر و بر آنها درود بفرست.(۴)

اگر بـدانیم حضـرت علی علیه السـلام انگشتر خود را در نماز به فقیر داد و حتّی صبر نکرد نماز تمام شود و اگر بـدانیم ارزش کمک به محرومان همچون بوسـیدن کعبه و حجر الأسود است، هرگز آن را به دیگری واگذار نمی کنیم و حتماً مسئولیّت آن را خودمـان به عهـده می گیریم. گاهی یاران امامان از آنان می خواسـتند که حمل غـذا به خانه فقرا را به آنان واگـذار نمایـد، ولی امامان معصوم ما نمی پذیرفتند.

اگر بدانیم که دوزخیان در پاسخ بهشتیان می گویند: یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ بی تفاوتی نسبت به فقرا بوده است، «و لم نک نطعم المسکین»(۵)، نسبت به آنان احساس مسئولیّت خواهیم کرد.

اگر باور کنیم که رسول خـدا صـلی الله علیه وآله فرمود: روزی برای شـما فرا خواهـد رسـید که از هر کس محتاج تر خواهید بود، هرگز بخل نخواهیم کرد.(۶)

اگر بـاور کنیم این سـخن خـدا را که فرمود: افراد بخیـل گمـان مبرنـد که اموالشـان برای آنـان خیر است، بلکه برای آنها شـر است،(۷)

اگر بـاور کنیم که قرآن می فرمایـد: آنچه نزد شـماست، نـابود می شود و آنچه برای خـدا و در راه او داده می شود، بـاقی می ماند، «ما عندکم ینفد و ما عند اللّه باق»(۸)

۱- ۱۶۴) سوره توبه، آیه ۳۸.

۲- ۱۶۵) سوره همزه، آیات ۲ - ۳.

۳- ۱۶۶) سوره کوثر، آیات ۱ - ۲.

۴- ۱۶۷) سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۵- ۱۶۸) سوره مدّثر، آیه ۴۴.

۶- ۱۶۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲.

۷- ۱۷۰) سوره آل عمران، آیه ۱۸۰.

۸- ۱۷۱) سوره نحل، آیه ۹۶.

اگر باور کنیم که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند فقرا را در اموال اغنیا شریک قرار داده است و نباید حق فقرا در غیر آنان هزینه شود،(۱)

اگر باور کنیم که خداوند از بنده اش می پرسد: آیا نسبت به فرمان من بخل می کنی؟! یا مرا متهم می کنی؟ یا گمان می کنی که من از جبران آنچه انفاق کرده ای عاجزم؟!، خود را برای کمک به محرومان آماده تر خواهیم کرد.(۲)

اگر بدانیم که نپرداختن زکات از گناهانی است که سبب ندامت و حسرت می شود(۳) و لحظه مرگ، انسان از خداوند می خواهد که به دنیا برگردد و حق فقرا را بدهد،(۴)

اگر بدانیم که زکات ندادن، انسان را از مدار ایمان واسلام خارج می کند،(۵)

اگر بدانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در سایه کعبه به ابوذر فرمود: کسانی زیانکارترند که زکات نمی دهند،(۶)

اگر بدانیم هر روز هزار فرشته، ثروتمندی را که زکات نمی دهد به آتش بشارت می دهند،(۷)

اگر بدانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله کسانی را که پرداخت زکات را خسارت می پندارند به انواع قهرهای الهی (باد سخت، زلزله و دگرگونی چهره) وعده داده است،(۸)

اگر بدانیم حضرت مهدی علیه السلام با کسانی که زکات مال خود را نمی پردازند مانند زناکارانِ همسردار برخوردکرده وگردنشان را می زند،(۹)

۱- ۱۷۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴۳.
۲- ۱۷۳) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲۵.
۳- ۱۷۴) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۸ .
۴- ۱۷۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۸ .
۵- ۱۷۶) من منع قیراطاً من الزکاه فلیس بمؤمن و لا مسلم». جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۸ .
۶- ۱۷۷) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۰۸ .
۷- ۱۷۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۳ .
۸- ۱۷۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۷ .
۹- ۱۸۰) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۴.

اگر بدانیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله سوگند یاد کردند که نپرداختن زکات خیانت به خدا و شرک است،(۱)

اگر بدانیم که خداوند نام کسانی را که زکات نمی دهند در میان نام مشرکان و کافران قرار داده است،(۲)

اگر بدانیم که زکات از ضروریات دین و انکار آن به منزله کفر است،(۳)

اگر بدانیم که در زمان ابوبکر با گروهی که زکات نمی دادند (به نام اصحاب ردّه) برخورد نظامی شد، بر علیه آن افراد لشگرکشی شد و حضرت علی علیه السلام نیز در آن جبهه شرکت فرمودند،(۴)

اگر بدانیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس حتّی اگر مقدار کمی از زکات خود را ندهد، یهودی یا نصرانی می میرد،(۵)

اگر بدانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرمود: مالی که زکات آن پرداخت نشده است، ملعون است، ملعون،(۶)

اگر بدانیم امام صادق علیه السلام به کسی که زکات نمی داد لقب سارق دادند،(۷)

اگر بدانیم دست کسانی که زکات نمی دهند در قیامت به گردنشان بسته می شود و با سخت ترین کلمات مورد توبیخ فرشتگان قرار می گیرند،(۸)

اگر بدانیم و باور کنیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله و اهل بیت معصومش علیهم السلام صحنه هایی از شکنجه تارکان زکات را در قیامت این گونه بیان کرده اند که مار بزرگی به گردن آنان آویخته می شود و این همان است که قرآن می فرماید: «سیطوق ما بخلوا»(۹) همان مالی که بخل شد، در قیامت طوق گردن می شود،(۱۰)

ص: ۴۶

۱- ۱۸۱) بحار، ج ۹۶، ص ۲۹.

۲- ۱۸۲) و ویل للمشرکین الذین لایؤتون الزّکاه و هم بالاخره هم کافرون». سوره فصّلت، آیه ۷.

۳- ۱۸۳) مبسوط شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۴- ۱۸۴) تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۱.

۵- ۱۸۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۳.

۶- ۱۸۶) وافی، ج ۱۰، ص ۴۴.

۷- ۱۸۷) وافی، ج ۱۰، ص ۴۴.

۸- ۱۸۸) وافی، ج ۱۰، ص ۴۰.

۹- ۱۸۹) سوره آل عمران ۷ آیه ۱۸۰.

۱۰- ۱۹۰) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۹.

اگر بـاور کنیم که قرآن می فرمایـد: روز قیـامت اموال کنز شـده را داغ می کننـد و بر پیشانی و پهلو و کمر کسانی که زکات نداده اند می گذارند و به آنان گفته می شود: این همان چیزی است که در دنیا ذخیره کردید و حق محرومان را نپرداختید،

اگر باور کنیم که نپرداختن زکات از گناهان کبیره ای است که خداوند در مقابل آن وعده عذاب داده است،

آری اگر این باورها را داشته باشیم، لحظه ای در پرداخت حق الهی درنگ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که زکات در برزخ در کنار نماز تجسم یافته و مونس انسان می شود، به راحتی آن را خواهیم پرداخت.(۱)

اگر بدانیم که با پرداخت زکات، پاداش های چندین برابری که تعداد و عمق آن را کسـی جز خدا نمی داند، دریافت خواهیم کرد،(۲) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که با پرداخت زکات درهای بهشت را به روی خود باز می کنیم،(۳) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بـدانیم که در قیـامت از کسـی که زکات مال خود را کامل می پردازد و در جای خود مصـرف می کنـد، نمی پرسـند که اموال خود را از کجا آورده ای،(۴) انگیزه پرداخت زکات زیاد خواهد شد.

اگر بـدانیم که پرداخت زکـات در دنیـا، کلیـد دریافت رحمت الهی در روزی است که از همه محتاج تریم و نپرداختن امروز، عامل بیشترین خسارت است،(۵) لحظه ای در پرداخت آن درنگ نخواهیم کرد.

اگر بـدانیم پـاداش هر دانه گنـدم و جو و امثـال آن که به قصـد زکـات داده می شود، قصـرهایی از طلا، نقره، لؤلؤ، زبرجـد، جواهر و نور است(۶)، لحظه ای در پرداخت آن دریغ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که زکاتِ عاشقانه کفّاره گناهان است(۷)، در پرداخت آن شتاب خواهیم کرد.

اگر بدانیم زکات دهنده در هر یک از آسـمان های هفت گانه به نام مقدسـی خوانده می شود، در آسمان اوّل به نام «سخیّ»، در آسـمان دوم «جواد»، در آسـمان سوم «معطی»، و در آسـمان های دیگر «مبارک»، «محفوظ»، «منصور» و «مغفور» نامیده می شود(۸)،

۱- ۱۹۱) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۶.

۲- ۱۹۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۳ .

۳- ۱۹۳) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۵.

۴- ۱۹۴) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳.

۵- ۱۹۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۲.

٦- ١٩٦) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٣٢.
٧- ١٩٧) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٣٣.
٨- ١٩٨) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٣٤.

هرگز این نام های نیک را به آسانی از دست نخواهیم داد.

اگر بدانیم سیر کردن فقرا، رمز سیر بودن در قیامت و سیراب کردن تشنگان، رمز سیراب شدن در قیامت و پوشاندن فقرا، رمز پوشیده بودن در رستاخیز است(۱)، تا آنجا که می توانیم با پرداخت خمس و زکات به گرسنگان و تشنگان و برهنگان خدمت خواهیم کرد.

۳۱- آثار زکات

زکات » آثار زکات

الف: آثار فردی زکات

درمان بخل

بخل عیبی است که عیوب دیگری را به دنبال می آورد. بی اعتنایی به مردم، سنگدلی، عذرتراشی، دروغ پنداشتن ادعای فقرا، از دست دادن دوستان خوب، سخت گیری نسبت به خود و بستگان، سوءظن به وعده های خداوند، تحقیر شخصیّت خود در جامعه، به جای توکل بر خدا توکل بر مال خود، گوشه ای از آثار بخل است.

قرآن می فرماید: افرادی که به فکر رستگاری خود هستند، باید خود را از این عیب دور بدارند: «و مَن یُوقَ شُحّ نفسه فأولئك هم المفلحون»(۲)

یکی از امامان معصوم را دیدند که از اول شب تا صبح در حالی که مشغول طواف کعبه بود، تنها یك دعا می کرد و آن این بود که خدایا! مرا از بخل دور بدار.(۳)

شاید مراد از آیه ۱۰۳ سوره توبه که به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله دستور می دهد: «خُذ من أموالهم صدقه... تطهرهم و تزکّیهم»، زکات مردم را بگیر و آنان را پاك کن، مراد پاك کردن مردم از بخل و حبّ دنیا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «من ادّی الزکاه... فقد وقی من الشح»(۴) هر کس زکات مال خود را بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است.

زکات، وسیله تقرّب انسان به خداوند است. «الزّکاه جعلت مع الصّلوه قرباناً لأهل الاسلام»(۵)

۱- ۱۹۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۸۴.

۲- ۲۰۰) سوره حشر، آیه ۹ و تغابن، آیه ۱۶.

۳- ۲۰۱) تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۴۶.

۴- ۲۰۲) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۴۸.

۵- ۲۰۳) وسائل، ج ۶، ص ۶.

زکات، پل اسلام است. «الزّکاه قنطره الاسلام»(۱)

زکات، بعد از شناخت دین و نماز، بالاترین ارزش هاست. «ما من شی ء بعد المعرفه و الصلاه یعدل الزّکاه»(۲)

زکات، نشانه بندگی خداست. «للعابد ثلاث علامات: الصّلوه و الصّوم و الزّکاه»(۳)

زکات، موجب رستگاری است. «قد أفلح من تزکّی»(۴)

برکت رزق

هر یک از کلمات «زکات» و «برکت» و واژه های مربوط به این دو، ۳۲ بار در قرآن آمده و این نشانه آن است که زکات، مساوی برکت است. آری بریدن شاخه های درخت انگور، در ظاهر کوتاه کردن درخت است، ولی در واقع سبب رشد آن می شود.

در قرآن می خوانیم: «یَمحق اللّه الرّبا و یُربی الصّدقات»(۵). خداوند ربا را محو می کند، ولی صدقات را رشد می دهد.

در روایات زیادی می خوانیم: «الزّکاه تزید فی الرّزق»(۶) زکات روزی انسان را زیاد می کند.

بیمه مال

امام کاظم علیه السلام فرمود: «حصّنوا أموالکم بالزّکاه»(۷) اموال خود را از طریق زکات بیمه کنید.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر حق خدا را بپردازید، من ضامن هستم که اموال شما در دریا و خشکی تلف نشود.(۸)

محبوبیّت نزد خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: محبوب ترین فرد نزد خداوند، سخاوت مندترین است و سخاوت مندترین مردم کسی است که زکات مال خود را بدهد و از آنچه که خدا در مال او واجب نموده است، در مورد مؤمنین بخل نکند.(۹)

تقرّب به خدا

۱- ۲۰۴) امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲- ۲۰۵) فروع کافی، ج ۴، ص ۶۲.

۳- ۲۰۶) بحار، ج ۹۶، ص ۶۲.

۴- ۲۰۷) سوره اعلی، آیه ۱۴.

۵- ۲۰۸) سوره بقره آیه ۲۷۶.

۶- ۲۰۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۲ و ۶۹.

۷- ۲۱۰) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۹.

۸- ۲۱۱) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۰ .

۹- ۲۱۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۵.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند زکات را همراه با نماز وسیله تقرّب به خود قرار داد.(۱)

دریافت رحمت خاص خداوند

در قرآن می خوانیم: «و رحمتی وسعت کل شی ء فساکتبها للّذین یتّقون و یؤتون الزکاه...»(۲) رحمت پروردگار بر هر چیزی گسترده است، ولی دریافت قطعی آن مخصوص کسانی است که اهل تقوی و زکات باشند.

خداوند می فرماید: «انّی معکم لئن اقمتم الصّلوه و آتیتم الزّکاه و آمنتم برسلی»(۳) اگر شما نماز را به پا دارید و زکات را پرداخت کنید و به پیامبران من ایمان آورید، قطعاً من با شما هستم.

باز شدن گره ها

قرآن می فرماید: «و امّا مَن اعطی و اتّقی و صَدّق بالحسنی فسنُیسّرِه للیُسری»(۴) هر کس بخششی نماید و پرهیزگار باشد و حقیقت را تصدیق نماید، ما کارهای مشکل او را آسان می کنیم.

کفّاره گناهان

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اللّه اللّه فی الزّکاه، فانّها تطفی ء غضب ربّکم»(۵) شما را به خدا، شما را به خدا درباره زکات (دقت کنید) که همانا زکات غضب پروردگار را فرو می نشاند.

خداوند می فرماید: اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید، من بدی های شما را می پوشانم.(۶)

خدایی شدن انسان

همان گونه که خداوند رحمت خود را بر همه گسترانده است، زکات دهنده لطف خود را بر فقرا سرازیر می کند و بدین گونه اخلاق خدایی را در خود شکوفا می کند و مظهر رحمانیّت پروردگار می شود.

رهایی از کیفر

۱- ۲۱۳) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳.
۲- ۲۱۴) سوره اعراف، آیه ۱۵۶ و توبه، آیه ۷۱.
۳- ۲۱۵) سوره مائده، آیه ۱۲.
۴- ۲۱۶) سوره لیل، آیه ۷.
۵- ۲۱۷) وسائل، ج ۶، ص ۱۰.

۶– ۲۱۸) سوره مائده، آیه ۱۲.

کفّار، بـا توبه و نمـاز و زکـات می تواننـد خود را از کیفر برهاننـد. قرآن می فرمایـد: «و ان تابوا و اقاموا الصّلوه و آتوا الزّکاه فخلّوا سبیلهم»(۱)

گشایش برای مردگان

شخصـی به امـام صـادق علیه السـلام گفت: برادرم از دنیـا رفته است و زکـات زیـادی به عهـده اش بود، من آنهـا را پرداخت کردم، امام فرمود: با این عمل مشکل او برطرف می شود.(۲)

استجابت دعا

در روایتی می خوانیم: هر کس می خواهـد دعـای او مسـتجاب شود، لقمه خود را حلال کنـد و یکی از راه های حلال کردن لقمه، پرداخت حق خـدا از خمس و زکات است. امام صادق علیه السـلام فرمود: اگر حق آنچه را که خداوند رزق شـما کرده است بپردازید، باقیمانده آن برای شما طیّب و حلال است. «یطیب اللّه لکم بقیّته»(۳)

قبولی نماز

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: زکات اموال خود را بپردازید تا نمازتان قبول شود. «زکّوا اموالکم تقبل صلاتکم»(۴)

جاودانگی اموال

زکات در حقیقت ذخیره قیامت می شود، بنابراین مال فانی را جاودانه می کند. کامیابی های احتمالی و موقت و پردردسر دنیا را می توان از طریق پرداخت زکات به کامیابی های قطعی و دائمی و بی دردسر تبدیل نمود.

زندگی شیرین

امام صادق علیه السـلام فرمود: اگر مردم حقوق خود را ادا کنند، قطعاً در زندگی شـیرینی به سـرخواهند برد: «لوانّ الناس ادّوا حقوقهم لکانوا عایشین بخیر»(۵)

خواب راحت

به امـام معصوم گفتنـد: فلانی در خواب به مشـکلات و ناگواری هایی برمی خورد، حضـرت فرمود: این به خاطر آن است که زکات خود را در راه صحیح مصرف نمی کند.(۶)

۱- ۲۱۹) سوره توبه، آیه ۵.

۲- ۲۲۰) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۲۳.

٣- ٢٢١) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٥٣ .
٤- ٢٢٢) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٢٩.
٥- ٢٢٣) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٧٠.
٦- ٢٢٤) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٢٧٣.

ب: آثار اجتماعی زکات

برادری

قرآن در یک جا می فرماید: مؤمنان با یکدیگر برادرند: «انّما المؤمنون اخوه»(۱) و در جایی دیگر می فرماید: هر گاه مخالفان شما توبه کننـد و نماز به پا دارنـد و زکات بپردازند، آنها هم برادر دینی شـما می شوند: «فان تابوا و اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه فاخوانکم فی الدین»(۲) بنابراین شرط برادری، در کنار توبه و نماز، پرداخت زکات است.

ایجاد یا تعمیق روابط

در آداب دوستی، صـدها روایت به چشم می خورد که آنچه سـبب ایجـاد دوستی یا تعمیق وتوسـعه آن می شود، خوش نیّتی، خوش رفتـاری، انصـاف، کرم، ایثـار، سـخاوت، احسـان، محبت، زهـد، صـله رحم، هـدیه وتفقّـد از یکـدیگر می باشـد که در پرداخت زکات همه آن آثار به روشنی نهفته است.

کینه زدایی

بـا پرداخت زکـات، کینه محرومـان برطرف و به محبت و دوسـتی تبـدیل می شـود و این محبت و دوسـتی در تعـاون و یـاری یکدیگر و تولید بهتر و بیشتر و حفاظت از دستاوردهای جامعه اسلامی نقش مهمی دارد.

به صحنه کشاندن واماندگان

فقر و گرسـنگی، انسان را به انزوا و گوشه گیری و بـدبینی و ناامیـدی و حقارت پـذیری می کشانـد، امّا زمانی که با پرداخت خمس و زکـات و سـایر انفاقـات مشـکلات اقتصـادی مردم حـل شود، تلاـش، نشـاط، دلسوزی و حضور مردم در صـحنه های مختلف بیشتر می شود.

تقویت بنیه دینی مردم

امـام رضـا علیه السـلام فرمود: فلسـفه و دلیل پرداخت زکـات، قوت فقرا و... و تقویت آنان و کمک رسانی در امور دینی آنها است.(۳)

از محل زکات می توان مدارس، کتابخانه ها، مساجد و سایر مراکز دینی و فرهنگی را ایجاد نمود و یا آنچه را که قبلاً احداث شـده است، توسـعه داد و بـا دعوت از کارشـناسان دینی و علمـا و اساتیـد مناطق دیگر، پایگاه علمی و اعتقادی مردم را تقویت نمود.

ایجاد همدلی در جامعه

۱- ۲۲۵) سوره حجرات، آیه ۹.

۲- ۲۲۶) سوره توبه، آیه ۱۱.

۳- ۲۲۷) وافی، ج ۱۰، ص ۵۱

پرداخت زکات، دل ها را به هم نزدیک می کند و جامعه را برای حل همه مشکلات آماده می سازد. اگر فقرا خود را در سود اغنیا شریک بدانند، در برابر نابسامانی ها و مشکلات و آفات با تمام توان به پا خواهند خاست و تا آنجا که بتوانند در حل مشکلات کوشش خواهند نمود.

زکات دهنده علاوه بر کسب رضای خداوند و برکات معنوی و اخروی، دل های دیگران را نیز به سوی خود جذب می کند و به خاطر همین محبوبیّتی که در جامعه پیدا می کند، دیر یا زود از حمایت های مردمی در امور مختلف برخوردار می شود.

آری بعضی از افراد سرمایه خود را با خرید جمادات (خانه، ماشین، مزرعه، فرش، لباس و...) هزینه می کنند تا شاید بتوانند دل های مردم را به خود جذب کنند، ولی از آنجا که دل های مردم در اختیار خداوند است، این دسته افراد معمولاً در جامعه منفور دیگرانند، امّا کسانی که بخشی از سرمایه خود را (به جای جمادات) در راه نجات انسان ها، رشد استعدادهای فراموش شده، تأمین هزینه ازدواج و مسکن و کارآموزی به

افرادی که صاحب حرفه نیستند، صرف میکنند، هم در تمام ارزش ها و پاداش هایی که بر اثر آن کمک های خالصانه به دست می آید خود را شریک می کنند و هم محبت و حمایت مردم را در اختیار خواهند داشت. در اینجا باید ببینیم آیا گروه اوّل عاقلند که با صرف هزینه در خرید جمادات خود را منفور خلق و خالق می کنند، یا بندگان خالص خدا که با پرداخت حقوق الهی، خود را محبوب خالق و خدا می نمایند. آری، اغنیا

می توانند عقل و لیاقت خود را با انتخاب یکی از این دو راه بیازمایند.

تربیت نسل پاک

در بسیاری از کتاب های تربیتی و روان شناسی، به هسته مرکزی تربیت که انتخاب همسر و لقمه حلال است، کمتر توجّه شده است. اسلام برای تربیت نسل آینده، به مسأله انتخاب همسر و پس از آن به نقش لقمه حلال بسیار توجّه و تأکید دارد.

پرداخت زکات، سبب پاک و حلال شدن رزق است و لقمه ها را از حق محرومان پاک می کند و نقش لقمه پاک در جامعه و نسل آینده از طریق گرایش به خوبی ها و کمالات و تنفّر از بدی ها بر کسی پوشیده نیست.

دفع بلا از امّت

در قرآن می خوانیم: «و لولا دفع اللّه النّاس بعضهم ببعض لفسدت الأرض و لکن اللّه ذو فضل علی العالمین»(۱)

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمود: قطعاً خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می دهند، انواع بلاها و خطرات را از سایرین نیز دفع می کند و اگر زکات این گروه نبود، همه یکجا نابود می شدند.(۲)

۱- ۲۲۸) سوره بقره، آیه ۲۵۱.

۲- ۲۲۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۶ .

فقرزدایی

یکی از مسایل مهم جامعه، وجود فقر و گرسنگی و سایر کمبودها است که یکی از راه های مبارزه با آن، توجّه جدی به مسأله پرداخت خمس و زکات و انفاقات است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «فما جاع فقيرٌ الاّ بما منع غنی و اللّه سبحانه و تعالی سائلهم عن ذلك»(۱) هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به خاطر آن که توانمندی حق خدا را نمی پردازد و خداوند در روز قیامت توانمند را به همین دلیل بازخواست خواهد کرد. در روایات متعدد می خوانیم: اگر مردم زکات مال خود را بپردازند، فقیری باقی نمی ماند.(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ محتاج و گرسنه و برهنه ای در جامعه وجود نخواهند داشت، مگر به خاطر گناهان اغنیا.(۳)

ایجاد اشتغال

یکی از مسائل مهم جامعه، وجود بیکاری است که زمینه ساز انواع فسادهاست. اگر مردم خمس و زکات خود را بپردازند، چرخ های اقتصاد به گردش در می آید و بخش مهمی از افراد بیکار شاغل خواهند شد. همان گونه که از طریق مضاربه یا قرض الحسنه می توان ایجاد اشتغال کرد، از طریق پرداخت خمس و زکات و یا بخشش های بلاعوض و یا ایجاد زمینه های تحصیل برای بیسوادها و کم سوادها و آموزش فن و حرفه و تأسیس و توسعه

مراکز فرهنگی و احداث جادّه ها و پل ها و آبادانی های دیگر نیز می توان ایجاد اشتغال کرد. بنابراین در احیای خمس و زکات، حلّ مسأله اشتغال و توسعه اقتصادی و فرهنگی و پر کردن ایّام فراغت و جلوگیری از مفاسدی که در اثر بیکاری به چشم می خورد، نهفته است. به علاوه کار و اشتغال سبب دلگرمی به مکتب، به امّت، به نظام اسلامی و سبب شکوفایی استعدادها و نبوغ ها و مانع انواع افسردگی های فرد و جامعه

است و در مقابل آن بیکاری باعث تبهکاری، افسردگی، سوءظن، رکود، ایجاد عقده و زمینه ساز انواع فتنه ها و آشوب ها است که اگر شعله آن برافروخته شود، همه را در خود می سوزاند. شاید به همین دلیل باشد که در قرآن جمله «لا تلقوا بأيديكم الى التّهلكه»(۴) یعنی خودتان را با دست خود به هلاکت نیندازید، بعد از دستور انفاق مطرح شده است.

آری اگر در جامعه، مردم در قالب خمس و زکات و سایر کمک ها دست از انفاق بردارند و بر فقرا فشار وارد شود، این فشارها تبدیل به آشوب و فتنه ای می گردد که فقیر و غنی در آن می سوزند.

وسیله اقتدار امّت

۱- ۲۳۰) سفينه البحار، ج ۳، ص ۴۷۴.

۲- ۲۳۱) وافی، ج ۱۰، ص ۵۰ .

۳- ۲۳۲) وافی، ج ۱۰، ص ۵۰ .

۴- ۲۳۳) سوره بقره، آیه ۱۹۵.

اگر کمبودها از طریق مالیات های اسلامی و خمس و زکات تأمین شود و افراد جامعه به یک نوع رفاه نسبی دست یابند، دل ها نسبت به هم مهربان می شود، نیروها متمرکز می گردند و همه پشتیبان یکدیگر خواهند بود. چنین جامعه ای دارای صلابت و اقتدار خواهد بود و در مقابل هر وعده و وعید و یا هر تهدید و تطمیعی بیمه می شود. بخصوص که در پرداخت خمس وزکات قصد قربت در کار است وهیچ گونه تحقیر ومنّتی روانیست.

آری، جبران کمبودها از طرف پرداخت کنندگان مخلص و اجرای این امر الهی از طریق مراجع دینی محبوب ومتّقی، سبب آرامش و دلگرمی و اتّصال به علمای ربّانی خواهد شد که این امر خود وسیله اقتدار و عزّت ملّی و اسلامی است.

البتّه ممکن است مؤسسات خیریه یا افراد نیکوکار از طریق صندوق ها و بانک ها کمک هایی به محرومان اختصاص دهند، امّا مگر تنها هدف اسلام سیر کردن گرسنگان است؟ در طراحی و مهندسی اسلام، علاوه بر رسیدگی به فقرا آثار و اسرار زیادی نهفته است، از جمله اینکه:

اولاً: کمک کنندگان نیّت خالص داشته باشند و هیچ گونه ریا، خودنمائی، شهرت طلبی در کار آنها وجود نداشته باشد و انتظار مدح و ستایش و جبران از کسی نداشته باشند.

ثانیاً: مالی که می پردازند از جنس مرغوب، عالی، حلال وبی منّت باشد.

ثالثاً: نحوه پرداخت آگاهانه، عاشقانه، آزادانه باشد.

این شرایط در تربیت افراد مؤثر است و اتّصال آنان را به عالم ربانی که مرزبان مکتب اسلام است، روشن می کند و سبب یک اقتدار معنوی می شود زیرا هم سر و کار پرداخت کنندگان و هم سر و کار گیرندگان با علمای ربّانی خواهد بود.

کم شدن مفاسد اجتماعی

هم ازدیاد سرمایه زمینه ساز فساد است که با پرداخت خمس و زکات ثروت ها تعدیل و مفاسد مهار می شود و هم فقر ممکن است زمینه وقوع سرقت، دریافت رشوه، خیانت و امثال آن شود که دریافت خمس و زکات و... این زمینه را می خشکاند و از بین می برد. بنابراین پرداخت خمس و زکات، در مهار مفاسد اجتماعی نقش مهمی دارد.

حفظ آبروی فقرا

در بسیاری از موارد فقر آبروی انسان را در جامعه در معرض خطر قرار می دهد و خمس و زکات، فقر را از بین می برد و آبروی انسان ها را حفظ می کند. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی که در خط فکری ما نیست، از دنیا رفته و اطفال فقیری را به جا گذاشته است، آیا می توانیم از زکات به آنها بدهیم؟

فرمود: بله، آن اطفال گرسنگانی هستند که تقصیری ندارند و باید آبرو و موقعیّت آنان در جامعه حفظ شود و زندگی آنها تا رسیدن به حدّ بلوغ و رشد لازم تأمین گردد. امّا، اگر این اطفال بالغ شدند

و حق را فهمیدند ولی با لجاجت دست از آن کشیدند، از زکات به آنها ندهید. (سزاوار نیست زکات از افراد مؤمن گرفته و به منحرفین لجوج داده شود).(۱)

تعدیل ثروت

خمس و زکات، گامی برای مهار ثروت ها است.

اسلام از یک سو دست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاّق را در مالکیّت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه، اختلاس و... را ممنوع دانسته است و از سوی دیگر به مالکین درآمدهای حلال اجازه نمی دهد تا درآمد خود را هرگونه که خواستند مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت اندوزی نهی فرموده است و از طرف دیگر با واجب نمودن خمس و زکات و کفّارات و سفارش اکید

به انواع کمک ها و صدقات، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

جذب دیگران

اسلام، مصرف زکات را برای هشت گروه قرار داده است که یکی از آنها، سرشناسانی هستند که اگر حمایت های مالی از آنان به عمل آید، ابتدا خودشان و سپس قوم آنان به اسلام جذب می شود.

البتّه این جذب، مقدمه گرایش های فکری، فرهنگی و اعتقادی است، همچون جاذبه هایی که برای فرزندان در روزهای اول مدرسه ایجاد می شود و بدین وسیله ابتدا آنان را با مدرسه آشنا می کنند و سپس نماز علمی و فکری آنان در مدرسه و دانشگاه تأمین می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سهمی از زکات را به رؤسای قبایل می داد و در هر زمان ولیّ امر مسلمین می تواند این کار را انجام دهد.(۲)

از همین سهم که به نام «المؤلّفه قلوبهم» در قرآن مطرح شده است، می توان مقداری به مسلمانان ضعیف الایمانی پرداخت کرد که اگر به حال خود رها شوند، تبعات و وسوسه های دشمنان در آنان ایجاد شک می نماید. اسلام برای پایداری آنان در دین، مشکلات اقتصادی آنان را حل می کند و این کار مقدمه ای برای انس بیشتر با مکتب خواهد بود.(۳)

ج: آثار ترک زکات

۱- ۲۳۴) جامع الأحاديث، ج ۹ص ۲۸۵.
۲- ۲۳۵) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۲۴.
۳- ۲۳۶) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۲۴. تلف شدن اموال

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما ضاع مال فی البرّ و لاالبحر الّا بتضییع الزّکاه»(۱) هیچ مالی در خشکی یا دریا ضایع نمی شود، مگر به خاطر آنکه زکات آن پرداخت نشده است. آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند: «حصّنوا اموالکم بالزّکاه و أنا ضامن لکل ما یتوی فی برّ او بحر بعد اداء حق اللّه فیه»(۲) اموال خود را از طریق پرداخت زکات بیمه کنید و اگر بعد از پرداختن زکات مالی تلف شد، من ضامن آن هستم.

خسارت دو برابر

در روایات می خوانیم: «من مَنَعَ حقّاً للّه أنفق فی باطل مثلیه»(۳) کسی که حق خدا را نپردازد و در راه حق مال خود را صرف نکند، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد.

هزینه در راه اشرار

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «من مَنَعَ ماله من الأخیار اختیاراً صرّف اللّه ماله فی الأضرار اضطراراً»(۴) کسی که مال خود را از مصرف در راه خوبان با اختیار خود باز دارد، خداوند مال او را در راه اشرار با اجبار صرف خواهد نمود.

هزینه در راه گناه

امام صادق علیه السلام فرمود: «و اعلم أنه من لم ینفق فی طاعه اللّه ابتلی بان ینفق فی معصیه اللّه و من لم یمش فی حاجه ولیّ اللّه ابتلی بان یمشی فی حاجه عدوّ اللّه»(۵) آگاه باشید، کسی که مال خود را در راه اطاعت خداوند صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خداوند گرفتار می شود و هر کس در حل مشکلات ولیّ خدا گامی برندارد، خداوند او را بر تلاش و حرکت در راه حلّ مشکلات دشمن خدا گرفتار می کند.

کمبود و قحطی

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «لاتزال امّتی بخیر ما تحابّوا و اقاموا الصلوه و اتوا الزّکاه فاذا لم یفعلوا ذلک ابتلوا بالقحط و السنین»(۶) امّت من تا مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و اهل نماز و زکات باشند در خیر و سعادت به سر می برند، ولی اگر این گونه نباشند، گرفتار قحطی می شوند.

محروم شدن از تولیت و تعمیر مراکز دینی

قرآن می فرماید: مشرکان حقّ تعمیر مساجد را ندارند، بلکه تعمیر وآباد کردن آن تنها سزاوار کسانی است که اهل نماز وزکات وشجاعت باشند.(۷)

۱- ۲۳۷) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۰ .

۲- ۲۳۸) جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۵۰.
۳- ۲۳۹) وافی، ج ۱۰، ص ۴۲.
۴- ۲۴۰) بحار، ج ۹۶، ص ۱۳۰.
۵- ۲۴۱) وسائل، ج ۶، ص ۲۵.
۶- ۲۴۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۸.
۷- ۲۴۳) سوره توبه، آیه ۱۸.

رفع برکت از زمین

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «اذا مُنِعَت الزکاه مَنَعت الأرض برکاتها»(۱) هر گاه زکات پرداخت نشود، زمین برکات خود را از مردم باز می دارد و در حدیث دیگری می خوانیم: اگر توانگران زکات مال خود را نپردازند، خداوند باران رحمت خود را از مردم باز می دارد.(۲)

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می خوانیم: اگر زکات پرداخت نشود، برکت از کشاورزی و میوه ها و معادن برداشته می شود.(۳)

مرگ چهارپایان

امام رضا علیه السلام فرمود: «اذا حُبست الزکاه ماتت المواشی»(۴) هر گاه زکات پرداخت نشود، چهارپایان می میرند.

محروم شدن از رحمت

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حق خداوند را از مالش نپردازد، سزاوار است که خداوند رحمت خود را از او دریغ کند.(۵)

اخراج از مسجد

امام باقر علیه السلام فرمود: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وارد مسجد شدند و با جمله «قم یا فلان، قم یا فلان» پنج نفر را از مسجد اخراج کردند و فرمودند: شما که زکات نمی دهید از مسجد بیرون بروید.(۶) آری نمازگزار واقعی بخیل نیست. «اذا مسّه الخیر منوعاً الاّ المصلّین»(۷)

علامت نفاق

در آیه ۶۷ سوره توبه که سیمای منافقان را بیان می کند، می فرماید: «المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض... یقبضون ایدیهم نَسُوا اللّه فنسیهم»(۸) آنان دست خود را از کمک به دیگران می بندند و (این گونه) خدا را فراموش می کنند، خدا نیز با آنان رفتار فراموش شدگان را انجام می دهد.

قبول نشدن نماز و عبادات

ص: ۵۸

۱- ۲۴۴) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۲.
۲- ۲۴۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۲.

۳- ۲۴۶) کافی، ج ۲، ص ۳۷۴.
۴- ۲۴۷) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۳ .
۵- ۲۴۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۵۷ .
۶- ۲۴۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۱.
۷- ۲۵۰) سوره معارج، آیه ۲۱ - ۲۲.
۸- ۲۵۱) سوره توبه، آیه ۶۷.

در روایات می خوانیم: «ایّها النّاس ادّوا زکاه اموالکم فمن لا یزکّی لا صلوه له و من لا صلوه له لا دین له»(۱) قبولی تمام اعمال، وابسته به قبولی نماز است و قبولی نماز وابسته به پرداخت زکات است.

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند نماز و زکات را قرین و مقرون یکدیگر قرار داد و نماز بی زکات پذیرفته نیست.(۲)

حضرت موسی علیه السلام جوانی را دید که نماز با حالی می خواند، به خداوند گفت: چه نماز زیبایی دارد! به او وحی شد نماز او زیباست ولی این جوان بخیل است و زکات نمی پردازد و تا زمانی که زکات ندهد، نمازش قبول نیست.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نماز کسی که زکات نمی پردازد همچون لباس کهنه در هم پیچیده و به صورت نمازگزار پرتاب می شود.(۳)

هم ردیف رباخواران

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مانع الزّکاه کآکل الرّبا»(۴) کسی که زکات ندهد همچون رباخوار است.

پرداخت نکردن زکات، خیانت، شرك ونوعی سرقت است، در حدیث می خوانیم: «ما خان اللّه احدٌ شیئاً من زکاه ماله الاّ مشرك باللّه»(۵) چنانکه سه نوع سارق داریم که یکی از آنان کسی است که زکات نمی دهد.(۶)

۳۲- مصارف زکات

زکات » مصارف زکات

مصرف زکات باید دقیق و به جا و در مواردی که خداوند دستور داده است باشد. در روایات می خوانیم: اگر زکات در جای خود مصرف نشود، انسان ضامن است.(۷)

قرآن بعد از آنکه موارد هشتگانه مصرف زکات را در آیه ۶۰ سوره توبه بیان می کند، در پایان می فرماید: «فریضهً من اللّه و اللّه علیم حکیم». در هر یک از کلمات فریضه، علیم و حکیم نکته ای نهفته است:

«فریضه»، یعنی تقسیم زکات واجب است و آن را جدی بگیرید.

ص: ۵۹

۱- ۲۵۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۰.
۲- ۲۵۳) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۰.
۳- ۲۵۴) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۰ و ۳۳.
۴- ۲۵۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۶۳.
۵- ۲۵۶) بحار،ج ۹۶، ص ۲۹.

۶- ۲۵۷) تهذیب، ج ۱۰، ص ۱۵۳.
۷- ۲۵۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۴۷.

«علیم حکیم» یعنی خداوند می داند که حل مشکلات فقرا و نابسامانی ها در سایه انجام صحیح واجبات الهی و تقسیم صحیح زکات است، بنابراین مصارفی که در قرآن برای زکات آمده عالمانه و حکیمانه است و اگر زکات در جای خود مصرف نشود، برخلاف علم و حکمت است.

در برخی روایات آمده است: اگر زکات در جایی مصرف شود که مورد نهی خداوند باشد، پروردگار آن را قبول نخواهد کرد.(۱)

قرآن درباره تقسیم زکات می فرماید: «انّما الصّدقات للفقراء و المساکین و العاملین علیها و المؤلّفه قلوبهم و فی الرّقاب و الغارمین و فی سبیل اللّه و ابن السّبیل فریضه من اللّه و اللّه علیم حکیم»(۲)

همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درراه ماندگان و کارگزاران زکات و جلب دلها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه جهاد) در راه خدا و تأمین در راه مانده است، این دستور، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است.

با توجّه به این آیه، زکات در هشت مورد قابل مصرف است:

اوّل و دوم: «الفقراء و المساکین» فقرا و مساکین

امام صادق علیه السلام در تفاوت فقیر ومسکین فرمودند: فقیر، نیازمندی است که از دیگران درخواست کمک نمی کند، ولی مسکین کسی است که به خاطر فشار فقر، از مردم درخواست کمک می کند.(۳) شاید دلیل آنکه حضرت درباره فقیر فرمودند: کسی است که سؤال نمی کند، آیه ۲۷۳ بقره باشد که می فرماید: «للفقراء الّذین احصروا فی سبیل اللّه» تا آنجا که می فرماید: «یحسبهم الجاهل اغنیاء من التّعفف» فقرا همان کسانی

هستند که به خاطر عفّت وسؤال نکردن از دیگران، بی خبران آنان را اغنیا می پندارند.

ناگفته نماند شرط فقیر و مسکین بودن بیکاری نیست، چه بسا افرادی دارای شغل و کار و سهم یا سهامی باشند، ولی درآمد آنان کفایت مخارج زندگی آنها را نمی کند.

قرآن درباره آن کشتی که حضرت خضر آن را سوراخ کرد، می فرماید: صاحبان کشتی جمعی از مساکین کارگر بودند. «و امّا السفینه فکانت لمساکین یعملون فی البحر»(۴)

اسلام فقرزدایی را در رأس مصارف زکات قرار داده است. اگر نگاهی به آیات و روایات و سیره پیامبر اکرم و اهل بیت معصومش علیهم السلام بیاندازیم، اهمیّت مسأله را بهتر و بیشتر درک خواهیم کرد. به چند نمونه توجّه کنیم:

۱- ۲۵۹) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۴۷.

۲- ۲۶۰) سوره توبه، آیه ۶۰.

۳- ۲۶۱) وافی، ج ۱۰، ص ۱۶۴۰.

۴- ۲۶۲) سوره کهف، آیه ۷۹.

قرآن می فرماید: در قیامت بهشتیان از دوزخیان می پرسند چه چیز سبب دوزخی شدن شما شد؟ آنان در پاسخ می گویند: «و لم نک نطعم المسکین»(۱) ما به فکر گرسنگان نبودیم.

حتّی اگر انسان مال و ثروتی ندارد، نمی تواند در برابر نیازمندان بی تفاوت باشد، بلکه باید دیگران را به کمک کردن تشویق و وادار کند و گرنه مورد توبیخ واقع می شود. «و لاتحاضّون علی طعام المسکین»(۲)

قرآن رسیدگی به گرسنگان و فقرا را، طی کردن گردنه های آزمایش می داند.(۳)

توجّه به گرسنگان، اختصاص به گرسنگان مسلمان ندارد، بلکه باید همه مردم جامعه سیر باشند. حضرت ابراهیم پس از بنا کردن خانه کعبه، در دعای خود گفت: «و ارزق اهله من الّثمرات من آمن منهم» پروردگارا از مردم مکه هر کس ایمان دارد او را روزی ده. خداوند فرمود: من کفّار گرسنه را نیز رزق می دهم. «و من کَفَرَ فامتّعه قلیلًا»(۴)

سیر کردن گرسنگان عبادتی است که امامان ما و اهل بیت علیهم السلام شخصاً انجام می دادند و برای این کار کسی را نایب نمی گرفتند. در تاریخ می خوانیم که در کیفر و جریمه کفّار سخاوتمند، تخفیف داده می شد. نه تنها انسان ها که به حیوانات و گیاهان نیز باید رسیدگی شود تا آنجا که در حدیث می خوانیم: سیراب کردن درخت تشنه همچون سیراب کردن مسلمان تشنه است.

در اسلام، توجّه به گرسنگان تا آنجا مهم است که اگر گرسنه ای نان مردم را سرقت کرد، به عنوان دزدی دستش قطع نمی شود.

و اگر شخصی غذای مردم را در انبار خود احتکار نمود و با تذکرات حاکم اسلامی بیدار نشد، حکومت اسلامی می تواند با او برخورد انقلابی کرده و گندم را از انبار او خارج کند.

سوّم: «العاملین علیها» کارگزاران زکات

یکی از مصارف زکات، کسانی هستند که برای جمع آوری، تقسیم و حفظ اموال زکاتی، تلاش می کنند(۵). آری، همان گونه که زندگی قاضی باید تأمین شود تا به فکر گرفتن رشوه نیفتد، زندگی دست اندرکاران مسأله زکات نیز باید به نحوی تأمین شود و حتّی اگر بی نیازند باید سهمی از زکات به آنان پرداخت شود(۶) و بدین وسله مورد تشویق و محبت دیگران قرار گیرند تا به خاطر توسعه در زندگی به فکر رفتار ناروا نیفتند.

۱- ۲۶۳) سوره مدّثر، آیه ۴۴.

۲- ۲۶۴) سوره فجر، آیه ۱۸، همچنین حاقّه، ۳۴، ماعون، ۳.

۳- ۲۶۵) سوره بلد، آیه ۱۱.

۴- ۲۶۶) سوره بقره، آیه ۱۲۶.

۵- ۲۶۷) وافی، ج ۱۰، ص ۱۶۵.

۶- ۲۶۸) تحریر الوسیله، امام خمینی (ره).

حضرت علی علیه السلام پس از سفارشاتی که به کارگزاران مسأله زکات می کند، می فرماید: اگر به این سفارشات عمل کنید، قطعاً به پاداش بزرگتری خواهید رسید و به کمالی که در شأن شماست نزدیک خواهید شد، زیرا خداوند به اموال زکاتی و به شما کارگزاران امر زکات و به تلاش و دلسوزی که نسبت به حاکم اسلامی و فقرای تحت پوشش او دارید، نگاه لطف و مرحمتی دارد و هر کس که مورد نظر و لطف خداوند قرار بگیرد، در

بهشت با ما خواهد بود.(۱)

چهارم: «المؤلّفه قلوبهم» تألیف قلوب

سهمی از زکات باید در راه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام و دعوت دیگران به دین اسلام از راه ایجاد روابط حسنه و جذب قلوب آنان مصرف شود. از قدیم گفته اند هر گردوئی گرد است، ولی هر گردی گردو نیست. هر مؤمنی مسلمان هست، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. بسیارند کسانی که مسلمان هستند، یعنی از شرک دورند و در مدار توحید قرار گرفته اند، ولی در مرحله ضعیفی از ایمان قرار دارند، اسلام برای آنکه دست این افراد را

بگیرد و به مراحل بالاتر ببرد، راه هایی را مطرح کرده است؛ از جمله سهمی از زکات برای کمک یا توسعه در زندگی آنان صرف شود تا با این عمل معرفت و شناخت در جان آنان تثبیت شود. کسانی که با اسلام داغ شده اند، باید با محبت ها پخته شوند، زیرا هر داغی سرد می شود، ولی هر پخته ای دیگر خام نمی شود.

کسانی که به اسلام وارد شده اند: «یدخلون فی دین اللّه»(۲) با این گونه رفتارها و محبّت ها، اسلام در درون جان آنان جای گیرد.

آری، فرق است میان کسانی که داخل در اسلام شده اند با کسانی که اسلام و ایمان در روح آنان داخل شده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «مؤلّفه قلوبهم» گروهی هستند که توحید را پذیرفته و از مدار شرک خارج شده اند، ولی هنوز معرفت پیامبر صلی الله علیه وآله در قلبشان رسوخ نکرده است. پس باید سهمی از زکات صرف این گونه افراد شود تا محبت و معرفت در آنان تثبیت شود.(۳)

امروزه ابرقدرت ها با فرستادن کتاب ها، کشیش ها، کارشناس ها، دعوت نامه ها، بورسیه ها، هیأت های علمی و فنّی و صدها راه دیگر برای توسعه فکر خود و سلطه گری، سایه شوم خود را بر کشورها گسترش داده اند، سفرها کردند، کنگره ها گرفتند، توطئه ها کردند، افرادی را با پول خریدند، به اسم جهانگرد وجب به وجب سرزمین های ما را گشتند و به اسم کارشناس فنی، اقتصاد ما و به اسم کارشناس نظامی، قوای

مسلح ما را زیر نظر گرفتند و بدتر از همه اینکه از بودجه خود ما علیه

۱- ۲۶۹) وافی، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

۲- ۲۷۰) سوره فتح، آیه ۲.

۳- ۲۷۱) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴۲.

خود ما استفاده کردند، ولی متأسفانه مسلمانان با داشتن ده ها فرمان به سیر و سفر، به هجرت و تبلیغ، به فراگیری علوم از شرق و غرب، از گهواره تا گور و از زمین تا ثریا در خواب غفلت فرو رفته اند.

فراموش نکنیم که حضرت علی علیه السلام در روزهای آخر عمر مبارکشان با ناله می فرمود، مبادا دیگران در عمل به اسلام از شما جلو بیفتند.

اگر ما امروز با پرداخت حق الهی دل افراد ضعیف را جذب کنیم، تمام توطئه ها و تبلیغات و تهاجمات دشمن را خنثی خواهیم کرد.

پنجم: «فی الرّقاب» آزادی بردگان

سهمی از زکات برای آزادسازی بردگان است. در طول تاریخ، درگیری، جنگ، قتل و اسارت وجود داشته و آنچه مهم است بررسی سرچشمه ها، هدف ها و نتایج این نزاع ها است. اسلام انگیزه جنگ ابتدایی و جهاد را رفع فتنه و دفع موانع برای دعوت مردم به حق می داند و برای همه امور جنگ و از جمله اسیران، برنامه ها و آداب بسیار عالی و حکیمانه دارد.

بردگان معمولاً کسانی هستند که در جبهه جنگ با مسلمانان، اسیر شده اند که در باره آنان چند طرح را می توان تصور کرد:

۱- تمام اسیران را یکجا بکشیم که این کار با عاطفه و عقل و رأفت سازگار نیست.

۲- تمام آنان را یکجا آزاد کنیم. این عمل سبب می شود که آنان دوباره تجدید قوا کنند و به جنگ ما بیایند.

۳- آنان را در اردوگاه ها نگهداری کنیم. این کار سبب تحمّل هزینه زیاد و باری بر دوش جامعه اسلامی است.

۴- اسرا را در میان مسلمین تقسیم کنیم و پس از مدتی به تدریج آزاد نمائیم که این طرح اسلام و دارای امتیازاتی است. از جمله:

الف: در این طرح هزینه اسرا در میان مسلمین تقسیم می شود و فشاری بر نظام وارد نمی گردد.

ب: اسرا در میان توده امّت اسلامی با برنامه های اسلام آشنا می شوند و بسیاری از آنان دست از کفر و شرک برمی دارند. در تاریخ نام بسیاری از بردگانِ مسلمان شده که منشأ آثار و برکات و به دست گرفتن مسئولیّت های حساس شده اند، آمده است تا آنجا که مادر شش امام معصوم ما، از کنیزان بوده اند و فرزندان بسیاری از بردگان در زمره نوابغ قرار گرفته اند.

لذا کفّاره روزه خوردن و یا بسیاری اعمال ناروای دیگر، آزاد کردن بردگان قرار داده شده سهمی از زکات نیز برای خرید بردگان و آزاد کردن آنان اختصاص داده شده است.

ششم: «الغارمین» بدهکاران

سهمی از زکات برای بدهکارانی است که توان پرداخت بدهی خود را ندارند. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «ایّما مؤمن او مسلم مات و ترک دَیناً لم یکن فی فساد و لا اسراف فعلی الامام ان یقضِه فان لم یقضه فعلیه اثم ذلک»(۱) بر امام و حاکم اسلامی است که بدهی کسانی را که بدهکارند و بدهی آنان به خاطر اسراف و فساد نیست، از سهم زکات پرداخت نماید و در غیر این صورت گناهکار است.

چه بسیارند افراد آبرومندی که به خاطر بدهی، گرفتار وام های با بهره (ربا) می شوند و هر روز بدهی آنان اضافه می گردد و به تدریج ورشکست شده و به فروش خانه و مغازه و ماشین خود مجبور می شوند و آبروی چندین ساله آنان یکجا فرو می ریزد و فرزندانشان تحقیر می شوند. اگر هر یک از احکام الهی درست عمل شود، مشکلات جامعه حل می شود. خدای علیم و حکیم، از علم و حکمت بی نهایت خود دستور داد تا بخشی از سهم

زکات صرف پرداخت بدهی بدهکاران شود.

بدهکاری که امروز گیرنده زکات است، همچون پیچ و مهره زنگ زده ای است که اگر کمی روغن به آن برسد، دوباره به حرکت درمی آید و فعالیّت های اقتصادی خود را از سرگرفته و چه بسا در فاصله کمی، خودش هم از زکات دهندگان شود.

هفتم: «فی سبیل اللّه» در راه خدا

یکی از مصارف زکات، کارهای عامّ المنفعه است که رنگ الهی داشته باشد، یعنی خداپسندانه و به مصلحت عموم مردم باشد. همچون ساخت مدارس، مساجد، مسکن برای محرومان، درمانگاه، پل و یا کمک به ازدواج جوانان، کمک به زلزله زده ها، جنگ زده ها، یا کمک به کتابخانه ها، تبلیغات اسلامی، تعظیم شعائر اسلامی، اصلاح و آشتی میان مسلمین، ایجاد اشتغال برای بیکاران، آموزش حرفه و فن برای کسانی که تخصص ندارند

و ده ها نمونه دیگر.(۲)

یکی از امتیازات دین اسلام آن است که هرگز بن بست ندارد و در کنار کارهای مشخص و رسمی، انواع کارهای داوطلبانه و آزاد را نیز قرار داده است:

اگر هفده رکعت نماز واجب و رسمی داریم، بیش از سیصد نوع نماز مستحبی داوطلبانه داریم.

اگر سفر حج در ایام مخصوص است، سفر عمره در هر ماه جایز است.

اگر خواندن سوره حمد در نماز واجب است، بعد از آن خواندن بیش از صد سوره دیگر آزاد است.

اگر روزه در ماه رمضان رسمی است، در تمام ایام سال (غیر از عید فطر و قربان) روزه گرفتن داوطلبانه و اختیاری است.

اگر خمس و زکات به مقدار معینی واجب شده است، پرداخت انواع صدقات و انفاقات بستگی به اراده پرداخت کننده و

شرائط دیگر دارد.

ص: ۶۴

۱- ۲۷۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۵۹.

۲- ۲۷۳) تحریر الوسیله، امام خمینی (با اضافات).

اگر در مصرف زکات نامی از بدهکاران، بردگان، فقرا و کارگزاران زکات آمده است، مورد «فی سبیل اللّه» دست را باز گذاشته است که هر کار خداپسندانه دیگر را نیز می توان انجام داد.

ممکن است در زمانی کار خداپسندانه ساختن آب انبار باشد و در زمان دیگر لوله کشی آب. اگر در زمانی چاپ کتاب راه خداست،ممکن است در شرایط و زمان دیگر کار خداپسندانه امر دیگری باشد. بنابراین عبارت «فی سبیل اللّه» هر کار خیری را دربرمی گیرد.

هشتم: «ابن السّبیل» در راه مانده

«ابن السّبیل» یعنی فرزند راه، یعنی کسی که در وطن خود فقیر نیست، ولی در سفر به مناطق دیگر به خاطر تصادف، دزدی، بیماری، گرانی و یا هر امر دیگر نیاز به کمک دارد که اگر مورد حمایت قرار نگیرد، جان یا آبروی او در معرض خطر قرار می گیرد و نیاز مالی از یک سو و احساس غربت از سوی دیگر، فشار روحی و روانی خاصّی بر او وارد می کند. مکتب زنده اسلام که در تمام برنامه هایش به مسأله جان و مال و آبرو و

شخصیّت افراد توجّه خاصی دارد، در اینجا نیز با اختصاص سهمی از زکات، هم آبرویشان را حفظ می کند وهم دغدغه آنان را برطرف می نماید.

۳۳- آیا مصرف زکات تنها در هشت مورد ذکر شده است؟

زکات » آیا مصرف زکات تنها در هشت مورد ذکر شده است؟

در آیه ۵۸ سوره توبه، منافقان پیامبر عزیز را در مورد نحوه مصرف زکات سرزنش کرده و می گفتند: چرا زکات جمع آوری شده را فقط در موارد خاص مصرف می کند. خداوند می فرماید: انتقاد و کنایه آنان بر اساس منافع شخصی است، اگر مقداری از زکات به آنان داده شود راضی می گردند و اگر داده نشود، عصبانی می شوند. «و منهم من یلمزك فی الصّدقات فان اُعطوا منها رضوا و ان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون»

و در آیه بعد می فرماید: اگر این منافقان (به جای انتقاد و انتقام)، به آنچه خدا و رسول به آنان عطا کرده بود، راضی بودند و می گفتند خداوند ما را کفایت می کند، و در آینده خدا و رسول از فضلش به ما لطف خواهند کرد، برایشان بهتر بود.

سپس آیه ۶۰، با صراحت و قاطعیّت مصرف زکات را در هشت مورد منحصر کرده است.

ما این آیه را به صورت یک تقسیم ریاضی ترسیم می کنیم که جمله صدقات، مقسوم و هشت مورد مصرف، مقسوم علیه باشد و اینک باید شاهد خارج قسمت باشیم که بیانگر چهره نظام اسلامی است.

آری، اگر نظام اسلامی مقداری از اموال اغنیا و پردرآمدها را بگیرد و در مصارف هشت گانه ای که ذکر شده است مصرف کند، جامعه اسلامی به جامعه ای تبدیل می شود که در آن زندگی فقرا تأمین شده است، دل ها جذب و نیروهای اسیر آزاد

شده اند، مهره های ورشکسته اقتصادی به حرکت درآمده، انواع کارهای عامّ المنفعه و خداپسندانه صورت گرفته و گرفتاران و درراه ماندگان نجات یافته اند.

ص: ۶۵

در جمله پایانی آیه به دو نکته مهم اشاره می شود: یکی این که تقسیم زکات بر هشت گروه از طرف خداوند واجب شده است: «فریضهً من اللّه» و دیگر جایی برای چانه زدن نیست.

دوّم اینکه سرچشمه این قانون و این نحوه تقسیم، علم و حکمت الهی است: (و اللّه علیم حکیم)

آری، اگر مبنای قانون، اطلاعات محدود بشری، خواسته ها، یافته ها، بافته ها، عادات و رسوم، شرایط سیاسی و اجتماعی، قبیله ای و قومی باشد، جای تردید و اظهارنظر هست که چرا زکات در هشت مورد مصرف شود ولی قانونی که برخاسته از علم و حکمت بی نهایت الهی است و مطابق با عقل و فطرت و نیازهای واقعی بشر در تمام عصرها و نسل هاست، باید با عشق پذیرفته شود و همان گونه که در انجام دستورات پزشک متخصص چون

و چرا نمی کنیم، باید در انجام فرامین الهی نیز تسلیم باشیم.

اگر گفته شود نیازهای افراد یا جوامع در شرایط مختلف تفاوت دارد، پس آیا بهتر نبود مصرف زکات را خود ما تعیین می کردیم؟

در پاسخ می گوییم:

در آیه ای که مصارف هشت گانه زکات مطرح شده است، عبارت «فی سبیل اللّه» به کار رفته که معنای آن این است که زکات را می توان در راه خدا مصرف کرد و راه خدا در هر زمان می تواند مصداق و جلوه ای داشته باشد. گاهی مصداق راه خدا، تأمین امکانات ازدواج برای افراد بی همسر است و گاهی ایجاد شغل برای افراد بیکار، گاهی هم فراهم کردن زمینه برای تحصیل افراد متعهّد. بنابراین تأمین نیازهای واقعی فرد و

جامعه از هر نوع که باشد، مصداق «فی سبیل اللّه» به حساب می آید.

۳۴- آیا زکات باید به هشت قسمت مساوی تقسیم شود؟

زکات » آیا زکات باید به هشت قسمت مساوی تقسیم شود؟

در آیه شصت سوره توبه برای زکات هشت مصرف نام برده شده که عبارتند از: فقرا، مساکین، دست اندرکاران دریافت زکات، هزینه جذب دل ها، خرید و آزاد کردن بردگان، کمک به بدهکاران، هزینه کردن در کارهای خداپسندانه و عام المنفعه، کمک به مسافرانی که در راه به مشکلات برمی خورند. در اینجا سؤالی مطرح است و آن اینکه آیا باید زکات در این موارد یکسان هزینه شود؟

پاسخ را از امام صادق علیه السلام می شنویم: امام از شخصی به نام عمرو بن عبید می پرسد: زکات مال خود را چگونه تقسیم می کنی؟ گفت: به هشت جزء مساوی. امام فرمود: ممکن است تعداد یک صنف (مثلاً فقرا) ده هزار نفر، ولی تعداد صنف دیگر چند نفری بیشتر نباشد. گفت: بله، ولی تقسیم من یکسان است. امام فرمود: این عمل تو خلاف راه و روش پیامبر است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در تقسیم زکات، مصلحت اندیشی

می فرمودند.(۱)

ص: ۶۶

۱- ۲۷۴) تفسیر کنزالدّقائق، ج ۵، ص ۴۸۰

آری، زکات از بودجه های حکومت است و باید دست حاکم اسلامی در نحوه مصرف آن باز باشد.

۳۵- چرا در جامعه فقیر وجود دارد؟

زکات » چرا در جامعه فقیر وجود دارد؟

فقر انواعی دارد: گـاهی به خـاطر تن پروری است. گـاهی به دلیـل نادانی است. گاهی به جهت حقارت و خودکم بینی است. گاهی به طور طبیعی است. گاهی هم انتخابی است.

آنجا که ریشه فقر، تن پروری، جهل، حقارت، استعمار و استثمار باشد، اسلام به شدّت از آن انتقاد کرده است، ولی در جایی که فقر انتخابی باشد، یعنی انسان زندگی ساده و زاهدانه ای را انتخاب می کند تا گرفتار ثروت اندوزی، جمع مال، حفظ مال، بخل و حرص نشود، در نظر اسلام این فقر ارزش است.

آنچه مربوط به بحث زکـات می شود، فقر طبیعی است. یعنی فرد، تمام تلاش خود را کرده است، امّا به دلایل مختلف درآمد او کفاف زندگیش را نمی دهد و یا اصولاً امکان کار و تلاش ندارد، از کار افتاده است و یا سرپرست خانواده در اثر سانحه یا به مرگ طبیعی از دنیـا رفته و خـانواده اش درآمـدی ندارنـد. این فقر بر اسـاس تن پروری، جهل، حقارت، اسـتعمار و اسـتثمار نیست. اینجا یک آزمایش الهی برای فقیر و غنی است که

فقیر چه مقـدار صبر می کنـد و غنی چه مقـدار بـذل می کند. اسـلام برای حلّ این نوع فقر دسـتوراتی از قبیل پرداخت خمس، زکات، انفاق، صدقه و... داده است.

بنابراین کسـی نمی تواند بگوید که نظام دینی، ابتدا جامعه را به دو قطب فقیر و غنی تقسـیم کرده و سـپس سفارش به انفاق و خمس و زکـات می نمایـد، بلکه این امری طبیعی است که بر اسـاس تفـاوت اسـتعدادها، ابتکارات و گاهی مقـدّرات حکیمانه الهی جامعه به دو گروه تقسیم می شود، ولی این تفاوت ها با دستورات واجب یا مستحب جبران می شود.

۳۶- به چه کسانی نباید زکات بدهیم؟

زکات » به چه کسانی نباید زکات بدهیم؟

در این بحث با توجّه به روایات، کسانی که حق گرفتن زکات ندارند، معین شده اند، از جمله:

۱- کسانی که می تواننـد بدون مشـقّت حرفه ای بیاموزند و از طریق آن امرار معاش کنند.(۱) امام باقر علیه السلام فرمود: «ان الصّدقه لاتحلّ... لذی مرهٍ سوی قویٍ»(۲) افراد تندرست و قوی، نباید زکات بگیرند و نباید به آنها زکات داد.

آری، در جامعه افرادی با این که قدرت بر کار کردن دارند، به خاطر تن پروری خود را مشمول زکات می پندازند.

۲- به کسی که شارب خمر است، زکات ندهید.(۳)

۱- ۲۷۵) تحریر الوسیله، امام خمینی(ره).

۲- ۲۷۶) وافی، ج ۶، ص ۱۷۴.

۳- ۲۷۷) وافی، ج ۶، ص ۱۹۲.

۳- به کسانی که سرسختانه و با علم و آگاهی با مسلمین عناد می ورزند و نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام کینه و لجاجت دارند، زکات ندهید.(۱)

۴- در روایت می خوانیم: به افراد ناصبی نیز زکات ندهید، مگر آن که از زبان او بترسید و از طریق زکات بتوانید دین و آبروی خود را حفظ کنید.(۲) و همچنین نااهلانی که از طریق شعر و تهمت و امثال آن آبروی دیگران را مخدوش می کنند.(۳)

۵ – امام رضا علیه السلام فرمود: به کسانی که انحراف آنان نسبت به اهل بیت روشن و شناخته شده است، زکات ندهید.(۴)

۶- به کسانی که تحت سرپرستی و واجب النفقه فرد هستند، زکات نمی رسد. «و کلّ من هو فی نفقتک فلا تعطه»(۵)

۷- به افراد غَنیّ، زکات پرداخت نمی شود.(۶)

۸ – به صاحبان حرفه زکات نمی رسد.(۷)

۹- به کسانی که انحراف عقیده دارند، مثلاً واقفیّه و هفت امامی هستند، زکات پرداخت نمی شود.(۸)

البتّه پرداخت کمی از زکات به گروهی که در راه حق نیستند ولی با حق هم لجاجتی ندارند، بلامانع است.(۹)

---

۱ – ۲۷۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۰.

۲- ۲۷۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۷۹.

۳- ۲۸۰) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۰.

۴- ۲۸۱) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۷۷.

۵- ۲۸۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۶۷.

۶- ۲۸۳) وافی، ج ۱۰،ص ۱۶۰.

۷- ۲۸۴) وافی، ج ۶، ص ۱۷۴.

۸- ۲۸۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۷ – ۲۷۹.

۹- ۲۸۶) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۸۰.

۳۷- آداب پرداخت زکات

زکات » آداب پرداخت زکات

برای کمک به فقرا، آداب فراوانی ذکر شده است که مراعات آنها ارزش کار را بالا می برد، از جمله:

ادب روحی و روانی

پرداخت زکات بایـد برخاسـته از رضایت قلبی و طیب خاطر باشد. رسول خدا صـلی الله علیه وآله فرمود: «من اعطی زکاه ماله طیبهً بهـا نفسه اعطـاه اللّه بکل حبّهٍ منها قصـراً فی الجنّه من ذهب...»(۱) هر کس زکات مال خود را عاشـقانه بدهـد در برابر هر دانه گندم و جوی که می پردازد، قصری در بهشت دریافت می کند.

حضـرت علی علیه السلام فرمود: اگر پرداخت زکات با رضایت قلبی همراه نباشد، فرد گرفتار پشیمانی و از دست دادن پاداش عمل خواهد شد.(۲)

نکته دیگر این که زکات دهنـده توجّه داشـته باشـد که هر چه دارد از خداوند است و پرداخت زکات، او را به خودپسـندی و غرور که سبب نابودی عمل است نکشاند. قرآن درباره آبادکنندگان مساجد که اهل نماز و زکاتند، می فرماید: «فعَسی اولئک ان یکونوا من المهتدین»(۳) امیـد است که از هـدایت شدگان باشـند. آری، گاهی عبادات انسان، به خاطر غرور و عجب نابود می شود و انسان را به کمال مطلوب نمی رساند.

ادب اجتماعی

گر چه در ظـاهر، زکات به شـخص فقیر پرداخت می شود، ولی در حقیقت این خداونـد است که زکات را دریافت می کنـد. «یقبل التّوبه عن عباده و یأخـذ الصّدقات»(۴) پیامبر و امام و فقیر، نماینـده و دست خـدا هسـتند و لـذا باید کمال احترام به آنان گذاشته شود.

امام صادق علیه السـلام از یکی از یاران خود پرسید: زکات مال خودت را چه می کنی؟ گفت: فقرا نزد من می آیند و به آنها پرداخت می کنم. امام فرمود: این کار تو سبب ذلّت فقرا است و هر کس دوست خدا را ذلیل کند، گویا در کمین جنگ با او نشسته است.(۵) آری به جای آنکه فقرا برای دریافت زکات به در خانه تو آیند، تو باید زکات را به منزل آنان ببری.

در حـدیث دیگر می خوانیم: اگر گیرنـده زکات از این که بفهمد آنچه به او می دهید زکات است، رنج می برد، زکات را به او بدهید ولی نگویید که این زکات است و مؤمن فقیر را ذلیل نکنید.(۶)

در حـدیث دیگر می خوانیم: اگر شخصـی احسـاس کنـد که بهتر است به جای پرداخت پول به فقرا، برای آنان لباس و جنس دیگری خریداری کند، می تواند به جای پرداخت نقدی، لباس و جنس برای

۱- ۲۸۷) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۲.

۲- ۲۸۸) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۴.

۳- ۲۸۹) سوره توبه، آيه ۱۸.

۴- ۲۹۰) سوره توبه، آيه ۱۰۴.

۵- ۲۹۱) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۵۱.

۶- ۲۹۲) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۵۱.

فقرا خریداری کند. «... اشتری لهم ثیابا و طعاما و ادّی انّ ذلک خیر لهم لا بأس»(۱)

اسلام برای حفظ آبروی فقیر می فرماید: «لا یعطی احدٌ اقلّ من خمسه دراهم»(۲) کمتر از پنج درهم به او ندهید.

امام خمینی قدس سره می فرماید: اگر شخصی از گرفتن زکات شرمنده می شود، مستحب است هنگام پرداخت در قلب نیّت زکات کنید، ولی در عمل آن را به عنوان هدیه پرداخت نمایید.(۳)

نه تنها هنگام پرداخت زکات باید آبروی مردم را مراعات کرد، بلکه بعد از آن نیز نباید با منّت گذاشتن، گیرنده زکات تحقیر شود، چنانکه قرآن می فرماید: «لاتبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی»(۴) منّت و آزار، سبب بطلان پاداش می شود.

اگر بدانیم که فقیر مأمور الهی است تا مال ما را پاک کند و آن را برای قیامت حمل کند، با او برخورد کریمانه ای خواهیم داشت.

در اسلام احترام گذاشتن به فقرا به قدری مهم است که در تاریخ می خوانیم: جنس کمی را نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آوردند. حضرت آن مقدار کم را به بعضی از فقرا داد، ولی نگران شد که مبادا در دل دیگر فقرا کدورتی ایجاد شود. نزد سایر فقرا آمد و رسماً عذرخواهی کرد که چون مال کم بود به همه نرسید و فرمود: به کسانی دادم که حساسیّت آنان بیشتر بود.(۵)

ادب زمانی

رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: از اخلاق مؤمنین، سرعت در پرداخت زکات است.(۶)

سرعت در پرداخت زکات برکاتی دارد از جمله:

الف: نشانه عشق و علاقه نسبت به انجام تکالیف الهی است.

ب: فقیر در اثر تأخیر پرداخت، آبروی خود را با سؤال و درخواست نمی ریزد.

۱- ۲۹۳) وسائل، ج ۶، ص ۱۱۵.
۲- ۲۹۴) بحار، ج ۹۶، ص ۷۹.
۳- ۲۹۵) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹۱.
۴- ۲۹۶) سوره بقره، آیه ۲۶۴.
۵- ۲۹۷) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۱۲.
۶- ۲۹۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۹.

ج: راه را به روی وسوسه های شیطان و افراد بخیل یا پیش آمد حوادثی که ممکن است مانع پرداخت شوند، می بندد.

د: فقرا از اضطراب و دغدغه و دلهره، زودتر نجات می یابند.

امام صادق علیه السلام به مناسبت آیه «و آتوا حقّه یوم حصاده»(۱) فرمود: قبل از آنکه محصول خود را به خانه ببرید، زکاتش را بدهید که به سخاوت نزدیک تر است.(۲)

پرداخت علنی

نکته دیگر در آداب پرداخت زکات آن است که علاوه بر کمک های مخفیانه ای که نشانه اخلاص و حفظ آبروی گیرندگان است، باید گاهی از اوقات پرداخت ها آشکار باشد تا هم دیگران تشویق شده و کمک کردن به دیگران جزء فرهنگ جامعه شود و هم انسان به بخل و بی تفاوتی متهم نشود. امام صادق علیه السلام فرمود: «کلما فرض اللّه علیک فاعلانه افضل من اسراره»(۳) هر چه را خداوند واجب نموده است، علنی انجام دهید.

بوسیدن دست

حضرت علی علیه السلام فرمود: «اذا ناولتم السائل فلیُردّ الّذی ناواه یده الی فیه فیُقبّلها فانّ اللّه تعالی یأخذ قبل أن تقع فی یده»(۴) هر گاه با دست خود به فقیری کمک کردید، همان دست را ببوسید چون در حقیقت خداوند کمک شما را دریافت کرده است.

درخواست دعا از گیرنده

در روایات می خوانیم که دعای فقیر در حق کسی که به او کمک می کند مستجاب می شود، لذا از فقیر تقاضا کنید تا در حق شما دعا کند.(۵)

پرداخت در مسجد

هنگامی که یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله اموالشان به مقدار نصاب می رسید، زکاتشان را به مسجد می آوردند و حضرت در همان مکان زکات جمع شده را میان فقرا تقسیم می فرمودند.(۶)

۱- ۲۹۹) سوره انعام، آیه ۱۴۱.
۲- ۳۰۰) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۹۵.
۳- ۳۰۱) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۴۰.
۴- ۳۰۲) محجّه البیضاء، ج ۱۲، ص ۹۳.

۵- ۳۰۳) زکات در اندیشه ها، ص ۲۲.

۶- ۳۰۴) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۸۶. دوری از گناه

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: هر کس زکات مال خود را به مستحق بدهد و نماز را با شرایط و حدود معین شده انجام دهد و بعد از نماز و زکات گناهی که سبب بطلان عملش شود انجام ندهد، در روز قیامت همه به او غبطه می خورند.(۱)

پرداخت از حلال

خداوند پاک و طیّب است و جز مال پاک را نمی پذیرد.(۲)

گروهی قبل از اسلام آوردن درآمدهای ناحقی داشتند، هنگامی که اسلام آوردند خواستند آن اموال نامشروع را صدقه بدهند که پیامبر اجازه نفرمود.(۳)

امام حسین علیه السلام فرمود: صدقه دل پسند صدقه ای است که انسان با عرق پیشانی و غبار صورت آن را به دست آورد و به فقرا بپردازد.(۴)

پرداخت از مال مرغوب

قرآن می فرماید: «لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا مما تحبون»(۵) به نیکی نمی رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید، در راه خدا انفاق کنید.

قرآن از مشرکانی که در تقسیم مال خود بخش های ناپسند را سهم خداوند قرار می دادند، انتقاد می فرماید. «یجعلون للّه ما یکرهون»(۶)

آری این عمل یک نوع بی ادبی نسبت به مقام پروردگار است.(۷)

قرآن می فرماید: «انفقوا من طیّبات ما کسبتم و ممّا اخرجنا لکم من الأرض و لاتیمّموا الخبیث منه»(۸) از اجناس دل پسندی که به دست آورده اید و یا ما برای شما از زمین بیرون آورده ایم، به دیگران انفاق کنید و هرگز به فکر انفاق از مال نامرغوب نباشید.

بر اساس روایات، در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله گروهی بدترین نوع خرما(۹) را به فقرا می دادند و قرآن با جمله «و لا تیمّموا الخبیث منه» آنان را از این عمل بازداشت.(۱۰)

برداشت محصول در برابر چشم مردم

۱- ۳۰۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳.

۲- ۳۰۶) محجّه البیضاء، ج ۳، ص ۸۹ .

۳- ۳۰۷) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۸۴.

۴- ۳۰۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۸۶.

۵- ۳۰۹) سوره آل عمران، آیه ۹۲.

۶- ۳۱۰) سوره نحل، آیه ۶۲.

۷- ۳۱۱) محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۸۹ .

۸- ۳۱۲) سوره بقره، آیه ۲۶۷.

۹- ۳۱۳) خرمایی بود که هسته آن بزرگ ولی گوشت آن کم بود.

۱۰- ۳۱۴) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۸۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: محصولات کشاورزی خود را شبانه برداشت نکنید، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «و آتوا حقه یوم حصاده»(۱) یعنی حق محرومان را در روز برداشت بدهید و فرمود: اگر شما محصول خود را شبانه برداشت کنید، فقرا اطلاع پیدا نمی کنند و گرسنه می مانند و شما از برکات پرداخت زکات محروم می مانید.(۲)

۳۸- چگونگی پرداخت زکات

زکات » چگونگی پرداخت زکات

آیا بهتر است زکات را مردم با دست خود و مستقیماً به فقرا بدهند یا از طریق حکومت اسلامی و حاکم پرداخت شود؟

شاید از آیات و روایات بتوان استفاده کرد که اصل و قانون آن است که زکات از طریق حاکم اسلامی جمع آوری و تقسیم شود زیرا:

۱- خداوند پیامبرش را مأمور گرفتن زکات کرده است، «خُذ من اموالهم صدقه»(۳) اگر گرفتن رسول خدا واجب است، پس پرداخت مردم به پیامبر نیز واجب می باشد.

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «اُمرتُ ان اخذ الصدقه من اغنیاءکم فَاَردّها فی فقراءکم»(۴) من مأمورم که از اغنیا زکات بگیرم و به فقرا بدهم. پس از پیامبر اسلام نیز امامان معصوم علیهم السلام مسئول این بوده اند.

شخصی می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که زکات فطره برای کیست؟ حضرت فرمود: برای امام است، گفتم این خبر را نقل کنم؟ فرمود: بله(۵)

۲- پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برای زکات، کارگزارانی تعیین کرده بود که در قرآن از آنان به نام عاملین یاد شده است، این افراد از طرف حضرت مسئول جمع آوری زکات بودند.(۶) از جمله: شخصی به نام رافع را به سوی قبیله جهینه، بسر را به سوی قبیله بنی کعب، ولید بن عقبه را به سوی قبیله بنی المصطلق و مردی از بنی سعد را به سوی قبیله بنی سعد فرستاد.(۷)

۱- ۳۱۵) سوره انعام، آیه ۱۴۱.
۲- ۳۱۶) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۹۶.
۳- ۳۱۷) سوره توبه، آیه ۱۰۳.
۴- ۳۱۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۳۹.
۵- ۳۱۹) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۴۰۳.
۶- ۳۲۰) وسائل، ج ۶، ص ۳.
۷- ۳۲۱) برگرفته از مغازی ترجمه مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۷۴۰.

۳- حضرت علی علیه السلام نیز افرادی را برای جمع آوری زکات می فرستاد و در نهج البلاغه حدود ۲۰ دستور برای شیوه برخورد آنان با مردم بیان شده است.(۱)

۴- در قرآن می خوانیم: بعضی از منافقان به نحوه تقسیم زکات پیامبرصلی الله علیه وآله اعتراض می کردند و نیش می زدند، اگر جمع آوری و تقسیم زکات مربوط به پیامبر نبود، دلیلی برای تحمّل این همه نیش نبود. بگذریم که قرآن می فرماید: «و منهم من یلمزک فی الصّدقات فان اُعطوا منها رضوا»(۲) «انتقاد و سرزنش این منافقان برخاسته از عقده و منافع شخصی آنهاست و هرگاه کمی از زکات به آنها داده شود، دیگر

انتقاد نمی کنند».

۵ - سهمی از زکات برای جذب دلها اختصاص داده شده است. «مؤلفه قلوبهم»

رسول خدا صلی الله علیه وآله برای جذب رؤسای قبائل چیزهایی به آنها می داد و شکی نیست که رئیس قبیله جذب افراد عادی نمی شود، ولی جذب رئیس حکومت می شود. پس باید زکات نزد حاکم اسلامی جمع آوری و با نظارت او تقسیم شود تا بتوان افرادی را به اسلام جذب نمود.

۶- در روایات برای حاکم اسلامی وظایفی تعیین شده است، از جمله اینکه بدهی بدهکاران را بپردازد. «فعلی الامام ان یعطیه»(۳)

و در بعضی روایات می خوانیم که حاکم باید بخشش هایی داشته باشد. «فعلی الامام أن یعطیهم»(۴)

بنابراین مکتبی که برای امام و حاکم اسلامی هزینه تعیین می کند باید منبع درآمد هم معیّن نماید. پس زکات باید در دست حاکم اسلامی باشد.

۷- در روایات می خوانیم: پنهان کردن زکات از امام، نشانه نفاق است.(۵)

اگر پنهان کردن زکات نشانه نفاق است، پس باید زکات نزد امام المسلمین جمع آوری و توسط او تقسیم شود.

۸ - در صدر اسلام افرادی کارشناس و متخصص در تخمین مبلغ زکات بودند و از طرف رسول خدا صلی الله علیه وآله و حضرت علی علیه السلام به مناطق اعزام می شدند. اگر پرداخت زکات از وظائف فردی باشد و از وظائف رسمی نظام اسلامی نباشد، نیازی به فرستادن گروه تخمین و ارزیابی از طرف حکومت نبود.

۱- ۳۲۲) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۱.

۲- ۳۲۳) سوره توبه، آیه ۵۸ .

٣- ٣٢٤) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٢٥٩.
٤- ٣٢٥) جامع الأحاديث، ج ٩، ص ٢٦٥.
٥- ٣٢٦) مستدرك الوسائل، ج ٧، ص ١٢٣.

۹- حضـرت علی علیه السـلام به مخنف بن قیس که مسـئول زکات بود، فرمود: «لیس له ان ینزل بلادنا و یؤدی صدقه ماله الی عدوّنا...» هر کس از پیروان ما که زکات مال خود را به کارگزاران شام پرداخت کند، درست نیست، زیرا نیروی سواره و پیاده مـا از او حمـایت کرده است و سـزاوار نیست که افرادی از خـدمات مـا بهره منـد شونـد، ولی زکات اموالشان را به دشـمنان ما بدهند.(۱)

از این حدیث معلوم می شود که زکات بودجه حکومت است و باید به حاکم داده شود تا امنیّت منطقه را با تدبیر، تأمین کند.

۱۰- حضـرت علی علیه السـلام در نامه های ۲۵، ۲۶ و ۶۷ به مسـئول زکات سـفارشاتی می کند که نشان می دهد باید اختیار زکات به دست حاکم اسلامی باشد، نمونه آن، این که می فرماید:

زکات را به حاکم اسلامی برسانند تا او تقسیم نماید.

زکات را فوری نزد ما آورید، تا بر طبق کتاب خدا و سنّت پیامبرش تقسیم کنیم.

حضـرت علی علیه السـلام به مأمور خود می گوید: «ارسلنی الیکم ولیّ اللّه و خلیفته حتّی أخذ منکم حق اللّه فی اموالکم. فهل فی اموالکم من حق فتؤدّوه الی ولیّه»(۲) به مردم بگو! ای بندگان خدا، ولیّ خدا مرا نزد شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شـماست بگیرم، پس آیـا برای خداونـد در اموال شـما حقی هست تا آن را به ولی خـدا برسانم؟ به همین دلیل ابوبکر با گروهی که زکات نمی دادند برخورد نظامی کرد و در

تاریخ نام آن گروه به اصحاب ردّه معروف شده است.

۱۱- دلیل پرداخت زکات حل مشـکلات فقراست و اگر قـدرت حکومت نباشـد، بسیاری از مردم زکات نمی دهند و فقرا در فقر می سوزند. بنابراین باید حاکم اسلامی در مسأله زکات نقش فعال و قهار داشته باشد.

۱۲- اگر قرار باشـد هر کس بـا دست خود زکات مال خود را به افراد مسـتحق بدهـد و نظارت حاکم اسـلامی در کار نباشـد، افراد زیادی سوء استفاده کرده و از چند نفر زکات می گیرند.

۱۳- در تـأمین زنـدگی فقرا از طریـق حکـومت، ذلـت و خـواری و تحقیر نیسـت. ولی اگر فقیر به طـور مسـتقیم از دست افراد کمـک بگیرد، احسـاس حقـارت می کنـد. بنـابراین برای حفـظ کرامت و آبرو و شخصـیّت فقرا بایـد زکـات نزد حـاکم عادل اسلامی جمع آوری و تقسیم شود.

۱۴- امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می نویسد: بهتر است که زکات را در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام به فقیه و حاکم اسـلامی بدهند. زیرا او به محل مصـرف آن آگاه تر است و اگر فقیه و حاکم اسـلامی بنابر مصـلحت اسـلام یا مسلمانان حکم کند که مردم زکات مال خود را به او بپردازند، پیروی از وی هر چند که از او تقلید نکنند، واجب است.(۳)

۱- ۳۲۷) مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۰۷.

۲- ۳۲۸) نهج البلاغه، نامه ۲۵.

۳- ۳۲۹) تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۴۳.

سؤال: با این همه دلائل، چرا گروهی از بزرگان فقها بر این عقیده اند که مردم خودشان زکات مالشان را بپردازند؟

پاسخ: شاید دلیل این بزرگان حدیثی باشد که می فرماید: «اخرجها من مالك... ثم اعطها کیف شئت»(۱) زکات را از مال خود خارج کن و هرگونه مصلحت می دانی خرج کن.

البتّه ممکن است این روایات در زمان تقیّه صادر شده باشد که دست امامان معصوم علیهم السلام در آن هنگام بسته بوده است و قدرتی برای جمع آوری زکات نداشتند و اگر اموالی را جمع آوری و تقسیم می کردند، کینه و حسادت حاکمان ستمگر را برمی انگیختند و برای طرفداران وفاداری که برای رساندن زکات به آن بزرگواران مراجعت می کردند، ایجاد زحمت می کردند. به همین دلیل امامان معصوم علیهم السلام برای

حفظ جان طرفداران خود، دستور می دادند که هر کس زکات مالش را خودش بدهد و هر کس به شما زکات داد، بگیرید و هر کس نداد کاری به او نداشته باشید.

ناگفته پیداست که اکثر مراجع تقلید (حفظهم اللّه) به پرداخت کنندگان، اجازه پرداخت زکات را می دهند.

۳۹– مقدار دریافت زکات

زکات » مقدار دریافت زکات

امکانات نسبی مانع گرفتن زکات نیست، به چند حدیث توجّه کنید:

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: فلانی منزلی دارد که چهار هزار درهم ارزش دارد، شتری دارد که هر روز دو تا چهار درهم علاوه بر هزینه علف سود دارد، به علاوه همسر و غلام دارد. امام فرمود: «فَتَأمُرنی اَنْ امره ان یبیع داره و هی عزّه و مسقط رأسه او یبیع جاریته التی نقیّه الحر و البرد و تصون وجهه و وجه عیاله او امره اَن یبیع غلامه و جَمَله و هی معیشته و قوّته؟ یأخد الزکاه فهی له حلال و لا یبیع

داره و لا غلامه و لا جَمَله»(۲) آیا از من می خواهی که او را وادار کنم منزلی که زادگاه و سبب عزّت اوست یا غلام و شتری که وسیله زندگی اوست بفروشد؟! هرگز، او می تواند زکات بگیرد و لازم نیست خانه و شتر و غلامش را بفروشد.

به امام صادق علیه السلام گفتند: عیسی بن اعین به نیازمندی چنین گفت: چون دیدم که تو گوشت و خرما خریدی، پس فقیر نیستی و با اینکه زکات دارم به تو نمی دهم. هر چه فقیر عذر آورد که خرید گوشت و خرما دائمی نبوده است، بر عیسی بن اعین اثر نکرد. امام برای مدتی دست مبارکشان را بر پیشانی گذاشتند سپس سر بلند کرده و فرمودند: خداوند عنایتی به اموال اغنیا و

۱- ۳۳۰) وسائل، ج ۶، ص ۲۱۳.
۲- ۳۳۱) وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۲.

سپس توجّهی به اموال فقرا فرمود، پس در اموال اغنیا

سهمی که برای فقرا کافی باشد قرار داد.(۱)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: از سهم زکات تا صد درهم به فقیر بدهم؟ حضرت فرمود: بله.

پرسید: از سهم زکات تا دویست درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله

پرسید: از سهم زکات تا سیصد درهم بدهم؟ فرمود: بله

پرسید: از سهم زکات تا پانصد درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله آن قدر بده تا او را بی نیاز کنی.(۲)

امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می فرماید که: «انّما هی لاقوام لیس لهم فی الاماره نصیب و لا فی العماره حظّ و لا ـ فی التّجاره مال و لا ـ فی الاجاره معرفه و قدره ففرض اللّه فی اموال الأغنیاء ما یقوتهم و یقوم بِأَوَدَهم»(۳) زکات برای کسانی است که نه مقام حکومتی دارند و نه ساختمانی و نه ثروت و تجارتی، و نه برای اجیر شدن آشنایی با حرفه ای دارند و نه توان بدنی برای کارهای

ساده، پس خداوند در اموال اغنیا سهمی را برای این افراد واجب فرموده است، به مقداری که در زندگی فلج نباشند و بتوانند روی پای خود بایستند.

از امام پرسیدند: زندگی شخصی از طریق پدر یا عمو و یا برادرش در حدّ ساده تأمین می شود. آیا می تواند برای توسعه زندگی زکات بگیرد؟ امام فرمود: مانعی ندارد.(۴)

در حدیث دیگری می خوانیم: برای ازدواج کردن می توان زکات گرفت.(۵)

در حدیث دیگری آمده است که فقیر می تواند به قدری بگیرد که حتّی بتواند صدقه بدهد.(۶)

در بعضی روایات می خوانیم: فقیر می تواند زکات بگیرد و زندگی خود را تأمین نماید و حتّی اگر حج نرفته است، با آن به مکّه نیز برود.(۷)

البتّه باید توجّه داشت که رفتن به مکه در آن زمان از مدینه یک هزینه استثنائی به حساب نمی آمده است.

۱- ۳۳۲) وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۷.
۲- ۳۳۳) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۰۶.
۳- ۳۳۴) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۳۶.

۴- ۳۳۵) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۲۵۴.

۵- ۳۳۶) وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۷.

۶- ۳۳۷) وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۵.

۷- ۳۳۸) وافی، ج ۱۰، ص ۱۷۷.

گیرندگان خمس و زکات و انفاقات نیز باید به نکاتی توجّه نمایند:

۱- آنچه می گیرند در موارد ضروری صرف کنند.

۲- از پرداخت کننده تشکر و در حق او دعا کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لعن اللّه قاطعی سبیل المعروف فیکفره فیمنع صاحبه من ان یصنع ذلک الی غیره»(۱) خدا لعنت کند کسی را که راه خیر را به روی دیگران می بندد. از کمک کنندگان تشکر نمی کند و آنان را با بی اعتنایی و کفران خود، از این که به دیگری کمک کنند، دلسرد می کند.

۳- نه پرداخت کننده را تحقیر کند و نه آنچه را می گیرد.

کسانی که مال اندک خود را خالصانه برای کمک به جبهه به رسول خداصلی الله علیه وآله می دادند، مورد تحقیر بعضی از افراد قرار می گرفتند و قرآن این تحقیر را به شدّت نکوهش می کند. «الّذین یلمزون المطّوِعین من المؤمنین فی الصّدقات و الّذین لایَجِدون الّا جُحدَهم فیسخرون منهم سَخِر اللّه منهم و لهم عذاب الیم»(۲)

۴- اموال شبهه ناک را نگیرد.

گاهی اوقات، افرادی برای اهداف نابجا اموالی را به نام هدیه، چشم روشنی، عیدی، سوغاتی و غیره به دیگران می دهند تا دل آنان را به سوی خود جذب کنند و بستر را برای رسیدن به اهداف خود آماده نمایند. جالب آنکه هیچ مقامی از تیررس و شکار این افراد مصون نیست.

این قبیل افراد از بردن هدایایی در دل شب به در خانه حضرت علی علیه السلام نیز دریغ ندارند.(۳)

۵ - بیش از نیاز خود نگیرد.

۶- ضمن تشکر از پرداخت کننده، خدا را سرچشمه لطف بداند و مردم را به عنوان واسطه فیض تلقّی کند.(۴)

۴۰- گیرندگانی که اولویّت دارند

زکات » گیرندگانی که اولویّت دارند

والدین و بستگان

در قرآن می خوانیم: «قل ما انفقتم من خیر فللوالدین و الأقربین»(۵) هر چیزی که می دهید قبل از هر کس، والدین وبستگان خود را در نظر بگیرید.

۱- ۳۳۹) محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۹۱.

۲- ۳۴۰) سوره توبه، آیه ۷۹.

۳- ۳۴۱) در نهج البلاغه با واژه «طارق» (کسی که شب پیدا می شود) از این قبیل افراد نام برده شده است.

۴- ۳۴۲) محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۹۰.

۵- ۳۴۳) سوره بقره، آیه ۲۱۵.

حتّی اگر وصیّت می کنید، قبل از هر کس برای والدین و بستگان خود وصیّت کنید. «ان ترک خیراً الوصیه للوالدین و الاقربین»(۱)

شعار اسلام این است که «لا صدقه و ذو رحم محتاج»(۲)، اگر بستگان محتاج باشند کمک شما به دیگران ارزش ندارد.

طرفدارن مکتب اهل بیت علیهم السلام

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زکات حق کیست؟ فرمود: طرفداران ما. پرسیدند: اگر زیاد آمد، فرمود: به همان افراد اضافه بدهید و این سؤال را چند بار تکرار کردند، باز امام فرمود: به طرفداران مکتب اهل بیت علیهم السلام اضافه بدهید و سؤال را تکرار کردند. امام صادق علیه السلام با کلمه «لا و اللّه» فرمود: به غیر آنان ندهید، مگر در شرایط حسّاسی که نیاز به ترحّم باشد که در این صورت به حدّاقل اکتفا

کنید. سپس امام برای بیان حداقل، انگشت شصت خود را روی چهار انگشت گذاشتند.(۳)

البتّه اکتفا به حداقل در مواردی است که مخالفان در برابر اهل بیت، سرسختی کنند ولی اگر مخالفتشان بر اساس لجاجت نباشد و یا احتمال جذب و گرایش آنان به مکتب اهل بیت وجود داشته باشد، شاید بتوان از باب «مؤلفه قلوبهم» سهم چشم گیری از زکات به آنان پرداخت کرد.

بنابراین جایگاه اصلی مصرف زکات، طرفداران مکتب اهل بیت هستند و مصرف زکات درباره غیر آنان باید در چهارچوب اصول و نظریه فقها عمل شود.

اهل ایمان و تقوی

در روایات می خوانیم، نسبت به مؤمنین تا ۱۰/۰۰۰ (درهم و دینار) بخشیده شود، ولی نسبت به نااهل و فاجر به مقدار حداقل. زیرا مؤمن کمک را در راه اطاعت خدا و فاجر در راه معصیت خدا صرف می کند. «لانّ المؤمن ینفقها فی طاعه اللّه عزّ و جلّ و الفاجر فی معصیه اللّه عزّ و جلّ»(۴)

آری، کمک رسانی به افراد متّقی، گامی در توسعه خیر و برکت و صلاح است و کمک رسانی به نااهل، گامی در گسترش فساد و تباهی، و انسان باید به وسیله زکات علاوه بر سیر کردن گرسنگان، مکتب حق و راه صلاح را گسترش دهد.

کمک به اهل علم، توسعه فرهنگ است. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: چگونه مال خودم را به دیگران عطا کنم؟ فرمود: بر اساس فقه، عقل و سابقه هجرت.(۵)

۱- ۳۴۴) سوره بقره، آیه ۱۸۰.

۲- ۳۴۵) بحار، ج ۷۷، ص ۵۹ .

۳- ۳۴۶) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۷۷.

۴- ۳۴۷) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۲۶۶.

۵- ۳۴۸) وافی، ج ۱۰، ص ۲۰۳.

آبرومندان

قرآن می فرماید: «للفقراء الّذین اُحصـروا فی سبیل اللّه لا یستطیعون ضرباً فی الأرض یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفّف تعرفهم بسیماهم لایسئلون النّاس اِلحافاً»(۱) (انفاق شـما) برای نیازمنـدانی باشد که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته اند (و حمایت آنان از آیین خـدا آنهـا را از وطن خویش آواره سـاخته و شـرکت درمیـدان های جهاد به آنان اجازه نمی دهـد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارت

بزننـد)، نمی تواننـد مسافرتی کننـد و از بس اهل صبر و حیا هسـتند، بی خبران آنها را بی نیاز می پندارنـد، امّا آنها را از چهره هایشان می شناسی (که صورت خود را با سیلی سرخ نگه می دارند) و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند.

بر همین مبنـا در رسـاله مراجع تقلیـد می خوانیم: مسـتحب است در پرداخت زکـات، کسـانی را که اهل سؤال نیسـتند، بر اهل سؤال مقدّم بدارید.

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: به فقرایی که در جامعه عزیزتر و دارای منش و جلوه ای هسـتند، گاو و گوسـفند و شتر را (به قصد زکات) هدیه کنید، امّا به فقرای معمولی درهم و دینار را به عنوان زکات بدهید.

از حضرتش پرسیدند: دلیل این تفاوت چیست؟ فرمود: در جامعه فقرایی هستند که زندگی خوبی داشته اند و از گرفتن صدقه خجالت می کشـند. بنابراین بایـد در پرداخت، به زیباترین نوع با آنان برخورد شود. «یـدفع الیهم اجمل الأمرین عند النّاس».(۲) نکته مهم و قابـل توجّه اینجـاست که امـام بـا این که فرمود برای افراد با شخصـیّت گاو و شتر بفرستیـد، لکن در پایان حـدیث، زیبایی کار را به مردم واگذار کرد: «اجمل الامرین

عند الناس» زیرا ممکن است در شرایطی و درمناطقی هدیه کردن گاو و گوسفند سبک و اهدای طلا و نقره سنگین تر باشد.

بنـابراین ملاـک در پرداخت زکات، آن است که ما حالات و شـرایط گیرنـده را با شـرایط حاکم بر جامعه و افکار عمومی در نظر بگیریم و هر کدام زیباتر است، همان راهدیه کنیم.

فرامـوش نمی کنم که برای تبلیـغ به روسـتایی رفتم. مردم آن جـا شـیر گـاو گوسـفند خود را در روز عـاشورا در دیـگ هـای بزرگی می ریختند و شـیر روز عاشورا را هدیه امام جماعت و روحانی منطقه می کردند. سپس شـیرها را ماست و پنیر کرده و بعـد از عـاشورا به جای پول به او می دادنـد. من که در آن زمان تازه داماد بودم و نیاز به پول داشـتم، مجبور شـدم ظرف های پنیر را از روستا به شهر آورده و بفروشم و این خاطره تلخ را بعد

از سی سال هنوز فراموش نکرده ام. اگر مردم آن منطقه که عاشق امام حسـین علیه السـلام و مخلص بودنـد و به قصـد خدمت

این عمل را انجام می دادنـد، به حدیث فوق توجّه می کردند و آن نیّت خالصانه با رفتاری همراه می گشت که گیرنده کمک به دردسر نیفتد، روحانی تازه داماد مجبور به پنیرفروشی نمی شد!

ص: ۸۰

۱- ۳۴۹) سوره بقره، آیه ۲۷۳.

۲- ۳۵۰) وافی، ج ۱۰، ص ۲۰۵.

کسانی که نیاز بیشتری دارند

رسول خدا صلی الله علیه وآله عطاهای خود را بر اساس نیاز افراد در نظر می گرفتند. «کان النّبیّ یعطی العطاء علی قدر عیله»(۱)

ثروتمندان دیروز

کسانی که در گذشته، خود اهل بذل و بخشش و پرداخت زکات بوده اند، ولی امروز محتاج زکات هستند، سزاوار است در اولویّت دریافت زکات قرار گیرند.(۲)

اهل منطقه

در روایات می خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات بادیه نشینان را به بادیه نشینان و زکات شهرنشینان را بین شهرنشینان تقسیم می فرمود.(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: نه صدقه مهاجرین برای اعراب حلال است و نه صدقه اعراب برای مهاجرین.(۴) البتّه این در صورتی است که در منطقه فقیر وجود داشته باشد، امّا اگر در منطقه ای نیازمند نبود، انتقال زکات به غیر بلامانع است.(۵)

۴۱- شیوه دریافت زکات

زکات » شیوه دریافت زکات

حضرت علی علیه السلام در نامه بیست و پنجم نهج البلاغه دستوراتی به دست اندرکاران دریافت زکات می دهد که چون آن دستورات، امروز برای همه کسانی که از طرف دولت اسلامی برای انجام مأموریّتی به سراغ مردم می روند مفید است، آن نامه را نقل و ترجمه می کنم:

۱- انگیزه تو برای گرفتن زکات، انجام فرمان خداوند یکتا باشد، نه امر دیگر. «انطلق علی تقوی اللّه وحده...»

۲- هیچ مسلمانی را مترسان. (فکر نکن چون تو مأمور حکومت هستی باید مردم از تو حساب ببرند و تو متکبّرانه و با ژست بر آنان وارد شوی). «لا تروّعنَّ مسلما»

۳- در صورت کراهت مردم، حق نداری وارد زمین و مزرعه و باغ آنان شوی. «لاتجتازنّ علیه کارهاً»

۴- بیش از حق خدا از آنان نگیر. «لاتأخذنّ منه اکثر من حقّ اللّه»

۱- ۳۵۱) محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۹۲.

۲- ۳۵۲) محجّه البیضاء، ج ۲، ص ۹۱.

۳- ۳۵۳) بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۰.

۴- ۳۵۴) وافی، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۵- ۳۵۵) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۸۵.

۵ – هر گـاه بر قـبیله ای وارد شـدی، بـه منزل مردم نزو بلکـه کنـار چشـمه آبی فرود آی. «انزل علی مـائهم من غیر ان تخـالط ابیاتهم»

(مهمان شـدن کارمنـدان آفاتی دارد، از جمله ممکن است به خاطر پـذیرایی، قلب کارمنـد جذب صاحبخانه شود و در گرفتن حق خدا از او سـهل انگاری کند و ممکن است مردم میزبان را واسـطه قرار دهند تا کمتر بگیرد، یا ممکن است میزبان در قبیله خود افتخار و از میزبانی خود سوءاستفاده کند.)

۶– بـا آرامش و وقـار بر مردم وارد شو. (بوق و کـاروان و اسـکورت و هیـأت همراه لازم نیست). «ثم امض الیهم بالسّـِکینه و الوقار»

۷– تو بر مردم وارد شو وبر آنـان سـلام کن، (نه انتظـار سـلام از مردم داشـته باش و نه انتظار اینکه مردم گرد تو جمع شونـد). «تقوم بینهم فتسلّم علیهم»

۸ – از احترام به مردم فروگذار مکن. «و لا تخرج الّا بالتّحیّه»

۹– در گرفتن زکات، خـدا محوری را فراموش مکن و به مردم بگو: شـما بنـده خـدا هستیـد، «عباد اللّه» و من فرسـتاده و مأمور خدا هستم «ارسلنی الیکم ولیّ اللّه» و سهمی که می دهید حق خداست. «لاخذ منکم حق اللّه»

۱۰– در گرفتن زکـات از مردم پیش داوری نکن، بلکه از خود مردم سؤال کن که آیا در مال شـما حق خـدا هست یا نه؟ اگر هست، حق خدا را به ولی خدا بدهید. «فهل للّه فی أموالکم من حق فتُؤدّوه الی ولیّه»

۱۱– به مردم اعتماد کن و اگر کسـی گفت حقّ خدا در مال من نیست، گفتارش را بپذیر و دوباره به او مراجعه نکن. «فانْ قال لا، فلا تراجعه»

۱۲– چون کسـی که زکات می دهـد به تو لطف می کنـد، «فان انعم لک منعمٌ» همراه او حرکت کن (فانطلق معه) و در مسـیر راه او را مترسان، تهدید مکن و سخت نگیر. «من غیر ان تخیفه او توعده او تعسفه او تُرهقه»

۱۳– هر چه از طلا و نقره داد بگیر و چانه نزن، «فخـذ ما اعطاک» اگر شتر و گوسـفند دارد چون سـهم او بیش از سـهم زکات است، بدون اجازه او وارد بر آنها مشو. «فان کان له ماشیه او ابل فلاتدخلها الّا باذنه فانّ اکثرها له»

۱۴– هنگامی که وارد آغل شـدی، سـخت گیری نکن و صاحبش را مرنجان. «لاتـدخل علیها دخول متسـلط علیه... و لاتسُوءن صاحبها»

۱۵– حیوانات را رم نده و آرامش آنها را نگیر. «لاتنفّرن بهیمه و لاتفزعنّها»

۱۶– در تمـام مراحـل حـال مردم را مراعـات کن. گله و دام را دو بخش کن. هر بخش را صـاحبش اراده کرد، بردارد و شـما

بخش دیگر را انتخاب کن. بار دوم بخشی که سهم تو است به دو قسمت

ص: ۸۲

تقسیم کن، باز هم هر قسمت را که او خواست بردارد آزاد است و این کار را آن قدر تکرار کن تا سهم زکات در آخرین تقسیم تو روشن شود.

۱۷- پشیمانی مردم را در انتخاب بخشی که برداشته است، بپذیر. «فان استقالک فاقله»

۱۸- حیوان پیر و از کار افتاده، دست و پا شکسته و عیب دار را مگیر.(۱) «لاتأخذن عوداً و لا هَرِمه و لا مسکوره و لا مهلوسه و لا ذات عوار»

۱۹- سهم خدا را به کسی بسپار که به دین و دلسوزی او نسبت به مال مسلمین اطمینان داری. «لاتأمَنّن علیها الاّ من تثق بدینه رافقاً بمال المسلمین»

۲۰- سهمی که جمع آوری شده باید به دست ولی مسلمین برسد و او آن را میان فقرا تقسیم کند و کسی که حیوانات زکاتی نزد ما می آورد، باید شخصی مهربان و درستکار باشد، درشتی نکند، آنها را به سختی نراند و خسته نکند. «لاتوکّل بها الاّ ناصحاً شفیقاً اميناً حفیظاً غیرمعنّف و لامُجْحِف و مُلعبٍ و لا متعبٍ»

۲۱- شتری که به عنوان زکات گرفته می شود از بچه اش جدا نشود. «لایحول بین ناقه و بین فصیلها»

۲۲- تمام شیر آن را ندوش و مقداری از شیر برای بچه اش در پستان باقی بگذار. «و لا یمصر لبنها فیضرّ ذلک بولدها»

۲۳- با سوار شدن بر حیواناتی که به عنوان زکات گرفته شده اند، آنها را خسته نکن. «لایجهدنّها رکوباً»

۲۴- در دوشیدن شیر و سوار شدن، عدالت را میان شتران مراعات کن. (مبادا یک شتر را یک ساعت سوار شوی و یک شتر را دو ساعت) «و لیعدل بین صواحباتها»

۲۵- اگر حیوانی در مسیر راه خسته شد، باید به او استراحت داد. «و لیُرفّه علی اللاغب»، حیوانی را که پایش سائیده شده و حیوانی که به خاطر درد لنگان و کج می رود، با آرامش براند. «و لیستأن بالنقب و الظالع»، در مسیری که حیوانات زکاتی را می بری اگر به محل های آب رسیدی، آنها را وارد کن. «و لیوردها ما تمرّ من الغُدر»، مسیر حیوانات را از جادّه های سرسبز به مناطق بی گیاه تبدیل نکن. «و لایعدل بها عن

نبت الأرض الی جواد الطّریق»، به حیوانی که خسته شد استراحت ده. «و لیروحّها فی الساعات»، و چون به آب و گیاه رسیدند به آنها مهلت بهره گیری ده. «و لیمهلها عند النطاف و الاعشاب».

---

۱ - ۳۵۶) از قطب راوندی نقل شده که ظاهر سخن امام این است که اول حیوانات معیوب و پیر را از گله جدا کن، بعد حیوانات سالم را دو بخش و هر بخش را باز به دو بخش تقسیم کن تا آنکه در آخرین بخش سهم زکات روشن شود.

همه این دستورات برای آن است که حیواناتی که سهم فقرا است فربه و پرمغز نزد ما جمع شود و ما آنها را طبق کتاب خدا و سنّت پیامبرصلی الله علیه وآله تقسیم کنیم، البتّه مراعات این دستورات در مأموریّتی که داری پاداش تو را بزرگتر و رشد معنوی تو را ان شاء اللّه بیشتر می نماید.

در این چند سطر نهج البلاغه، این همه دستور برای انجام یک مأموریّت، نشان دهنده جامعیّت و دقت و لطافت اسلام است.

راستی اگر همین یک نامه را برای اهل توحید بخوانیم، خدامحوری آن همه را جذب می کند. اگر برای حقوقدانان و کسانی که دم از بشردوستی می زنند بخوانیم، باید در برابر این نامه سجده کنند. اگر برای طرفداران حقوق حیوانات بخوانیم، از ادعاهای خود دست برمی دارند. زیرا در این نامه، هم خداوند محور همه چیز است و هم به مردم در عالی ترین سطح، احترام گذاشته شده است و هم حق حیوانات مراعات شده.

محوریّت خدا در کلماتی از قبیل: تقوی اللّه، عباد اللّه، ولیّ اللّه، حقّ اللّه، کتاب اللّه، سنّه رسول اللّه، امر اللّه، ان شاء اللّه، به چشم می خورد.

احترام به مردم در جملاتی از قبیل:

۱- نترساندن مردم. «لاتروّعنّ مسلما»

۲- عدم مزاحمت برای مردم در منزل و باغ و مزرعه. «من غیر ان تخالط ابیاتهم»

۳- حضور در میان مردم. «تقوم بینهم»

۴- سلام بر مردم. «فتسلم علیهم»

۵ - پرسش از مردم. «فهل للّه فی اموالکم»

۶- اعتماد به مردم. «فان قال لا فلاتراجعه»

۷- نرمی با مردم. «من غیر ان تخیفه، توعده، تعسفه، ترهقه»

۸ - آزار ندادن مردم. «لاتسوءن صاحبها»

۹- آزادی دادن به مردم. «ثم خیره»

۱۰- پذیرش عذر مردم. «فان استقالک فاقله»

۱۱- اجازه گرفتن از مردم. «لاتدخلها الاّ باذنه»

به چشم می خورد. در این نـامه مراعـات حقوق حیوانـات در عـالی ترین سـطح مطرح است، حیوان را نترسان، تمام شـیرش را مـدوش، آن را از فرزنـدش جدا مکن، خسـته مکن، به خسـته ها رفاه بده، در جاده خشک حرکت مده، در بهره گیری عدالت داشته باش و امثال آن...

بعـد از نگـاهی گـذرا که به نـامه حضـرت علی علیه السـلام به کـارگزاران و دست انـدرکاران حکـومت برای گرفتن زکـات داشتیم، به چند حدیث دیگر نیز توجّه کنیم:

ص: ۸۴

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: در گرفتن زکات، خشونت، قهر، کتک، سخت گیری، تحمیل بیش از طاقت ممنوع است(۱) و در حدیث دیگر از اینکه مردم را وادار به سوگند کنیم که زکات داده اند، نهی فرمود.(۲)

اگر برخورد ما اسلامی باشد (و همان گونه که در نامه ۲۵ گذشت) مردم بدانند که حاکم اسلامی به خاطر وظیفه الهی به سراغ مردم رفته یا افرادی را برای گرفتن زکات اعزام می کند، انگیزه او سیر کردن فقرا است، راه و روش او کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه وآله است، تمام مردم (جز افراد لجوج و مریض) با آغوش باز این حکم اسلام را خواهند پذیرفت.

اگر مردم از نحوه جمع آوری و تقسیم آگاه باشند، به پرداخت زکات گرایش بیشتری خواهند داشت. در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات در مسجد جمع آوری می شد و شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آنها را تقسیم می فرمود.(۳) و بر پرداخت کننده صلوات و درود می فرستاد(۴) و صلوات او برای آنان آرام بخش بود و سنگینی گذشت از مال را از دوش آنان برطرف می کرد.

اوّل کسی که زکات خود را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آورد شخصی به نام ابو اوفی بود. حضرت زکات او را گرفت و فرمود: «اللّهم صلّ علی ابی اوفی و آل ابی اوفی»(۵) خداوندا! بر ابی اوفی و خاندان او درود بفرست.

اگر هنگام گرفتن زکات، دهنده آن را آزاد بگذاریم که اگر خواست جنس بدهد و اگر نخواست قیمت آن را پرداخت نماید، این آزادی نیز نوعی تشویق عملی است.(۶)

۴۲- توافق عادلانه

زکات » توافق عادلانه

یکی از مسائی که پرداخت زکات را برای مردم آسان تر می کند، توافق گیرنده با پرداخت کننده است. در حدیث می خوانیم: اگر گیرنده زکات آن حیوانی را که مشمول زکات است نیافت، می تواند با دهنده زکات توافقی عادلانه داشته باشد، یا شتر بزرگتری بردارد و ارزش اضافه آن را به صاحبش بپردازد و یا حیوان کوچکتری بردارد و صاحبش مبلغی که ما به التّفاوت است همراه شتر به گیرنده زکات رد کند.(۷)

۴۳- تسهیلات در گرفتن زکات

زکات » تسهیلات در گرفتن زکات

۱- ۳۵۷) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۳۳۵.

۲- ۳۵۸) جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۰۱.

۳- ۳۵۹) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۱۸۶.

۴- ۳۶۰) سوره توبه، آیه ۱۰۴

۵- ۳۶۱) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۳۶.

۶- ۳۶۲) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۳۳.

۷- ۳۶۳) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۳۷.

برای تشویق مردم باید ما به سراغ آنان برویم، مثلاً وسیله حمل و نقل گندم و جو و... را به سرِ زمین ببریم، زیرا تهیه وسیله و حمل محصول برای دولت آسان و برای مردم مشکل است.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا ما مردم را جمع کنیم و زکات مالشان را بگیریم یا اینکه به سراغ مردم برویم؟ فرمود: شما به سراغ آنان بروید.(۱)

۴۴- چه مالی زکات دارد؟

زکات » چه مالی زکات دارد؟

تقریباً تمام فقها در رساله های خود فرموده اند که زکات مربوط به نه چیز است: گندم، جو، خرما، کشمش، گوسفند، گاو، شتر، طلاـ و نقره مسکوک، همان چیزهایی که مورد تولید و مصرف عموم مردم آن زمان بوده است. البتّه فقهای بزرگوار شرایطی را برای مالی که مورد زکات است در رساله های خود آورده اند. از جمله اینکه طلا و نقره به شکل سکّه رایج باشد. گندم و جو، اگر از آبیاری باشد مقدار کمتری زکات

می پردازد، ولی اگر از طریق دیم به دست آید، زکات بیشتری دارد، گاو و گوسفندی زکات دارد که در چراگاه بچرد و صاحبش برای تأمین علوفه آنها هزینه ای نپردازد. تفصیل شرایط در رساله های عملیّه مطرح شده است و هر کس باید به مرجع تقلید خود مراجعه و به فتوای او عمل کند تا در قیامت حجّت داشته باشد.

در کنار نظریه قریب به اتّفاق مراجع تقلید، بعضی از علما و دانشمندان نظر دیگری دارند که به آن اشاره می کنیم. این افراد می گویند: دلیل وجوب زکات فقرزدایی است و تا فقر هست باید زکات از اجناس دیگر نیز گرفته شود تا فقر ریشه کن شود و در زکات، تفاوتی میان گندم و جو و سایر اجناس نیست، آنچه مهم است، ریشه کنی فقر است.

این افراد شواهدی نیز برای سخن خود می آورند از جمله در روایات می خوانیم: اگر مشکل فقرا با این موارد حل نمی شد، خداوند در مال اغنیا سهم بیشتری برای فقرا قرار می داد، پس محور زکات حل مشکل فقرا است و چون امروزه با پرداخت زکات این نُه چیز، مشکل حل نمی شود، باید از اجناس دیگر نیز زکات گرفته شود.

همچنین در روایات می خوانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات را از غیر این نه چیز عفو فرمود. کلمه «عفو» نشان می دهد که دامنه زکات در ابتدا گسترده بوده است، ولی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چون با پرداخت زکات نُه چیز مشکل فقرا حل می شد، حضرت زکات باقی اجناس را عفو کردند و این عفو حکومتی، تنها برای زمان خاصی است و لذا بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، حضرت علی علیه السلام

برای اسب ها زکات تعیین کرد. بنابراین دست حاکم اسلامی برای کم و زیاد کردن اقلام مشمول زکات باز است و هر گاه تعداد فقرا زیاد شد، حاکم

۱- ۳۶۴) جامع الأحاديث، ج ۹، ص ۳۳۴.

اسلامی می تواند بر چیزی زکات قرار دهد و اگر مشکل فقرا حل شد، می تواند زکات جنسی را عفو کند.

ما به همین مقدار اشاره اکتفا و دامنه این بحث را جمع می کنیم و بررسی آن را به حوزه های علمیه واگذار می کنیم و همین قدر می گوئیم که:

اوّلاً: حل مشکل فقر، تنها از راه گرفتن زکات نیست، بلکه راه های دیگری نظیر خمس، انفاقات، کفّارات، قرض الحسنه، ایجاد شرکت های تعاونی، اشتغال، مضاربه و امثال آن نیز هست.

ثانیاً: باید فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت و صرفه جویی و مصرف صحیح در مردم زنده شود تا میلیون ها نفر به خیال فقر ناله نزنند و توقّع نداشته باشند که با کار کم، نان زیاد بخورند.

۴۵- گستره زکات

زکات » گستره زکات

در پایان کتاب به این نکته مهم اشاره می کنیم که در اسلام زکات دارای معنای گسترده ای است و برای هر چیز زکاتی تبیین شده است، مثلاً:

زکاتِ آبرو، حل مشکلات مردم است، چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: همان گونه که ادای زکاتِ مال واجب است، ادای زکات آبرو نیز واجب است.

امام صادق علیه السلام فرمود: بر هر عضوی زکاتی واجب است:

زکات چشم، نگاه با عبرت و چشم پوشی از گناهان است.

زکات گوش، شنیدن و گوش دادن به علم و حکمت و قرآن است.

زکات زبان، نصیحت مسلمین و بیدار کردن غافلین و تسبیح خداست.

زکات دست، نوشتن علوم و بخشش مال است.

زکات پا، تلاش و سعی در راه جهاد، تحصیل، اصلاح میان مردم، عیادت و زیارت خوبان است.

زکات علم، نشر آن است.

زکات قدرت، انصاف است.

زکات زیبایی، عفت است.

زکات پیروزی، احسان است.

زکات شجاعت، جهاد است.

زکات سلامتی، سعی در اطاعت اوامر و نواهی الهی است.

زکات حکومت، کمک رسانی به درماندگان است.

و زکات عقل، تحمّل کردن بی خردان است.(۳۶۵)

ص: ۸۷

۴۶- زکات در عصر امام زمان علیه السلام

زکات » زکات در عصر امام زمان علیه السلام

پیـامبر صـلی الله علیه وآله فرمودنـد: قبل از ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام فرهنگ اقتصادی مردم به نحوی است که حرام خواری ارزش و غنیمت، ولی پرداخت زکات خسارت شمرده می شود. «حتّی تَرَون الحرام مغنماً و الزّکاه مغرما»(۱)

امّا در آن روزگار که امام مهـدی علیه السـلام ظهور کنـد، ثروتمنـدان باید حق خدا را بدهند و اگر ممانعت کنند، گرفتار قهر ولیّ اللّه قرار خواهند گرفت.(۲) آری دوران ظهور، دوران پایان گرسـنگی و فقر است، گرچه به بهای محو ثروتمندان بی درد و مرفّهـان بی تفـاوت باشـد. در آن روز تبعیض هـا از بین خواهـد رفت و امـوال عمومی به طور مسـاوی در میـان مردم تقسـیم خواهد شد و در آن روز کسی را که نیازمند به زکات باشد،

مشاهده نخواهی کرد. «یُسوّی بین النّاس حتّی لا تری محتاجاً الی الزّکاه»(۳)

«والحمد للّه ربّ العالمین»

ص: ۸۸

۱- ۳۶۶) بحار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.
۲- ۳۶۷) وسائل، ج ۶، ص ۱۹.
۳- ۳۶۸) بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹